
KÖPRÜLÜ KÜT.
400
M. ASIM BY.



شهرستان فصاحت نظم ونثره داور * وبازار سخنورانه بلاغت آور
انجمن شعرانك مرجع ومأبى * استاد كامل يوسف نابى افندى
فاضلك تحفة الحرمين المحترمين نام رسالهٔ
تأليف كرده واطائف
آورده سيدر



٤٠٠



* * * بسم الله الرحمن الرحيم * * *

اى بيت حرامى صف غفرانه مقام * وى باب سلامى مدخل دار سلام * اى ملتزم شريفى مستلزم عفو * وى زمزمى صفحه شوى عصيان انام * شمار قافلهٔ انفاس حجاجدن بيرون شكر ومنت اول حضرت منعم بى علته كه ماصدق آيهٔ كريمهٔ (ان اول بيت وضع للناس للذى ببكة مباركا وهدى للعالمين) اوزره سراى جهان آراى كعبهٔ معظمه يى زمين دلنشين مكهٔ مباركه ده خواستكاران استحكام اركان ايمان ايچون تمهيد ايدوب كشده كان بيابان عصيانه وسيلهٔ هدايت ايلدى (بيت) كعبه بنا كشت كه روى نياز * سوى وى آرند بوقت نماز * سجده كه آن باشد ومسجود حق * معبده آن باشد ومعبود حق * كشته مكان حرم كبريا * كرده خدايش لقب ام القرى * وقطار قطرات سرشك اشتياقدن افزون حمد وثنا جناب وهاب خفى الحكمته كه برفحواى نظم كريم (ولله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا) خوش نشينان ممالك اسلامى ضيافتخانهٔ عميم النوال محترمنه دعوت و بموجب وحى قديم (ومن دخله كان آمنا)

بحر هزج اخرب مكفوف
مفعول مفاعيل مفاعيل
فعول

بيت حرام مكهٔ مكرمه دركه حق تعالى اكا احتراما غيرى يرده مباح اولان نيچه اشيايى انده حرام ايتمشدر صف تخفيفله در غفرانه مضاف اولمشدر وى واى دن مخففدر صفحه شوى وصف تركيبدر معناى تركيبيسى صفحه يقايجى ديمكدر چونكه صفحه كاغدك يوزى معناسنه در شوى شويدن مصدرندن مشتقدر يقامق معناسنه در

مائدهٔ امان وغفرانى نهادهٔ پيشخوان عنايت ايلدى (بيت) كعبه كر او در همه دلها رهست * جزئى از اجزاش يمين اللهست * جوهر آينهٔ دلها وى است * كوهر كنجينهٔ دلها وى است * وعقد اللآل كرانقدر صلوة وتحيات نثار سرخاك سلطان سرير لولاك اولسونكه ابر ناطقهٔ كوهربارلرندن صدور ايدن (بين قبرى ومنبرى روضة من رياض الجنة) حديث شريفى ايله پيراسته اولان كلستان مقدسده رخصت يافتهٔ كلكشت زيارت اولنلر (من زار قبرى وجبت له شفاعتى) مصداقنجه كلچين نهال شفاعت * وخار آزار كار فرمايان دوزخدن دامن آزادهٔ استراحت اولورلر (قطعه) سيد اولاد آدم جبرئيلش خوانده ام * رحمة للعالمينش حق تعالى ساخته * آل واصحابش كه باشد اختران چرخ دين * بهرشان لطف ازل جنت مهيا ساخته * وتحفهٔ كياب دعا اجابت اقتفا * داور دين پادشاه روى زمين * تاجدار عالى كهر * شهريار مكارم پرور * خورشيد افق سلطنت كوهر بازوى معدلت خسرو كامبخشا * صاحبقران عالمكشا ابو الفتح والمغازى * سلطان محمد خان غازى * ايده الله وابقاه حضرتلرينك برداشتهٔ پاى سرير معدلت مصيرلرى قلمق سزادركه آثار حمايهٔ عليهٔ ملوكانه لرى ايله راه رحمت پناه حرمين شريفين غائلهٔ بيم رهزناندن آزاده * ونظر همت جليلهٔ خسروانه لريله رهروان بيت خدايه اسباب امن وآسايش آماده در (بيت) عروس كعبه كه ام القراى آفاقست * وظيفه خوارىٔ او وقبيلهٔ اجداد * جهان چو صفحهٔ تقويم پر زخانه شده * چنان حمايهٔ او سايه افكند ببلاد * مدام كلشن عمرش، بهار وخرم باد * بروى دولت وبخش نكاه بدمرساد * سبب ترشح سحاب قلم بكشتزار مرام * وآغاز سخن درعزيمت راه بيت حرام * قائد كتيبهٔ خيال * بو طريق اوزره ترتيب قوافل مقال ايدركه زلال صاف سرچشمهٔ رسالت عليه الصلوة

من بحر سريع مطوى موقوف
يمين الله حجر الاسود در عقد عينك كسريله منظوم اينجو باغى ديمكدر كران كاف عجمينك كسريله آغر معناسنه در

من بحر رمل مقصور

كياب نادر معناسنه در اجابت اقتفا يعنى شويله دعا كه اجابت انك قفاسنده

من بحر مجتث مخبون

ترشح صزمق معناسنه در كشت كاف عربينك كسريله اكين معناسنه در

والسلام حضرتلری منبع ماء الحیات مکه دن سیرابساز تشنه لبان
ایمان اولمغیچون جانب مدینهٔ منوره یه هجرت بیوردقلری تاریخدنبرو
طولاب دوازده پرسنین دلو مهر و ماه ایله کشتزار روزکار اوزره بیك
سکسان طقوز کره دور ایلدیکی سالده برقع کشای شاهد نوخرام
بیان اولان (یوسف نابیٔ) ناتوانك آثار جاذبهٔ الطاف الهیه ایله روزنهٔ
سویدای دل سودازده سی مهب هوای حجاز و بساط صبر و آرامی
پرچیدهٔ دست شوق راحت کداز اولمغین (بیت) شوق حرم
دردل من جوش زد * کوکبهٔ عشق ره هوش زد * آبلهٔ پابه ازان
چشم وسر * کونکشود ست دران کونظر * مضمونی دخی توسن
تند خیز شوقه تازیانهٔ اقدام اولیجق اولاجناب ولی النعم * آصف
ستوده همم * وزیر پاکیزه نژاد * مشیر شیر نهاد * دستور والا کهر *
فاضل افاضل پرور * داماد شهنشاه عالمکشا * مصاحب مصطفی پاشا
حضرتلرینك اذن عالیلرندن صکره اوصاف عرش اتصاف حرمین
شریفین سیاقنده مدایح جمیلهٔ خسروانه یی حاوی * برقصیدهٔ
نضیدهٔ شوق آمیز ایله استعطای مکارم پادشاهی اولنمغین مراحم
همایون کامبخشالری جلوه کر موقع ظهور اولوب مهام طریق مرام
محافظ مصر وزیر کاردان عبد الرحمن پاشا حضرتلری جانبندن
ترتیب اولنمق بابنده خط همایون سعادتمقرون ضمیمهٔ احسان ایذان
بیورلمغین کنجیدهٔ خروار امکان اولدیغی قدر لوازم طریقه مباشرت
اولندیغی خلالده زمین دلدن برتخم آرزو سرزده اولدیکه وقایع آمد
شد راه بیت الحرام که منظور نکاه رغبت خاص وعامدر نو بنو
صورتنمای مرآت ظهور اولدقجه مشاطهٔ خامهٔ طرفه نکار * زلف خم
بخم سلسلهٔ سطور عنبرین ایله پیرایه بخش رخسارهٔ آثار اوله تاکه
(بیت) مثال کعبه ایا نوردیدهٔ عشاق * کورن جمالنی مشتاق کورمیان
مشتاق * وفقنجه بو شاهد نوخرام کوچهٔ ملاحتك کرشمهٔ نهفته ایله

برقع نقاب دیمکدر
اسم مؤلف کتاب
سویدا وسط قلب
معناسنه در
کداز کداختندن اسمدر که
کداختن اذابه معناسنه در
یعنی ارتمك
من بحر سریع مطوی
کوکبه عظمت وشوکت
معناسنه سودی
کوکب الحدید تیمورك
یلدراسی و کوکب
برنسنه نك اولوسنه
دخی دیرلر وانقولی
تند ضرب شدید معناسنه
تازیانه قامجی دیمکدر
کنجیده اسم مفعولدر
صغمش معناسنه
خروار یوك جوله دیمکدر
سرزده باشلنمش وحاصل
اولمش دیمکدر
مشاطه عروسی تزیین
ایدن عورت
خم اکری که بونده جعد
معناسنه و باصله ایچوندر
جعد جعده اولان زلفی
سلسله سی دیمکدر
از بحر مجتث
کرشمه کاف عجمی ایله ناز
وشیوه معناسنه در
نهفته کزلو دیمکدر

دقایق حسن اداسی * وشیوهٔ ناموده ایله روش خاطر رباسی * اولادن
نائل وصال حرمین اولنلره وسیلهٔ شوق جدید * وحسرتکشان
آرزوی عزیمته مایهٔ تأکید * اولمغله دریوزه کر دریچهٔ عرفان
یعنی نابیٔ پریشان بیانی دخی سقاطهٔ نوالهٔ دعادن فراموش ایلمیه لر
بنابرین فاتحهٔ عزیمتدن خاتمهٔ عودته دك چشم کذار اعتبار اولان
اماکن متبرکه * و پیچیدهٔ منوال ایام ولیال اولان متاع نوظهور
وقایع معتبره * دفهٔ خامهٔ عاجزانه ایله بافتهٔ کارکاه بیان قلنمغه
شروع اولنمغین تسمیهٔ (تحفة الحرمین) ایله تمغازدهٔ رواجکاه اشتهار
قلندی * رجای واثق وامید صادق بودر که حضرت غفور کنه
بخشا بو بهانه ایله مسودهٔ جریدهٔ سیئاتمی قلم عفو ومغفرت ایله
بیاض ایدوب خدمت اوصاف حرمین شریفین برکاتنده رهرو جان
ترك تخت روان جهار پایهٔ بدن ایلدکده مرافقت مشعلهٔ ایمان
کامل ایله ره پیمای درجات باغ نعیم ایلیه آمین (بیت) نیست طمع
جائزه از کس مرا * جائزه ام عفو همین بس مرا * میطلبم جائزهٔ
این سخن * از کرم ومرحمت ذو المنن (کردن از اسکدار رفع
خیام بسوی راه حجة الاسلام * برسیده دم قافلهٔ شعله بار اختران
کهنه رباط اسر بی السقف آسماندن رفع رخت اقامت ایلدکده
دهان رکاب شوق انتساب (بیت) برقدمکم اوله جنبان ره بیت
خدا * جایی اول پایك اولورسه خانهٔ چشمم سزا * مأمن او بختهٔ
کوش هوش اتمکین متیمنا بذکر الله تعالی فضای زمرد سیمای
اسکداردن مقیم مسافرخانهٔ زین اولوب (قرتال نام منزله تحریك
بال استعجال اولندی (بیت) همنم بدرقهٔ راه کن ای طائر
قدس * که درازست ره مقصد ومن نوسفرم * روز دوم ککبوزه ده
برمقدار جلسهٔ استراحتدن صکره خلیج قسطنطینیه دن عبور *
السنهٔ انامده صعوبت ایله مشهور * اولمغله امواج فلك سای

دریوزه سؤال ایتمك
یعنی دیلنمکدر کر
کاف عربی ایله کاردن
مخففدر اداة فاعلدر
دریچه درك تصغیردر
قپو معناسنه در
سقاطه طعام مثللو
نسنه نك یره دوشنی
معناسنه در

از بحر سریع مطوی
(اسکدار)

جنبان بمعنی متحرك
فضا میدان معناسنه
سایدندن سورمك
وسرشدرمك فلك سای
وصف ترکیبیدر
بدرقه مشعله معناسنه در
طائر قدس جبریل امیند
قدس باری تعالانك
ذات پاکندن عبارتدر

تشویش فرماسی دریای دلده آمدشده آماده اولمغین همان اول کون
مساعدهٔ وقته مساعدهٔ هوایی مقرون بولمغله (مصرع) کناره
عزم ایده لم بویله برهوا دوشمز * زمزمه سیله ساحل خلیجه شتاب
اولنوب سوهان عمر عزیز رهروان اولان پست و بلند امواجدن
خالی آینهٔ هموار کبی صور نمای مراد مشاهده او لنمغین مقذاف
توفیق ایله ساحل هرسکه کذار اولندی (روز چارم بدرقهٔ توفیق
بلدهٔ ازنیقه دلالت ایتمکین (بیت) کرد یلرسك اوله سن واهمه دن
آزاده * اولسون آرامکهك درکه اشرف زاده * دست آویزی ایله
خاك آستان اکسیرفشانی تکیه کاه جبین نیاز قلندی (اسکی شهر نام
قصبه ده نمونهٔ اشك کرم عشاق اولان کرمابهٔ بی کلخن قدرنده کرد
راهدن تطهیر آبدان عادت رهروان اولمغین (مصرع) یارب
اسکی شهره یکی عادت اولمسون * دیو ابنای سبیل ایله اول آب
سلسبیل آساده صورتنمای نیلوفر اولوب فرداسنده سید غازی یه
نهضت اولندی برکوه سربلند اوزره رخام تراشیدهٔ مجلادن مبنی
وجلای احجاردیواری آویزش مرآتدن مستغنی * تکیهٔ عالیشان که
رسم مصنوع وطرح مطبوعی شکست آور اندازهٔ آسمان پیمای افکار
دور بین مهندسان روزکاردر خصوصا میان قباب حباب شمارده
مدفن حضرت سید غازی اولان قبهٔ فلك موازی که طائرنکاه دفعهٔ
کنکره سنه پروازه مجال محالدر بیهودهٔ اندازهٔ نکاه حیرت قلنوب
مزارفیض بارلری زیارتی ایله دیدهٔ دل تنویر اولندی (اقشهر قصبه سنده
قطب دائرهٔ عرفان * شیخ محمود حیران * حضرتلرینك (بیت)
باقیا خانقه عالم حیرتده همان * هرکلن کیمسه بو اسرارله حیران
اینجق * مضمونی نقش کتابه سی اولان آستان عالیسی وسید نعمة الله
نخجوانی حضرتلری زیارت اولنوب بتخصیص لطائف مشهورهٔ محتمل
الصدق دوائر آفاقی نمودار قلعهٔ قهقهه ایلین خواجه نصر الدین

خلیج نهر معناسنه در

مقذاف کمی کورکی
(هرسك

زمزمه آواز مهیب والفاظی
ظاهر اولمیان کلام معناسنه
(ازنیق
(اسکی شهر

کرد کاف عجمینك فتحیله
غبار معناسنه در کسرله
مدور نسنه معناسنه و بر
نسنه نك چوره سی دیمکدر
السلسبیل عین فی الجنة
(سید غازی

نیلوفر نهرلرده بتر صاری
چیچك

حباب صو اوزرنده اولان
قبارجق معناسنه

علیه الرحمه نك زیارت خاك زعفران خاصیت خنده فرماسی ایله
اکتساب انشراح درون اولندقدنصکره میان کوه بهشت
شکوهده واقع وادیٔ خاطر رباده اولان قصر ارم نمون که سلطان
بهشت مکان مراد خان غازی طاب ثراه حضرتلری عزیمت فتح
بغداد اثناسنده شیخ الاسلام * عالیمقام * یحیی افندی ایله سایه
انداز تشریف اولدقلرنده هوای خاطر زداسی کاخ روب ضمیر
شهریاری اولمغین نزهت نشیمن وشوق کستربن وطراوت
حوالیٔ روح پروربن * متضمن نونهال روضهٔ سلطنت ایله صفحهٔ
دیوارین تزیین بیورمشلر (کفتهٔ سلطان مراد) بهشتدن
قطعه در حقا که بو عشرتفزا اوی * بوکه داخل اولان مرده
اولور ذوقی ایله احیا * مرادی فتح ایراندن جنکم کندی بغداده *
تنعم ایلیوب ایچدك بوکوثردن شراب آسا * ویحیی افندی بطریق
النظیره بو پنج بیتی ماندهٔ دست انصاف نهادهٔ سینهٔ تحسین
ایتمشلردر (نظیرهٔ یحیی افندی) زهی جای فرحبخش صفا کستر
حیات افزا * نباتندن بسه برمرغ الوبدر طوطیٔ کویا * بهشتك
قطعه سی دیردم ولی رشك بهشت اولمش * قدوم پادشاهیله بو
نزهتکاه بی همتا * صوین کوثر دیو نظمنده اوکمش اول شه عادل *
خوشا پاکیزه نظم وروح پرور آب روح افزا * الهی حضرت
سلطان مراده عمر سرمد ویر * مسخر اوله اکه جملهٔ دنیا وما فیها *
دیه اخلاص ایله یرده بشر کوکده ملك آمین * دعا ایتدکجه اول شاه
جهانه صدقله یحیی * اول کوشهٔ دلارا تماشاسی ضمننده روح
شریفلرینه تحفهٔ کتاب دعا اهدی اولندی (ایلغن ولادیك منزللری
ضمیمهٔ منازل مطویه اولندقدنصکره دار الملك یونان زمین *
ومسقط رأس افلاطون خم نشین * اولان شهر قونیه که ذره ذره خاك
عطرناکی اجزای آبدان اولیا * و قطره قطره آب فیض ناکی

انشراح برنسنه یی کشف
ایتمك وشرح قلب قلبی
آچوب پاك ایتمکه ده دیرلر
وانقولی
شکوه هیبت وحشمت
ویراشقلق وکوزللك
نعمة الله

خم نشین اکری اوتوریجی
دیمکدر یعنی مجاهد وچله
کش معناسنه در
ناك اداة وصفدر که کلمه نك
آخرینه لاحق اولور
اتصاف واتصال معناسن
افاده ایدر مثلا زهرناك
وفرحناك کبی
نعمة الله

سرشك خونين اصفيادر خصوصا مستغرق دریای عرفان *
بالانشين انجمن عاشقان * بلبل رنكين نواى كلستان حقيقت *
وطوطئ دستان سراى شكرستان طريقت * نخلبند كلشن هوا
شكن مثنوى * پرده شكاف دقايق صورى ومعنوى * شهريار ممالك ارشاد
* تاجدار سرير رشد وسداد * مرهم سينهٔ دلسوختكان * آرام خاطر
سودازده كان * پيشواى اصفيا * ومخدوم اوليا حضرت مولانا جلال
الدين رومى قدس سره السامى حضرتلرينك شوق ناصيه سايئ
آستان بهشت نشانلرى ايله بوسبزهٔ نوخيز مزرعهٔ دل وسيلهٔ اذن
دخول قلندى (نظم) ويرر نشاط مؤبد مكان مولانا * ايدر
جبينى منير آستان مولانا * لباس خطوه كيرابروانى شوقندن * اونجه
ناصيه سا عاشقان مولانا * رواج كحل جواهرمى قور نظرلرده *
صفاى خاك جواهرفشان مولانا * بولورمى بلبل بيكانه رخصت
فرياد * نعيم قربده دركلستان مولانا * اولورمى بوسه زن زيرپاى
كنكر چرخ * تنزل ايلمسه زائران مولانا * نوله جواهر ايله اولسه
مثنوى مملو * كليد كنج حكمدر زبان مولانا * نه مثنوى دررشاهوار
مخزن فيض * نه مثنوى چمن بحزان مولانا * سطور صف سپاه
قلمرو تحقيق * نه فوج موج يم بيكران مولانا * ره وجوده بصلدن
قدم بوايدى اميد * كاولم جبين زدهٔ آستان مولانا * خدايه شكر
نصيب اولدى بلبل نكهه * كل مشاهدهٔ بوستان مولانا * خوشا
ستوده ره ورد رهبر توفيق * زيارت حرم عرش سان مولانا * اميدى
شمدى بودرنابئ سيهكارك * كه انكچون ايليه لردوستان مولانا *
كنار دفترده بوكونه نامنى قيد * كمينه خاك دربندكان مولانا *
استقبال امواج روحانيتدن ديده ودل شناور درياى دهشت وحيرت
اولوب (بيت) قدم بهوش بباید نهاد اى مشتاق * كه اين خزانهٔ
فيضست وكعبهٔ عشاق * صداسى در وديوار فيض باردن سامعهٔ

پيشوا هرطائفه نك
مقتداسى

جانى پرايدوب (بيت) تاب شوق ايلمنجه دل سنككى موم * نيجه
ممكن كاوله سك نائل بزم شه روم * خطابى زبان قنديل مه سيماسندن
خانقه درونه آتش صالمغين * برمدت داور حيرت مملكت دلده
حكومت ايلدكدنصكره ينه اعانت فيض هوشبخشاسى ايله سرمايهٔ
اندك شعوره دست رس ميسر اوليجق بيك جانله خريدار طواف
مرقد نورآميزلرى اولوب پروانهٔ نورنكاه بالاى سرشمع مزارلرنده
وقف كردش قلندى حقا برقبهٔ رفيعهٔ كردون نموندركه عقد ثريا
آويزهٔ كردن كنكرهٔ براق * ونوك كنكرى ميل سرمهٔ ديدهٔ سكان
سبع طباقدر * زيرقبهٔ جلالت دستكاهنده مجرد كندولرك وپدر
عالى كهرلرى سلطان العلماء بهاء الدين حضرتلرينك آسايشكاه
خاصه لرى اولوب طاق قبه ايله بازوبند اتصال اولان طاقلر سايه سنده
فرزند اديب وآلانژادلرى حضرت سلطان ولد وينه كناره نشين
خوان نعمت ولايت اولانلردن سكه دار خالص العيار ضرب بخانهٔ
معنى * ومذهب سرصفحهٔ نسخهٔ هدى صلاح الدين زركوب
قنوى * وشمشير تيز بازوى توفيق سرفرو برده نيام تحقيق *
حضرت چلبى حسام الدين وسائر اولاد امجادلرى آسودهٔ خوابكاه
رحمت پناه مزارلرى اولوب كندى زبان كوهر فشانلرندن زيور
آغوش ظهور اولان كلام حكمت نظام اوزره پهلوزدهٔ بستر راحت
كستر خاك اولملرى پادشاهانه واقع اولمغله سائر مراقد اولياى كرام
قدس الله اسرارهم كويا زيرقبه ده ترتيب ديوان ثريا نظام ايتمشلردر
بعده صدر الصدور انجمن حقيقت * مركز دوائر پركار طريقت *
داور قلمرو معنى * دست بردهٔ سرمايهٔ هدى * رهنمون كاروان عالم
عليين * كنجور خزينه دار الملك يقين * جناب شيخ صدر الدين
قنوى قدس سره حضرتلرينك خاك مشكين فيض آكينلرى
عبيرطرهٔ مژكان قلنوب اول راستكوى انجمن قدس حضرتلرينك

سيما بكز وچهره

مرقد پرانوارلرى
نسخه

جلالت دستكاه ال
ايرشمسى وقدرتدن
كنايتدر
وآلا بمعنى بلند قدر

دخی لسان بدیع البیانلرندن مربع نشین چار بالش حیات اولمامز
امیرانه * و غنودهٔ خوابگاه ممات اولمامز فقیرانه * اولسون دیو
صدور ایدن مقال حکمت اشتمال وفقنجه باٰلای مزار عطر آمیزلرنده
ماندهٔ مجمر مشبك چوب تراشیده دن ساخته برقبهٔ قفس سیما واقع
اولمشدر که طائر کنکرهٔ افلاك اولان روح لامکان پروازلرینك کا ابدی
آرامکیر کنج قفس اولمشدر هنوز صدرنشین مدرسهٔ شهود ایکن
ناطقهٔ سامعه پیرالری مفتاح الغیب کنجینهٔ حکم اولدیغی دار
الافاده لری که خزائن پرزر وسیم کبارا اکا نسبت کلخن پرخا کستر *
ومعادن جواهر آبدارا اکا نظرا اورام صدوردن بدتردر * وانك
طبقهٔ فوقانیسنده واقع کتابخانهٔ رحمت نشانلری که (بیت) حفظ
ایچون نسخهٔ محبتکی * ایلدم چاك سینه می دولاب * خواسنی حاوی
برنیچه دولاب مخصوص جناب کرامیلرینك میزاب ماء الحیات چشمه
سار دل الهام آثارلری اولان خامهٔ عنبر افشانلرندن چکیدهٔ صحیفهٔ
تألیف اولمش اسرار قدسیهٔ الهیه دن مملو نسخ معتبره ایله مالامال
اولدیغندن غیری قطب ربانی فاضل صمدانی * شناور بحر اسرار
غواص لاٰلیٔ افکار پیشوای واصلین * رهنمای محققین شیخ
محی الدین عربی قدس الله سره العزیز حضرتلرینك کالای کارکاه
ایقان * ومحصول مزرعهٔ عرفانلری اولان کتاب سعادت نصاب
فتوحات مکیه که بالجمله جناب ولایت پناهلرینك قلم فیض بارلرندن
اوتوز درت مجلد اوزره کشیدهٔ صحیفهٔ بیاض اولوب وهر جلدینك
خاتمهٔ شریفه سی کندی اسم سامیلریله واسفار تسویدن اوراق
تبییضه نقل بیورد قلرنده نائل دولت مشارکت مقابله اولان عزیزك
نام نامیلری ایله ختم وتذییل بیوروب مجموع مجلداتی ارزوی دولت
حفظیله آغوش خزانهٔ جنت خمیازه کش حسرت اولان برصندوق
ایله جایکیر * واول کتابخانهٔ علیه نك دولابنده تقریر اولنمشدر

غنوده اویومش وآسایش معناسنه نعمة الله

کنکره دیوار اوزرنده اولان بدنلردر وانقولی

حتی سلطان الاولیا برهان الاصفیا آفتاب فلك ولایت نشانکاه
سبحهٔ سلسلهٔ سیادت * قائد جیش روحانی شیخ عبد القادر کیلانی
قدس سره حضرتلرینك شمعهٔ ضیابخش لسانلرندن بومقدار
سالدنصکره بردفعه دخی پرتو چراغ اسرار مزانجمن افروز خطهٔ
اندلس اولمق مرسوم پروانهٔ دیوانخانهٔ ازلدر دیو صدور ایدن کلام
کرامت نظاملری وفقنجه خرقهٔ لطیفه لری علی طریق التوصیه
دورابدان خلفاء قادریه ایدرك (بیت) اولدی بکا قبس وکوهکندن
واصل * کلدستهٔ سر عشق اولوب دست بدست * وفقنجه
محی الدین عربی حضرتلرینه واصل اولوب جناب محی الدین دخی
پوشش حیاتدن تجرد بیورد قلرندنصکره دیوانخانهٔ معناده شیخ
صدر الدین جنابنه الباس اولنمغین حالا صندوقیله مضبوط کنج
کتابخانه لریدر بحمد الله تعالی اول نسخ شریفه واول خرقهٔ لطیفه نك
عبیر کیسوی حوران بهشته راجح اولان غبارلری توتیای چشم
افتخار قلندی (ارکلی قصبه سنده پیشرو اصحاب قبول شیخ شهاب
الدین مقتولك خاك خون آمیزی مرهم سینهٔ اعتبار قلندی نمونهٔ
اشك کلکون حسرتیان اولان قزل ارماق کنارنده واقع ادانه ده
رکون تخلیهٔ خانهٔ زین اولنوب دل سنکین خوبان جور آییندن
نمونه رخام جلادادهٔ آیینه سیما ایله بنا اولنمش جامع مشهور بی نظیرینك
تماشاسنده صورت انشراح مشاهده اولندی (السنهٔ نقلهٔ اخبار
ازمنهٔ سابقه ده جاری اولدیغی اوزره حضرت دانیال علیه السلام
چاره جوییٔ موت بی درمان ارزوسیله اجزای نسخهٔ حکمتی
استصحاب ایله صحرایه شتاب اثناسنده حضرت روح الامین کوشهٔ
جناحیله نسخهٔ حکمتی انداختهٔ آب ایتدیکی محل اولمق اوزره
شهرتیاب اولان جسر مسیسدن کذر اولندی (هوای تب فرماسنه
نسبت آه کرم عاشقان نفس زمهریر اولان پیاس قصبه سنده

پروانه کابك وحجت وخبرجی نعمة الله

الخطه خانك کسریله شول یردرکه برکسه کندی نفسی ایچون اختیار ایدوب انده بنا یاپمغه علامت وضع ایلیه وانقولی

(رسیدن بقصبهٔ ارکلی)

(ادانه)

(جسر مسیس)

(پیاس)

بركون كرمئ هوادن لب دريا صفت كف زنان ومبتلاى مرض
صولغان اولوب سنبل صفت نفس سوخته ودود كبود ايله بقراضه
عزيمت * اندن انطاكيه يه نهضت اولندى رؤس جبال شاهقه يه (انطاكيه)
آغوش استحكام صالمش حصار وسيع الارجاسى كه پيك خرد
بركونده حواليسن دوره عديم الاقتداردر وربع ربعى مقدارى انجق
مسكون * وبقيه سى يازدهٔ نوع انسانى اولمق غائله سندن مصون
برشهر اعجوبه در ميانهٔ شهرده واقع معمارهٔ بانئ آثار * جناب حبيب
نجار حضرتلرينك مشهد رحمت آميزلرى زيارتلرينه دل نالان
ماند آب عاصى جريان ايلدكدنصكره اوچنجى كون شهر حلب
الشهبا منظور چشم شوق پيما اولمق ميسر اولدى * واقعا بلدهٔ
غريبهٔ حلب برمعمورهٔ بوالعجبدر كه رواق بنيانى كلاه افكن نظاره
كيان * وطباق قصورى عجزفرماى باصرهٔ تماشايانىدر * طاق ايوانى
قوس فلكدن فراخ ورنكين * طرح قواعبسى كاخ بهشت قدر
دلنشين * نقش رخامى حيرت ده صورت كران ديراوهام * فرش
رخامنه پاى نابرهنه حرام * لطافت حياضى چين رسان نواصئ
رحيق وتسنيم * نزاهت رياضى مستغنئ آمد شد كاروان نسيم *
جوامع ومساجدى بسيار * خوانق وزواياسى بيكانهٔ حد وشمار
خصوصا جامع كبيرينك جانب قبلبسنده مشهد رأس مبارك حضرت
زكريا صلوات الله على نبينا وعليه كه هنكام زيارتنده منشار
حيرت دل زوارى ماه كبى دونيم * ومشام اشتياقى نائل بوى كلزار
نعيم ايدر ميان شهرده واقع خندق بعيد الغور پرآب احاطه سنده
برتودهٔ مصنوعه دن مستحكم برقلعهٔ سربكردونكه غايت ارتفاعندن
ناشى افواه اهل بلاددن رسيدهٔ كوش هلال اولان كلبانك صيت
وصدا * مسامع سكاننه نارسا * وبالاى برجندن آتلان طوب رعد
آشوبك صداسى كوش سكان شهره يتشمك خيلى معنادر * خصوصا

ذكر رسيدن بديار حلب نسخه

الايوان بالكسر الصفة العظيمة جمعى ايوانات واواوين كالديوان ودواوين قاموس

چين بمعنى بوكلم
الرحيق الخمر الصافية
التسنيم عين في الجنة العالية

السنهٔ انامده نظيرى مستور پردهٔ ابهام اولان خانقاه نزهت پناه
شيخ ابو بكر كه ميان قباب بى حسابنده سركشيده اولان سرولر
بيان امتناع قبول مثالنه لسان حال * وساحهٔ راحت بخشاسنده
اولان حياض مالامال * ادعاى رجحان آب حيوان ايچون بسط
زلال مقال ايتمده دركاه شهردلارا وكاه مسارروح بخشاده ايام
عشرهٔ كامله تكيه زدهٔ وسادهٔ استراحت اولدقدنصكره (نظم)
سينه بى مخزن شوق ايلدى سوداى وطن * چشمى بيكانهٔ خواب
ايتدى تماشاى وطن * قالمدى كاركه دلده متاع آرام * اولدى
غارتزدهٔ پنجهٔ يغماى وطن * دارغربتده غريب اكديغى دمده
وطنى * دل جكرجانلرى جانلرتنى تن پيرهنى * مضمونى ناصيهٔ حالده
پديدار اولمغله عنان اختيارربودهٔ دست هوس * ونالهٔ اشتياق
همنفس جرس * قلوب پرورشكاه جسم عجزپناه اولان رها جانبنه
سوق مطيهٔ شوق اولندى (بيت) چنان بشوق خرامان شدم
دران كشور * كه سوى حجله شتابان عروس نوداماد * ميانهٔ طريقده
واقع قلعهٔ بيرة الفرات دامانده نمونهٔ كاهكشان نهرفراتدن سفاين
هلال سيما ايله كذروايكنجى كونده سدهٔ دروازهٔ معمورهٔ وطن غربت
شكن بوسه كاه پيشانئ نكاه اولنمق ميسر اولدى آرامكاه وطندن
آستانهٔ دولت جانبنه كمربند عزيمت اوللدنبرى نسخهٔ دورنك قرطاس
سنبندن اون اوج ورق كردان اولوب بحمد الله تعالى حصول اسباب
كامرانى * ووصول درجهٔ آمال وامانى ايله هرصحيفهٔ ماضيه دن
خوبتر * وعطا خانهٔ الطاف يزدانيه دن توجه ايدن هر برنعمت
مقدمهٔ نعمت ديكر اولمشيكن بنه (بيت) يوسف كه بمصر پادشاهى
ميكرد * ميكفت كدا بودن كنعان خوشتر * مصداقى اوزره هربار
ياد وطن حوالى كرد شهر بند خاطر اولدقجه تسلسل قطرات اشك
لاله كون دل ديوانه يه (حب الوطن من الايمان) ناله سن اشعار

ذكر عزم فقير بسوى وطن

(بلدهٔ رها)

الجلهٔ فتحتيله كلين اوى

ایدر زنجیر جنون اولوردی بوقدر سوزش حسرت ایله اول سواد
دلاویزك دریچه سنه قدمزن دخول اولمق میسرا ولدقده بخار
سرورمقعر دماغه صعود * وکسب رطوبت ایله راه چشمدن ورود
ایدوب اکر دیدهٔ ارزویه اکسیر اعظمدن معتبرکورینن غبار
دروبی توتیا قلمسه خروش سیلاب سرشك قصهٔ طوفان نوحی
صحایف ایامدن شسته ایده جك مرتبه لر نمایان اولوردی بوحالت
کریه خیز سرورانکیز ایله صحرای عدمدن دار البریهٔ امکانه قدم
نهاده اولدیغم خانه نك چشم دریچه سنه غبارراه ایله دخول میسر
اولدقده نسیم شوقله دریچه لری سینه چاك * روزنلری شوق ناك *
رواقلری بال کشای پرواز صفا * طاقلری آغوش افراز مرحبا *
اوراق واشجاری بر زبان خوش آمد کویان * سبزهٔ ساحه سی
طوطئ شکرخای شکر یزدان اولوب (بیت) رواق منظر چشم من
آشیانهٔ تست * کرم نما وفرود آکه خانه خانهٔ تست * زمزمه سی چار
دیوارمسرت اندودندن استماع اولنوردی خصوصا که ثمرهٔ ازدواج
ابوین یعنی اختین واخوین که (بیت) مرا امید وصال تو زنده میدارد *
وکرنه هردمم از هجر تست بیم هلاك * زمیله بوقدر مدتدنبرو دیده لری
روزنهٔ راه حسرت * وسامعه لری موقوف پیام بشارت اولوب (بیت)
عجب کوررمیوز اول رویی بردخی * بوخسه قالور کیدر او غریب الدیار
کلمزمی * ناله سن دمساز آه وانین دل حزین ایتمکله بیغوله نشین
اولدقلری حالده بوسوزش آزمای آتش فراق دخی دریچهٔ حرمدن
صورتنمای وصول اولدقده برمدت هربری هجوم حیرتله نمونهٔ
صورت دیوار اولوب (مصرع) اینکه می بینم بیداریست یارب
یا بخواب * مضمونن لسان حال ایدرك یمین و شمالدن آغوش
حسرتلرین حمائل کردن جسم نزار ایتدکلرنده نشئهٔ معجون
مفرح وصال برزمان دخی جمله یی رنك زلال ایدوب قافلهٔ شعور

دروب جمع الدرب یعنی صوقاقلر

اندود یعنی صوا
نعمة الله

دستمایهٔ حیرت ایله برنیجه دفعه آمد شد دنصکره آخر استشمام
رایحهٔ انس قدیم ایله رباط پنج کوشهٔ حواسده استقرار بولیجق
طرفیندن کالای درازماجرای اشتیاق * پیش کش پای تلاق *
قلنمغه آغاز اولندی فحمدا ثم حمدا حضرت قادر علام *
جمله افتادکان بیغولهٔ حسرتی مشاهدهٔ صورت مطلوبیله فائز
المرام * وهمه زهرابه کشان کربت وغربتی کردش کاسهٔ مراجعت
اوطان ایله شیرین کام ایلیه آمین * کویا اول حین مسرت آیین
مرقع ایام حیاتده برمجلس مصور * یانسخهٔ کتاب زندکانیده برمحل
معتبر اولمشدرکه اول هنکام دل آرامده پیمانهٔ خاطری لبریز ایدن
صهبای نشاطك تحریرکیفیتی خامهٔ مستانه خرامه حرام * واول
روز کدرسوزده تلاطم ایدن امواج انبساطك تقریرکمیتی تصویر
رسام اوهامدر * مواصلت جسمانیه دن نشأت ایدن ذوق روحانی
ایله کاه مکالمهٔ سرکذشت ایام فراق * وکاه مذاکرهٔ مشکلات
نسخهٔ اشتیاق * ایدرك کنجینهٔ عمردن برکون دزدیده قلندی
هنکام طفولیتده که نوآمدهٔ شهرستان غیب اولمغله هنوز کیسهٔ
هوسده دستمایهٔ انس روحانیه دن بقیه بولنمغین بهرسو صرف
نقدینهٔ نکاه اولندقجه چاشنئ ریاض جنان احساس اولنان کلستانلر
خصوصا حلقه بند کنج دبستان اولدیغمز زمانلرده کاه سبقداش
نسخهٔ الفت * وکاه مشق نویس عشق ومحبت * اولدیغمز اطفال
وامثال که (بیت) خارلر ضبط ایتمش تختنی سلطان کلك * زاغلر
طوتمش دریغا جایکاهن بلبلك * رسمی اوزره هربری خط آوردهٔ
کنار کلستان عذار بلکه اکثری (مصرع) شکوفهٔ چمن
رخ تست موی سفید * وفقیجه یاسمن نمای میانهٔ سنبل زار اولوب
(بیت) شد از فشار کردون موی سفید وسرزد * شیری که خورده
بودم درروزکار طفلی * مقالن ترجمهٔ بیان حال ایتمشلر تجدید ذکر

حالات کذشته ایله اکتساب نشاط ایام شباب ایدرك بتخصیص
طلسم حمائل کردن فقیره تعویذ مسافرت منتقش اولدیغی ایامدن
بری نیجه نو رفتارسه سالهٔ کوچهٔ ملاحت * ونیجه زیور دوش
دایه اولان متاع حسن بهجت * ونیجه جنبش کهواره دن تعلم
طرز خرام ایدن نازنین * ونیجه افق مشیمهٔ ارحامدن طلوعه آماده
اولان مه جبینلرکه هر بری برسرو سرافراختهٔ بوستان افتخار *
وهر بری برماهپارهٔ آهو نکاه وعاشق شکار اولمشلر ایدی (بیت)
باالله بکوچه نام داری * واندرچه فلك مقام داری * دیه رك کاه
استطلاع اسامی واحواللری ایله محصل الآمال * وکاه مطالعهٔ
صحایف جمال وکماللری ایله منشرح البال * اوله رق کشت وکذار *
وسیر چمن وکلزار اولندی (المنة لله تعالی مقدم حقیرانه مز ایله
اهالیٔ دیار یمزك دخی مهمانسرای قلوبی منزلکه قافلهٔ انشراح
اولوب اجرای لوازم الفت وصحبت * وادای مراسم اکرام ورعایت *
و کشت اماکن وسیر مسا کنده وزیارت مواطن متبرکه ده بردقیقه
مستور پردهٔ اهمال قلنمدی خصوصا مابه الافتخار دیاریمز اولان
رسول یزدان * خلیل رحمن * برکزیدهٔ رب رحیم * جناب خلت
پناه ابراهیم * صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلرینك بهترین
متاع کارخانهٔ آفرینش اولان وجود جودنمودلری زینت افزای
رواجکاه امکان اولدقلری غارکه کنجینهٔ انوار * وشهرمز بورده
مولد خلیل نامیله رسیدهٔ حد اشتهاردر فرش وسقف وچار
دیواری یکپاره رخام بی مسامدن تراشیده اولمغله طرق احتمال
ترشح مسدود ایکن برآب زلال مثال ایله مالامال اولدیغی معجزهٔ
ابراهیمیه دالدر * اول غارك جانب غربیسنده واقع مسقط رأس
مبارکلری مخصوص برصندوقهٔ سبز ایله متعیندر اول غار ایله طرف
شرقیدن هم پهلو برغار دیکرکه والدهٔ مکرمه لری اول نازنین

مهد خلقی واهمهٔ متجسسان خدمهٔ ظلمهٔ نمرود بدبوددن محافظه
ایچون ودیعهٔ آغوش غار ایلدیکنده فرمان قادر ستار ایله دفع
مظنهٔ اشرار * وکتمان جواهر اسرار * ایچون پیرامن دهان
غاری تار عنکبوت ایله ممهور قلمشیدی واول طفل نودرس کنجخانهٔ
تحقیق مقتضای استعداد ازلیه ایله نسخهٔ نه ورق پیروزه کون
کردونده مرتسم اولان نقط خرد وبزرك انجمدن استکشاف
مطلوب حقیقی ایچون قرعه انداز تفحص اولدقلری حالده مرسوم
لوح جبین ستار کان اولان داغ افول مانع قبوللری اولیجق
(فاطر السموات والارض) جانبنه توجیه وجه عبودیت بیوردقلری
اماکن هدایت انکیزك غبار مشك عبار یله تنویر ابصار اولندی
(وینه اول شاهباز بازوی عنایت آشیانهٔ کفهٔ منجنیقدن میان
آتش نمروده پرواز ایلدکلرنده فیض نمای بخشای باغبان قدر قامت
زبانهٔ بالاکش ناره الباس جامهٔ کلزار ایدوب چکیدهٔ زبان پراعهٔ
روات اولدیغی اوزره اول مکرم مهمان شهربند اعجاز آغوش
آتشده جای ساز اولدقلرنده چشمهٔ دوزانوی مبارکلری تقبیلی ایله
نازشکر بهشت برین اولان قطعهٔ زمیندن فوران ایدن آب
حیاتبخشاکه برودت وسلامتی ثبوت یافتهٔ بوستان نظم کریمدر حالا
حوالیٔ منبعده ساختهٔ معمار همت اولمش برحوض عظیم
طولانی که احد طرفینده اولان کسنه نك تشخیص ذاتنده پردهٔ
اشتباه مرتفع دکلدر واول آب زلال مثالك عمقی اوج نیزه دن متجاوز
ایکن ینه کمال صفوتندن ناشی ته آبده اولان رمال انامل انظار ایله
شمار اولنمق مرتبهٔ امکانده در اول حوض موزون درونده آب
سیمکون اوزره سواد منزله سنده اولان خوشنمونه ماهیلرکه پردهٔ
آب نمایش انداملرینه حباب اولمیوب کنار حوضدن کذر ایدن
زوارك قدومنه صدهزاری بردن شتاب ایدوب خواهش نانپاره ایچون

براعه یعنی یونلمش قلم

قوله ته یعنی زیر وتحت
دشبشه

بطلموس افلاکی طقوز
قاندردیوب اشاغیدن
یوقرو بری بردن اکبر
اولوب طقوزنجی فلك
اعظم درکه جمیع افلاك
اوزرینه حاکمدرا کا فلك
اثیر دیرلر زیرا اول غیریسنه
تأثیر ایدوب دوراندیرر
لغة دشبشه

صورت لسان حاليله (بيت) بوس لب مهوشانى اكلمز هركز *
بوس لب نانده در سپهر ايله نزاع * مضمونى اجرا ايدرلر اول
حوض خاطر كشانك جانب غربيسنده سايهٔ حصارده بر تكيهٔ
فردوس نمون كه شهشبنلرى مجلس مصور شهنامه كبى صحيفهٔ
پيروزه كون آب اوزره كشيده * كنكرهٔ زر اندودهٔ قبابى مقعر
فلك اثيره رسيده در پيرامن حوض صفا آيينى هنوز آثار كلشن
كلخن شكن ابراهيميه دن باقى اشجار ملتفهٔ سايه افكن ايله مزين *
والى الآن زمينى كندهٔ تيشهٔ باغبان اولدقجه نيجه نيزه مقدارى
خاكستر ظهوريله اول محلده صحت وقوعى مبرهندر * واول
سرچشمهٔ هدانك حصار شهردن بيرون اولنجيه دك مجراسنده
واقع رياض وجوامع ومساجد وخوانق وبيوت وطواحين ومغاسل
وقهوه خانه لره ايصال فيض ايتديكندن ماعدا بيرون شهرده دخى
حدائق بيشمار افاضه سيله مغتنمدر * واول جوى كدر شويك
جانب جنوبيسنده واقع ذروهٔ كوه كردون شكوه اوزره سرافراخته
اولان قلعهٔ فلك رشك فرازنده مهندس بذيان كفره وضلال *
معلم دبستان مكر واحتيال * ابليس عليه اللعنه نك ريختهٔ قالب
ابداع ايلديكى ايكى قطعه احجار تراشيده دن پرداخته منجنيق
مناره سيما كه كويا نمرود بد بودك نبى ادعاى باطلى ايچون صورت
لاده نمودار * وياخود دوش ضحاكده ايكى مار مغز خواردر * كاه
اول مصانع بوالعجب مطالعه سيله صحيفهٔ دلى تختهٔ تعليم وقايع
روز كار قديم * وكاه اول نزهتكاه كدر فرسا مشاهده سيله استيفاى
نشئهٔ ذوق نعيم * ايده رك شمار ايام استراحت درجهٔ خمسينى
تجاوز دنصكره قامت كوتاه وصال تبديل لباس فراق ايتمكه قريب
اولوب آرزوى صداى دراى راه حجاز * انجمن دلده نغمه يه آغاز *
ايتمكين (قصيده) كل كوكل عزم ره بيت خدا ايليلم * سعى ايدوب

سپهر اثير باد وم فارسى
يعنى كورهٔ نارى
شرفنام
الاثير هى الطبقة العليا
من طبقات الهواء
الملاصقة بكرة النار
شيخ

مروه يه تحصيل صفا ايليلم * ايشمز ايلسون التونده جهانده
مولى * ناودان زرك التنده دعا ايليلم * عرفاتك سوره لم خاكنه
يوزلر كوزلر * سرخ روى اولمغه اكسير رجا ايليلم *
لب ابيك زن وچشم سرشك افشانى * كوچهٔ خواهش
رحمتده كدا ايليه لم * كاسه كاسه جه زمزمدن ايچوب آب حيات *
جان پرعلتى لبريز شفا ايليه لم * الالم كوهر رحمت ويره لم نقد كناه *
دلى سوداكر بازارمنى ايليه لم * باب سلطان سرا پردهٔ لولاكه
واروب * قديمز بار تضرعله دوتا ايليه لم * ويره لم روضهٔ پاكينه
صلاتيله سلام * علت جرمه شفاعتله شفا ايليه لم * اوله لم خاك
در روضه سنه ناصيه سا * جبهه مزمشرق خرشيد هدا ايليه لم *
كچيروب بنده لرى دفترينه ناممزى * يريمز حشرده ده زيرلوا ايليه لم *
دفتر جرمى ياقوب ايليه لم خاكستر * نابيا آيينهٔ قلبه جلا ايليه لم *
مقالن زاد راه شوق ايده رك برصبحدم رها يافتهٔ آرامكاه رها اولوب
طراز دامن سواد بيره منزله سنده اولان نهر سرخ فام فرات * پيچيدهٔ
اقدام سفن بى ثبات قلندقدنصكره بيم رهزنان عرب راه راستدن
انحرافه سبب اولمغين حسن سيما * ولطف آب وهوا ايله عروس
عر بستان اولمق اوزره شهرتياب اولان شهر عينتابه شتاب * واوج
كون مشاهدهٔ صفاى جماليله نشئهٔ مسرت اكتسابندنصكره
ينه حلب الشهباده اون كوندن متجاوز اتكاء وسادهٔ استراحت
اولندى (بيت) چين زلفى قدر اولماز سكا جاى آرام * بعد ازين
اى دل آواره عليكم بالشام * ترانه سى حدى جمازهٔ عزم اولمغين
جانب شام شريفه توجيه لجام مطيهٔ اقدام اولندى (بيت)
يا بريد الحما حماك الله * مرحبا مرحبا تعال تعال * ترانه سى نمونهٔ
قدس فلك اولان دولاب محمديدن استقبال ايتمكين نطاق سيمين
ميان سواد حما اولان نهر عاصى مجاريسنده كردن كردونه آغوش

حمائل ایتمش دولابلرکه (بیت) قنده بر صاف درونی که کوررآب کبی
*دل سرکشته دونراوسنته دولاب کبی * مقالن اداره ایله ریاض
چشم وکوش تماشا نیانی سیراب نشاط ایتمشلر بعضیسی (بیت)
بربرینه کردیلر دولابلرله آبلر* آبلرغالب اولنجه دوندیلر دولابلر*
مطلعنه نظیره پردازلق وادیسنده (بیت) کورحماشهرین دولنمش
کوشه کوشه آبلر* نهرعاصی به مطیع اولمش دونردولابلر* نظمن
مقام اوجده اصول دوری اوزره ترنم ریز اولدقجه ستم کشان دوران دورروان اصولی اوزره نسخه
واژکون کردونه شست وشویی کدردرون ایدرلر (بیت) ماحصل
شهرحما برمایهٔ سودا ایمش *آب عاصی برشراب عافیت بخشا ایمش*
اول نشئهٔ خاطرکشا ایله جوی عاصیدن دولاب وش روکردان *
وجانب حمصه عنان جنبان اولوب نیم راهده واقع جسر راستدن
کذراولندقده خورشید فلك حقیقت* مرکز دائرهٔ شریعت *
سلطان بارکاه عرفان* شهریار قلمروایقان* نورچشم اولیا *مشعل
ضیاپاش قافلهٔ اصفیا* مسند نشین صدرصفهٔ عارفین *رهنمای
کاروان واصلین *کالا پیمای کارکاه ابرار* تنها سوار ممالك انوار*
جناب بایزید بسطامی قدس الله سره السامی حضرتلرینك
خاك عطرناك مزارفیض نثارلری بوسه کاه جبین نیازقلنوب لله الحمد
جواهرسرور مخزون قلب محزون قلنمق میسر اولدی اندنصکره
سواد ویرانه نمای حمص منظورنظراشتیاق اولندی حقا که بر ویرانهٔ
صوری که هرکوشه سنده برکنج معنوی دفین* وهرجانبنده برشیر
غرین بیشه زار ولایت مکین اولمشدر ازجمله سلطان عالمکیرسریر
رسالت صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلرینك دیوان بهشت
عنوان حلقهٔ اصحاب کراملری بیننده بالانشین کرسی اعتبار ودار
الضرب میدان غزاده سکه یافتهٔ اشتهار اولنلردن حضرت
خالدبن ولید وسعدبن ابی وقاص وکله ربای کنکرهٔ فلك اعظم

پیك تیزتك رکاب سید عالم صلی الله تعالی علیه وسلم* عمروبن امیه
وپیام رسان جهان آفرین اکثر با سیمای پسندیده لرین استعاره
ایتدکلری دحیة بن حلیفة الکلبی رضی الله تعالی عنهم وروات حدیث
نبویدن عکاشه وعبدالله بن مسعود وعبدالله بن عمرو وعبدالرحمن بن
عوف وابوموسی الاشعری وکعب الاحبار رضی الله تعالی عنهم
وبونلردن غیری عبد الرحمن بن خالد بن ولید وعبد الله بن
جعفرطیار وعبدالرحمن بن جعفرطیار ودوش سید شهدا حمزة بن
عبدالمطلب خلعت پوش سرخ فام شهادت اولمشیکن ینه تلاطم
جویبار مغفرت ایزدی قامت ندامتنه الباس جامهٔ رحمت ایدن وحشی
رضی الله عنه (ومشاهر اصحاب کمالدن جمال الدین قطب رحمة الله
قلندیغندن غیری قلعه نسخه علیهك مراقدنده دودست دعا صحیفهٔ سبع المثانی قلندقدنصکره
قلعهٔ فلك رس صعب الصعودنده واقع جامع شریفك جانب یمین
محرابنده صحایف پوستین غزال اوزره نکاشتهٔ قلم مشکین رقم
عثمانی اولان کلام یزدانیکه (بیت) ازچشم هزارخون براو ریزانست
* برك كل سرخ مصحف عثمانست * مألی کاراوراق خون آلوده
سنده هویدادر اول کل سرخ رخ کلستان حیا رضی الله تعالی عنه
حضرتلرینك چشم وزبانلری شناور امواج سطور بحرقدیم یزدانی
اولدیغی حالده دندان نهنك دریای قضا *یعنی دشنهٔ سرتیز جفای
اعدا * ایله بدن بهشت آرالرندن فوران ایدن جویبار خون کریمهٔ
(اذا جاء اجلهم لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون) مسطور
اولدیغی صحیفه یه الباس جامهٔ کلکون ایندیکی دخی باشقه برحکمت
غامضهٔ قادر بیچون ایدیکی اصحاب اعتباره نمایاندر اول حالت رقت
خیز مشاهده سی چاك افکن کریبان جکر اولمغین بی اختیار سطر
جبین سیاه کناه آکین * اول صحیفهٔ خونینه سایده قلنمغه اجترا
اولندی امیدوار الطاف کردکارم که اول بشارت یافتهٔ مغفرت

ایزدی اولان حضرت ذی النورینك كندی رقزدهٔ قلم مشكبارلری
اولان وحی منزل ربانی كه رشحات خون نافه ریزلری دخی كلكونهٔ
عذار صحایف اوراقی اولمغله زیارتكاه خزنهٔ فردوس اید یكی
محسوم ایكن اكا مالیده قلنان پیشانی انجمن رستاخیزده ماندهٔ
خورشید قیامت فروغ مغفرت ایله نورانی اولمه دن محروم
اولمیه (آمدن در دیارشام شریف) اندنصكره مشهور السنهٔ
عوام اولان كاربانسرای قطیفه ساحه سنده ضرب خیام آرام
اولنوب سپیده دم قطیفه بوغازی نامیردن كذر اولندقده دیدهٔ
اشتیاق پروره بر بحر اخضر پدیدار اولدیكه تحریك نسیم روحبخشادن
صفوف امواجی سواحل آفاقه پیوسته اولمغله احاطهٔ پركار مد
بصردن بیرون * واندازهٔ باصره مساحهٔ ساحه سنده كوتاه اولمق
مرتبه سندن افزون ایدی واقعا كثرت اشجار برمرتبه پهن كستر
دامن و سعتدركه هرنقدر اطارهٔ شاهباز تیز پرواز انظار
اولنسه اقاصیسنده آشیانكیر اولمق محال * وهرندكلو ادارهٔ پفترهٔ
افكار اولنسه ینه نهایتندن شكار طائر اخبار اولنمق عدیم الاحتمالدر *
نهالستان رطوبت پیرا بر درجه ده نمایافتهٔ ساحهٔ ظهور اولمشدركه
اشهر بلدان عالم اولان شام كبی بر سواد اعظم سایهٔ چین كیسوی
خیابانده پنهان اولوب دریچهٔ محلاتنه وضع قدم اولنمدقچه آثار
مبانیٔ شهر ورای پردهٔ خفادن صورتنمای ظهور اولمز اول باغزار
بهشت كرد ارك اقرب اطرافی قطیفه جانبی ایكن ینه بش التی
ساعتدن مقدم بیهودهٔ اندازهٔ اقدام خیول قلنمق خارج حیز امكاندر
پانهادهٔ مداخل محلات اولنجیه دك سر تسر عكس مظلهٔ اشجاردن
نقش پذیر اولمش قالیچهٔ آبكون چمن طراز اوزره رفتار اولنوب
(بیت) بید آبه دیمش كه لطفكدن * دمبدم رشحهٔ زلال ایچرز
آب بیده دیمش كه بزده سنك * سایهٔ دولتكده خوش كچرز *

(آمدن شام)

پفتره كوجی و یاتفه دركه
چلمه لر آلتندندر
نعمة الله

خیابان اقر صولو یر
اولوب ایكی جانبدن
سایه دار فلك پیوند
اشجاره دیرلر
عزمی زاده

بید آبه دیدیكه فیضكدن
دمبدم شربت زلال ایچرز
آبده بیده دیدی بزده سنك
سایهٔ دولتكده خوش كچرز

مآلی نغمهٔ تسلسل امواجندن نمایاندر * معمورهٔ دلنشین شامده
وطنساز اولان دوستان مهمان نوازدن بری كندی مسكن كلشن
شكنندده كوشه كیر آسایش چند روزه اولمغیچون مقناطبس پنجهٔ
ابرامن حلقهٔ لجام ایتمكین حل عقدهٔ احمال اولنوب كشت و كذاره
نسیم آسا تحریك اقدام اهتمام اولندی (ذكر وصف سواد شام
شریف) خوشا سواد دل آرام شام كه كوچه لری مذاهب رندان
كبی وسیع * دیوارلری همت مردان كبی رفیع * روزن شهنشینلری
همعال دیدهٔ عشاق * رواق طاقلری دست بدست اتفاق * بیرون
بیوتی خشت كل اندوددن پرداخته اولمغله اكرچه نوعا صورتنمای
نمد پوشان فنا اولمشدر اما درون بهشت نمونی ماندهٔ قلوب
صافیه مطهر و مجلا در نقوش زر جوش لاجورد نامیله تاوان
تابنده جاملری رنك شكن سقف آسمان * وضع تیشه كاریٔ هفت رنك
هزار پاره ایله فرش رخاملری حیرتبخش مجامع اخترانددر اول
معمورهٔ دل آرایه كلشن قدیم نظم كریمده بالاختصاص ذكری
جاری اولان ربوهٔ ذات قراردن هفت جوی كوثر سرشت نوارد
اید وب بالجمله اماكننده جاری * وماندهٔ روح حیوانی مجموع
مواضعنه ساری اولمغین بالجمله خانهٔ تنك وفراخ صغار وكبارینك
مواضع عدیده سنده ساق سیمین وسمین خوبان صفت آب صاف
متسلسل الورود صورتنمای شرایین اجسام اولدیغندن غیری البته
رخام آینه فامدن بر حوض متناسب اندام * ساختهٔ دست التزام
اولمشدر ریاض نزهت آیینی آب خوردهٔ كاسهٔ احسان حیاض
اولمغین نهالستان ریاض دخی دوش حیاضه اوراق وازهاردن
نو بنو الباس خلعت رنكین ایله ادای شكر نعمت ایتمه ده دركرمیٔ آفتاب
رهیاب دخول اولمامق ایچون شد نطاق اتفاق ایتمش طاق بر طاق
روشن و براق چارسولركه سودا كر نظر هرنقد راضاعهٔ بضاعهٔ

(وصف شام)

الشریان واحد الشرایین
وهی العروق النافضة
ای المتحرك لسان العرب
الشریان بالفتح والكسر
یوركه اولاشور بر كچرك
متحرك طمردر جمعی
شرایین كلور اح

نكاه ايلسه بنه پايانندن تحصيل رأس المال استخبار ايتمك بعيد
ودلال افكار هرنه دكلو خطوه فروش شتاب اولسه بنه مشاهدۂ
صورت هل من مزيد در نظافت صحن دكاكيني غبطه كاه كبسۂ
اصحاب فنا * وزينت طاق اياويني خميازه بخش قبۂ سمادر (بيت)
بود بمرتبۂ دلپذير زينت او * كه كروجود رودسايه نايداز دنبال *
ميان چارسوى كدرشوينده جابجا خاطر زداودلكشا كرمابه لركه
مجرد مشاهدۂ طرح نظام جامه كني انساني لباس كدردن عاري
ودرون خلوت نشاطده متواري ايدر جلاى رخام فرش خرده كاري
اعتبار آينۂ صدفكاري يه واسطۂ انكسار وفوران شادرواني
خاطر آب حيوانه وسيلۂ غباردر هرخلوتنده نيجه خلوت نهان وهر
صفحه سنده نيجه صفه عيان اولوب نه برصفه سي شادرواندن تهى
ونه برخلوتي برحوضه غيرمنتهى درحمام نه طاق عبرتنما بركوشه سنده
كشده راه اولمق مبالغاتدن دكلدر (بيت) همين كه ديده بنظاره
اش مقيد شد * از او بسعى بدر بردن دلست محال ❊ ذكر اوصاف
قهوه خانۂ شام ❊ خصوصا وطن تلخابه كشان غربت * وارام
جاى سودا زدكان كربت * اولان قهوه خانه لركه بنه فرش
منقش ايله مشتاسي مصيفدن رنكين مصيفي مشتاسندن دلنشين *
صحن مشتاسي خاطرشكن سرماى وحشت * ساحۂ مصيفي تعديل
بخش مزاج الفت * فوارۂ مشتاسي پيام آور كرمابۂ مرام * شادروان
مصيفي غبارشوى دست ودامن آرام * سقف ديوارمشتاسي نقوش
ماني پسندايله جلوه كر * فرش مصيفنه نهال شكوفه دار سايه كستر
ساقۂ زيبنده رفتار قهوه فروش پيمانه بكف * دورمجالس ايلدكجه
طرف طرف خوش نشينان نشيمن نشاط (بيت) قهوه سوداسني
سكر كيدرمش ديرلر * ساقيا لعلك ايله قهوه بى زمزمله ده وير *
اداسيله حرف اندازمعاملۂ نازونيازاولدقجه خوبان قهوه فروش دخى

قولهم لامحالة اى لابد وهومصدر بمعنى التحول اى لاتحول ولا انقلاب

(بيت) صونمادى بكا قهوه ديمه سن * نصيبك وار ايسه كلور
يمندن * مقاليله شكرريز تبسم اولورلر ايدى رامشكران مطربان
شوق طراز (بيت) كنج فراغ اهل دله قهوه خانه در * حبيله قهوه
مرغ دله دام ودانه در * تقسيمي ايله نغمه پردازاولدقجه كوشه كيران
زبرطاق صفۂ انبساط (بيت) برمهلقادن اولمدى خالى زمانه ده *
اكسك دكل چراغى عجب آستانه در * منطوقي ايله هم آوازاولورلر
ايدى صباى ناى راست نوا (بيت) بشنو توزني چهاچهاميكويد *
اسرارنهفت كبريا ميكويد * رخ زردوشكم تهى وسرداده بباد *
بى نطق وزبان خدا خدا ميكويد * صداسي ايله اوج مطربخانه دن
پنجكاه حواس عشاقي محير ايتدكجه بزرك وكوچك عربان آهنك
مخالف حجازاوزره طرف طرف اهالئ عراق وعجم نوروز رسيده كبي
فريادلرين حسيني يه چيقاروب حصار دائرۂ مجالسي مانندۂ زمين
نيشابورزلزله ناك ايدرك (بيت) غالبانايك ايچى بركبي سوزدلدن * انكچون
قي برمق بصه بلرنيرزن * اداسيله تحقيق مقام ايدرلرودف صدفكاري
دست خنياكران ماه سيماى زمزمه سازدن فريادكلوب (بيت)
چون دائره آن ماهوشم ميدارد * كاهى به طپانچه دلخوشم ميدارد *
كرناله كنم بروىم افشاند آب * خاموش شوم برآتشم ميدارد * ولوله سيله
اشكر آلام مستمعينه دائره كش حصار ممانعت اولدقجه تفنك اندازان
دخان آه (بيت) تا دائره زيب كف يار اولدى بنه * خورشيده سحاب
پرده دار اولدى بنه * تاب رخى چقدى طشره يه دائره دن * مه هاله
ايچندن آشكار اولدى بنه * غلغله سيله طوب اندازكلبانك دروپشانۂ
هوهو اولورلر ايدى (بيت) جهانده كاسه تهلك بلاى جان ايديكى *
خراش سينۂ طنبوردن نمايانددر * مألى زبان مضراب جكر كاه
اعلام ايدر (بيت) دل دائره وش سله خور دست غمكدر * فرياد
سنك اى شه بيداد الكدن * مضمونى زبان جلاجل افهام ايتدكجه

زرد ودرون تهى نسخه

خنياكران بضم اوله بمعنى سرودكر وآواز مطربان

اين بيت از بحر هزج اخرب ومكفوف ومحذوف

افیونزده کان قهوه پرستك (بیت) تریاکی اکرسینه شود صد
جاکش * ازدل نرود خبائث امساکش * مانندهٔ خشخاش
سرآورده به پیش * سر برنکند تا نه رسد تریاکش * مدعاسنی
مبین اولان قامت خمکشته لری مار پیچیده کبی همصورت چنبر دف
ایکن (بیت) افیون مفرحیست که درکائنات نیست * انرا که نیست
نشئهٔ افیون حیات نیست * دیه رك دودست حقه پیوستلری
مضراب سینه خراش شوق وشغف اولمشیدی زمزمهٔ کمانچه ناوك
انداز صف وحشت * ونغمهٔ قانون شفا بخش خسته دلان
محبت * اولوب (عربی) آهوای رشاء اسمعنی القانونا * فی حاجبه
الازج القانونا * اقسمت بمن فی الیم القانونا * اعیا مرضی بقراط
والقانونا * آوازه سی انجمن بالا خانهٔ افلاکه پیوسته اولوردی بر
طرفدن ایسه کرمسازان هنکامهٔ جنك جویان دیرین * وقصه
پردازان معرکهٔ پهلوانان پیشین (بیت) ادای شوخ ایله لعلین قبای
شیشهٔ می * محل جده بوکون کم حکایه باشلمدی * وقفیجه دست
بهم زن * ونیزهٔ خیزران ایله قلب شکاف صف سخن * اولدیجه
پرشخواران سر بزانو کرز کران حقهٔ برشدن خمشده اولان
قامتلرین هزار رنج ایله بالا ایدوب بدیع وقاسم نامنده ایکی شخص
مجهول الاصل وعدیم الوقوعك غوغای ترجیح شجاعتی ایچون
نعرهٔ های های بنکیانه ایله صحن قهوه خانه یی میدان وغایه
دوندوررلر ایدی نیجه پابسته کان پیغولهٔ فلاکت خامهٔ مبلغه یی
زبان ودهانی حقهٔ برش ایدوب لعاب سیال برش آلود ایله صحیفهٔ
کریبان چرك آکینلرینه (نظم) مایهٔ مائدهٔ جاندر برش * مرهم
قلب پریشاندر برش * خال رخسار صفادر افیون * طرهٔ عارض
عرفاندر برش * ویرر انسانه حیات ابدی * جان بها اولسه ده
ارزاندر برش * رتبهٔ نشئه سن ادراك ایده نه * آب حیوانله

حاجب ازج ای رقیق وطویل

ادای جوش ایله نسخه

آکین یصدق ایچی وهر نسنه‌نك که ایچی طولمش اوله آکا دیرلر وایچنده اولان نسنه یه دیرلر نعمة الله

یکساندر برش * رنج اندوه قومز دللرده * بادزهر غم دوراندر
برش * مقالن تسطیر ایدرلردی برکوشه ده ایسه ابدالان بنك
خوار ناهشیار وادیٔ قلندرانه ایله پالهنك سنکیتی زیب میان *
وفنایی نیم شکنی زیور سر بی سامان * سفرهٔ چری بار حیرت کبی
بردوش * ومنکوش پشمی سخن کران کبی درکوش * وسر دستهٔ
آبنوسی پیرایهٔ زانو * واکثری کوچك نامنده برمهرویی هم پهلو *
ایدینوب اطوار خانه بردوشانه ایله (بیت) مستانه پترکشت ایده لم
هر سوقی * پرصید وصدا ایلیه لم عیوقی * ای همدم جان بکوریٔ
افعیٔ غم * میدانه کتوردم رد مسحوقی * اداسیله جرعه دان اسرار
حیر بخشایی صفا نظر یاران وبخش قلندران ایدوب اصطلاحات
مخصوصه لری اولان ترهات بیمعنی وخلطیات بی نظام ایله کوشهٔ
قهوه خانه یی همرنك تیمارخانهٔ مجانین ایدوب بر بشقه عالم ایدرلر ایدی
ماحصل (بیت) غرضم ملك بقا ایدی عدم راهندن * اوغرایوب شهر
وجوده اویاندن قالدم * مصداقی اوزره اقصای مقاصد * اوصاف
علیهٔ مساجد ومراقد ایکن رهکذار خامهٔ هرزه کرد اوصاف شامه
دوشمکله سر کرم نشئهٔ معجون صحبتی * وفریفتهٔ آب وتاب جمعیتی *
اولمغله (بیت) دل طفلی که آواره لکك لذتن الدی * خیر ایتمز
اوبردخی دبستان امیده * وقفیجه جیب ادا ربودهٔ دست هوا
* اولمغین پنجهٔ کریبان کیر شحنهٔ ندامت ایله راه جامع امویه یه
امالهٔ قبالهٔ عزیمت اولندی (ذکر اوصاف جامع اموی) مرابرید
بباب البرید جامع شام * که بی برید نیارم برید راه مرام * الحق بناء کار
خانهٔ قدر قباب سبع طباقه اساس افکن استحکام اولدنبری نه اول
جامع شریف زانوی ارتفاعنه سر سوده اوله جق بر بناء سر افراختهٔ
عرصهٔ ظهور اولمش * ونه قبهٔ لاجورد کون کردونه قندیل زرین ماه
وخورشید آویخته اوله لی اول عبادتکاه رحمت پناهك آرایش سقف و

قهوه خانهٔ شام نسخه

(بیان جامع اموی)

کنبد لاجورد نسخه

دیواری برآفریده‌نك صفحهٔ متخیله سنده مرتسم اولمش حرم ابنا کننك
فرش رخامنده عکس نواصیٔ کروبیان نمایان ودیوار فیضنا کنك سینهٔ
بی کینه سنده رسوم اجنحهٔ روحانیان جلوه کاندر * پیك نکاه
سر منزل طولنه وصولدن عرض اعتذار * وکمند آه سقفنه ارتقادن
بسط مقدمهٔ انکسار ایدر (بیت) قبله کاه صف مقصود اوله مز سن
ای دل * سینه چاك اولمیجق صورت محراب کبی * وفقجه سایهٔ
رحمت مایه سی خوابکاه هفتاد انبیا صلوات الله علی نبینا وعلیهم اولمق
اوزره ثبوت یافتهٔ تواتر اولان دیوار قبلیسنك دیدهٔ بیناسی منزله سنده
اولان محراب اعظمك جانب یمیننده واقع محراب مخصوص ابو العباس
حضرت خضر علیه السلام که بالاسنده لوحهٔ مرصعهٔ سنیهٔ
دیوار مشابه سنده ایکی روزن مزیننك آرایش کتابهٔ جام ملونی اولان
ایکی لفظهٔ جلاله تعیین حدود مقام خضره دال واکثر ازمانده اول
محراب سعادت نصابده مشهود آشنایان عالم حال اولدقلری پرده
پذیر اشکال دکلدر علی الخصوص شمع سرانداز انجمن نبوت * شاهباز
سر باز میدان رسالت یحیی پیغمبر صلوات الله علی نبینا وعلیه
حضرتلرینك روضهٔ شریفهٔ نور پیمازی که ماه منیر آسا هالهٔ
آغوش جامع شریفده منزل وبدن جامعده جانشین سویدای دلدر
بحمد الله والمنه جوهر خاك پاکی ودیعهٔ کنجینهٔ چشم عالم بین *
وعکس نقش حصیر فرش آستان شفاعت عنوانی پیرایهٔ جبین *
قلندی (بیت) مظهر مرحمت حضرت مولی اولدق * روضهٔ
حضرت یحیایه جبین سا اولدق * ینه محراب اعظمك جانب یمیننده
چکیدهٔ قلم الم سوز حضرت ذی النورین اولان مصحف شریفك
سبزهٔ مزرعهٔ رحمت اولان صفوف سطورندن دست نکاه شکوفه
چین انتباه قلندی (ینه جوف دیوار قبلیده نهفته عبادتخانهٔ خاصهٔ
حضرت معاویه رضی الله تعالی عنه زیارتنه بسط سجادهٔ همت

صحیفهٔ متخیله نسخه

تابانك یعنی پارلایجی

هفتاد یعنی سبعین

اولندی ینه جامع حیاتبخشانك رکن شرقیسنده واقع منارهٔ بیضا که
همسایهٔ نیر اعظم مهمان ضیافتخانهٔ طارم چارم یعنی حضرت عیسی
ابن مریم صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلری ساحهٔ سرادقات
ملکوتدن همراهیٔ صفوف روحانیانله پاك جنبان خطهٔ ناسوت
اوله جقلری هنکامده (بیت) انتظارره وصلتده غبار اولدی تنم *
باشم اوستنده یر ایتسون اوکوزم نوری بنم * اداسی ایله صورتمای
لسان حال اولمغله منزل اولین قدم والاترین عیسوی اولوب نیل
دولت پابوسلرنده اجزای ارضیه‌دن چوکان کوی ربای مسابقت
اولمغین منارهٔ عیسی نامیله سرفراز اوج اشتهار اولمشدر بحمد الله
تعالی درجات مرقاتی هم آغوش خطوط جبههٔ تعظیم وطریقهٔ
نیاز مندان شفاعت اوزره صحیفهٔ شریفهٔ عنبرینه مداد سودهٔ
مردم دیده ایله (بیت) دیوان شفاعتده ابا حضرت عیسی *
نابی قولك ایت بردم جانبخشله احیا * مآلیله عرض حال دل
سرکشته ترقیم اولندی (ینه اول جامع فردوس سیمانك نظرکاه
دریچهٔ شرقیسنده بر حوض هفت خانهٔ رخامیه میانده قارپوز
قالدران نامیله بر فوارهٔ طوفان خیز آوازه انداز شهرت اولمشدر که
ساعد سرین سمین خوباندن افزون بر آب صاف کمال قوت
صعود ایله چرخ نه طاقه اطالهٔ لسان ایدوب کردش هندوانه دکل
بلکه برقبهٔ سنکینی دستخوش بازیچهٔ امتحان ایتمك مقولهٔ غلو
اغراق اولمدیغی مشهود چشم نظاردر اول فوارهٔ سودا سوز
وصفوت سازه دیده کشای تماشا اولان نشیمن نشاط کسترده ترطیب
دماغ استقرار دنصکره جوهر نایاب کونین بهای معدن نبوت *
جسد ملکوت آرای سلطان رسالت صلی الله تعالی علیه وسلم
کنجینهٔ روضهٔ مطهرده دست زدهٔ دزدان نقب زن موش فن *
کفرهٔ افرنج اولمغه قریب اولدقده ساحهٔ عالم مثالده زبان کوهر

طارم بچه‌دن اولان اوکه
اترالك اول بدروهر قبه کبی
اولان نسنه ده استعمال
ایدرلر فلکه دخی طارم
دیرلر نعمة الله

قل نابی قولك بردم
جانبخشله احیا
نسخه

چرخ ناصافه
نسخه

فشانلرندن ادرکنی یانورالدین خطابی کوشوارهٔ سامعهٔ استعدادی
اولمغله صبحدم خاك پاك مدینهٔ منوره یه عنان انکیز مسارعت * واول
قطاع الطریق مارکرداری زیرخاکده محفور تیشهٔ خدعه لری
اولان راه پنهانده کزیدهٔ افعیٔ شمشیرهمت ایتدکدنصکره طائر
عرش آشیان جسد مطهر محمدی یی صلی الله تعالی علیه وسلم قفس
بندشباك اولان سلطان عظیم الشانك مشهد نورآمیزلری زیارتیله
تنویر نظراولنمق میسر اولدی اندن غیری جانب جنوبیٔ شامده
آسوده نشینان محلهٔ خاموشاندن بلبل محفل طراز مسجدنبوی * یعنی
بلال حبشی * رضی الله تعالی عنه حضرتلرینك وابن عم حضرت
حبیب مختار * وبرادر زیبنده کهر حیدرکرار * جعفر طیار
حضرتلرینك وازواج طاهراتدن ماعدا ایکیوزه متقارب حلقه
بندان دائرهٔ مجلس نبوی اولان اصحاب کرام رضی الله تعالی عنهم
اجمعین حضراتنك مراقدی زیارتی ایله اکتساب انشراح درون
اولندی (ذکر اوصاف صالحیهٔ شام) معمورهٔ شام زیبنده مقامك (بیان صالحیه)
غربه مائل شمالی جانبنده ذروهٔ قله سی پالهنك نطاق ابدال چرخ
نمدپوش اولان کوه بلند شکوه دامنده ه قصبهٔ صالحیه واقع
اولمشدرکه سواد شامله میانده ه اولان لطافته لسان جری البیان
اشجار وانهار وسیلهٔ فیصل * ودو صحیفهٔ رنکین صالحیه وشام
اطرافده ه اولان وصالهٔ سبزکون اوزره خطوط انهار رسمیدن
مکرر جدول * اولمشدرکو یا صالحیه وشام دوکفهٔ ترازوی لطافت
سنجدر کفهٔ صالحیه ده ه خفت بنیان اولمغله سواد شامه نسبت ایله
نوعا صورت ارتفاع نمایان اولوب (مصرع) بری بیرندن احسندر
بری بیرندن اعلا در * مصرعنه ماصدق واقع اولمشدر قصبهٔ
صالحیه نك طرفین شرق وغربنده واقع ارزه و برزه نام ایکی قریهٔ
قرین الاعتبار بینده یتمش نفر جواهر کنجینهٔ نبوت دفین مطمورهٔ

خاك اولدیغی حدیث معجز بیان سلطان تختکاه لولاك ایله رسیدهٔ
درجهٔ صحت ایدیکی جائز حد تواتر اولدیغندن غیری کوه جنت
شکوهك صدروالاسنده اجلهٔ مردان خدا اولان قرقلر مقامی ومدار
سبعهٔ سیاره آسا یدیلر مقامی مسافهٔ بعیده دن نمایان * وانواریله
دائرهٔ شام درخشان اولمشدر علی الخصوص مقیم روضهٔ نعیم *
مرحوم سلطان سلیم قدیم علیه الرحمه نك آثار همت عالم کشالری اولان
جامع شریفده تنهاسوار مضمار ولایت * یکه تاز فضای حقیقت *
سالك راه وحدت وجود * کاشف رموز بودونبود * باغبان
خیابان طراز فتوحات مکیه * طوطیٔ پاك لهجهٔ شکرستان
سنوحات غیبیه * اشهرالواصلین * اکبرالمحققین شیخ محی الدین
ابن عربی حضرتلرینك وجناب ولایت پناهلری ایله هم پهلوی
نشیمن خاك اولان شیخ فخرالدین ابراهیم عراقی قدس الله اسرارهما
العزیز حضرتلرینك خاك آستان فیض رسانلری خلعت دوش اجفان
قلندی (ذکر فرمان برای شهرآیین) (بیت) زلف خم درخمکده
بولدی قرار * شامدن چقمق استمز دل زار * رسمنده سواد دل
آرام شامك اشجار ملتفهٔ سر باسمانی قفس طائر ضمیر * وامواج
مسلسل انهاری پای دل دیوانه یه زنجیر * اولدیغی حالده مکراول
سنهٔ عمیمة المیمنه نك هنکام جنبش سپاه فصل بهارنده آصف اکرم
دستور اعظم صدرالوزرا * حضرت مصطفی پاشا * قلعهٔ منیعهٔ
چهرین تخریبنه علم انکیز عزم عدوشکن اولدقلرینه بناء دستیاریٔ
الطاف کردکاری ایله قلعهٔ مزبوره یی نمودار قلوب ویرانهٔ کفار
بیوردقلری نویدی ایله طرف اقطار ممالك اسلامیه یه خوان پهنای
فتوحدن توزیع حصهٔ مسرت اولنمغله (مصرع) هرطرف نامه
رسان پیك مرصع کمرست * وفقیجه سرشاطران رکاب همایون
نسیم مژده رسان بهارکبی تزیین شهر و بازار ایچون ابلاغ فرمان

نوید بمعنی مژده
پهنا اینلو وعریض

شهر یاری ایتمکله (بیت) کلك تشریفنه بلبل ندا ایلر دوغایه *
بنه کل چارسوی باغده سیرایت تماشایی * قولنجه زینت عارضیه یه
کالافروش استغنا اولان مفرح چارسولر * لباس آخر ایله دخی
جلوه کر اولوب اولدن مشاهده سی دو چشم تماشائیانی کفهٔ
ترازوی حیرت ایدرکن بو زینت تازه دخی علاوهٔ لطافت اصلیه سی
اولمغله مد نکاه نظاری اندازهٔ دیبا پیرای دهشت ایلدی هر کوشه
بر مفرح کاشانه یه و هر دکان بر مزین خانه یه دونوب (بیت) رفع
ایدوب شبهه یی اوسته ده عیاندر دیدیلر * جنت الذده یا اوسته ده
دینلر شامك * شعشعهٔ امتعهٔ زرتار ایله هر بازار بر مشرق انوار و آویزش
اقمشهٔ پرنقش و نکار ایله هر دکان بر کلزار شکلنه کردی (بیت)
خیال هست جهانرا که پر بزد از شوق * که کرده اندز آیین زینتش
پر و بال * رؤس قلل و بروجدن انداخته اولان طوب و تفنك مجالس
ملاء اعلایی خبر یافتهٔ نشاط * و کلبانك ادوات ناری ایراث ایلدیکی
زلزلهٔ قرار فرسا آسودکان لحاف خاکی نشئه مند انبساط ایلدی طاق
آفاقه پردهٔ سیه فام شام آویزان اولدقده غلبهٔ چراغان ایله هر دکاندن
نیجه ماه تابان و قنادیل فراهیم شده دن هر طاقده بر پروین فروزان
اولدی (بیت) شبش چنان بلطافت که دیدهٔ اعمی * ز جیب شام به
بیند جمال صبح و مسا * خصوصا بو مقوله لیالیٔ شاد مانیده اسواق
شامه مختص اولان آلای ارباب صنایع که بهر شب اون ایکیشر
صنف اصحاب حرف که هر بر صنفك دست اختیارنده عصای آتش
افشان موسی آسا بر شمع کافور و سائر نورسیده کان بازار ملاحتك
دخی پنجهٔ سیمینلرنده بر شمع سوزان * و دوش و میانلرنده ساعد
عشاق کبی تیغ خونفشان * و تفنك زرنشان ایله کشت شهر و بازار
و حکام شهر پیشکاهندن کذار ایدرلر (بیت) به فوج فوج ظریفان
و لون لون لباس * جهان بجلوه درآمد باحسن الاشکال * مواسم

فرسودن سورمك
و اباغله دیمك

فراهم جمع معناسنه در
فعللر و مصدرلر اولارینه
داخل اولور فاعللرك
و مفعوللرك جمع اولمسی
قصد اولنوره مثلا فراهم
آمدن دیرلر کلیجی فاعللر
برابر جمع اولمق معناسنه
فراهم آوردن دیرلر
کتوریلن مفعوللری
برابر جمع ایتمك معناسنه
حلمی

اسفار همایون شهریاریده دار السلطنة العلیه ده جاری اولان اردو
الایی شکلنده هر فرقه مطلع جمعیتلرنده نمونهٔ کارلرین اعناق
اشخاصده مرور ایدن تختروانلرده ساده رویان خورشید جمال
یدندن اشعار و مقطع نظام حرفتده شاه بیت قصیده شکلنده بر
تنها سوار میدان حسن جمال و لطافتی لباچهٔ فاخره ایله بر رخش
نازنده خرامه سوار ایدوب برکستوان کرانبها ایله بر نیجه حبیب پر زیب
و سائر لوازم آیین پاشایدن شاطران زرین طاس و سیمین تبر و مطره
جیان زر اسکوف بکاشی پیکر ترتیب اولنوب نیجه شهسواران
خورشید منظر تیرکش و تیغ و خنجر ایله سلحدار و چوقه دار طورنده
(بیت) آه کم بر سپاهی دلداری * بنی ایتدی صوقق سلحداری *
مألن اظهار ایده رك قفار و اولوب طرفینده صف زده اولان
تماشاییانه (بیت) هرکز نکاه کرم بمن رو نمیکند * تا شورت بکوشهٔ
ابرو نمیکند * مضمونی اوزره جنبش ابروی مشکین ایله صورت سلامده
نکاه التفاتیله افاضهٔ نشئهٔ حیات ایدرك و بعضی لاابالیان بی پروا
مشرب (بیت) رجای وصله اوشاهه عرضحال ایتدك * نه بر محلی
دیدردك نه درکار ایده بلدك * و قنجه نیاز وصالی متضمن رفع
ورقپارهٔ عرضحال ایتدکجه (بیت) کوزاوجیله عاشقه که لطف ایدر
کاهی عتاب * بر سؤاله بر قومز اول غمزهٔ حاضر جواب * حقهٔ
لعلین لب شکرفشانی مشرق تبسم پنهانی * و بعضی سیه بختان
پریشان روزکاری جنبش چین جبین ایله عتاب و آزاره ارزانی *
و نیجه نامرادك عرض حالن کریبان صبر و آرامی کبی چاك * و نیجه
ناشادی جلاد بی امان شمشیر مژکانیله هلاك * و نیجه آزاده دللری
محبوس زندان چاه زنخدان ایتمکه فرمان * و نیجه دلبستهلری بردار
زلف پریشان ایتمکه شایان * و نیجه بیکسلری دیوان زیر طاق
ابروسنه احضار ایچون استعجال * و نیجه بوالهوسلری قاضیٔ محکمهٔ

فاخر ایله پاشانامنه برد
نسخه
پیشکاهنده برکستوان
نسخه

هجرانده مرافعه یه ارسال ایدوب لوازم داد وستد ومراسم دار
وکیرده بردقیقهٔ کمتر نامرعی قومیوب کذر ایتدکدنصکره بر فرقه
دخی طور آخر و پاشای دیکرایله مروره باشلدی اولا طائفهٔ برزکران
(بیت) دانهٔ خالنه بق جنت رخسارنده * نیجه صبرایلسون اللهی
سورسك آدم * ترانه سیله زمین دل نظاره تخم محبت اکه رك وفرقهٔ
آسیا بیان (بیت) کریبان چاکیٔ عشاق از ذوق فنا باشد * الف
درسینهٔ کندم زشوق آسیا باشد * مقالیله کلوی عشاق سرکشته حاله
دانه زین حیرت اولدیلر * وکرم بازاران خبازان (بیت) ای دل
غذای روح ازین خاکدان مخواه * طوفان درین تنور مهیاست
نان مخواه * مألیله تنور درون عشاقی فروندن فزون کرم ایلدیلر
وآتش دستان کبابیان (بیت) کباب آسا بلا بزمنده کوردم قلب
عشاقی * مخالف دور الندن بردم اغلر برزمان ایکلر * ناله سیله
کوشت پارهٔ قلب مشتاقی کوفته صفت نرم ایلدیلر (جرب دستان
خوبان آشپزان (بیت) خوان احسانه اغیاری طیورمش دلبر *
کوکلك ای خستهٔ هجران نه نك آشن استر * مضمونیله سیر ساز
معدهٔ اشتها پرور انتظار اولدیلر * وشربتیان بنفشه خال کلرخان
(بیت) شربت لعل روانبخشنه عالم تشنه * اوجفا پیشه لطافتده
برابچم صودر * زمزمه سیله حرارت کداز جکر سوختکان انکسار
اولدیلر * کرشمه سنجان بقالان (بیت) برآفت بقال ستم سنجك
الندن * طاشلرله دوکر سینه سنی کفهٔ میزان * وزنی اوزره بادام
چشم و پسته دهان واب انکبین وروغن سرین ایله چهرهٔ سرکه
فروشان بازار انتظاری طبلهٔ خندهٔ نمکین ایتدیلر (وابرشیم تنان
عطاران (بیت) صید ایتمکه مرغ دلی اول دلبر عطار * درهمله
ترازوسن ایدر دامله دانه * وقفجه خال قرنفل نام عنبرین بو *
وطرهٔ عبیرآلود مشکین مو * ایله تعطیر مشام اشتیاق عشاق رهنشین

سرون فارسیه بضم السین
والراء ویجوز سرین
بکسرهما بالترکیة اوجه
وبالعربیة الورك کما فی
التقدمة والسامی وهی
ما فوق الفخذ.

نمناك یاش اولمش نمکین
مثله بولفظ نمکین مرکبدر
نم لفظیله آکین لفظندن
ترکیب اولنجق الف
حذف اولنور غمکین دخی
بویله درمعنالری نمله وغمله
طولمش دیمکدر نعمة الله

ایلدیلر (وشکرفروشان شیرین لبان (بیت) قند بشقه باشنه کله جکر
برار ایدی * چاشنیٔ لب جانانی کورنجه اریدی * ترانه سیله تلخکامان
زهرابه نوشان هجرانی اب قند ریزلرندن خطاب مکرر ایله
شیرین مذاق ایلدیلر * وحلوائیان شیرین حرکات (بیت) بلمی
قوجه ده در اول صنمك درد وبلا * یوخسه شیرین لبی عاشقلره
حاضر حلوا * اداسیله دماغ حنظل آشامان حرمانی چاشنیٔ نبات
التفاتیله فراموش کردهٔ مرارت اشتیاق ایلدیلر * سیم ساعدان
سرتراشان (بیت) اول سرتراشه بنده اولور سینه سین کورن *
قورنقد جانی اوسته آینه سین کورن * نغمه سیله زیرتیغ سرتیزی
جای آسایش عدایدن سربرهنه کان منصهٔ تسلیمی سربی ساماندن
آنار سودایی تراش ایدوب * وخونریزان قصابان بی رحم دل
(نظم) قصاب دلبری جکرحلقی پاره لر * قانلر دوکر غم مژه سیله
قناره لر * قصاب چنکی ایتمزده اغیار یله ولی * عشاق سینه صافنی
کوردکجه آره لر * منطوقی اوزره ساطور نکاه پوستین شکافیله پارهٔ
جکر قربانیان بسملکدهٔ محبتی زیور قنارهٔ مژکان خونپاش ایلدیلر *
* زیبنده قدان خیاطان (بیت) آچدم متاع رازمی برترزی شوخنه *
چوق اولچدی دوکدی کوردی جقشمز تکللدی * فحواسی اوزره
مقراض نکاه وسوزن مژکان وابریشم تارکیسو وتباشیر غرهٔ روی
دلجویلری ایله قامت انتظار نظاره جامه دوز اضطراب اولدیلر *
(وطنازان قزازان (بیت) ایدردم دکه سینه رشته جانم ایلاك دلدن * بتمله
اول مه قزاز اکر بازاره ال ویرسه * رسمنجه تارشعشعهٔ جماللری
ایله کریبان صبر عشاقه تکمه باف انقلاب اولورلر ایدی * چوانان
کفشکران (بیت) پابرهنه کوچه کرد آزادهٔ بی قید ایکن * آه برشوخ
کفشکر پای بند ایتدی بنی * قولنجه آوارکان کوچهٔ هوایی اباق
خدافی ایلدیلر * وسیم تنان زرکران (بیت) تن زرسیم سرشك وکرهٔ

چوق کسدی
بچدی کوردیکه
جقشمز تکللدی
نسخه

آهم ایله * مسکنم چارسوی زرکره دوندی جانا * مقالیله پوتهٔ محبتده
قال اولان دلسوختکان سکه دار خالص العیاری دلبر صرافی ایلدیلر *
* سلسلهٔ مومیان آهنکران (بیت) دوشدی دامان دله برشرر شور
افکن * عشق آهنکری زنجیر جنون اشلر ایکن * ناله سی ایله آهن سوزافکن نسخه
سرد دوکن مجانین بیقیدی در زنجیر ایلدیلر * و هلال ابرویان
نعلبندان (بیت) حسادایکی یاری بری برینه چقرلر * بو خلق کهی
نعله کهی میخه ققرلر * آوازه سیله نعل در آتش اولان بیقراران
بادرهوایی تسخیر ایتدیلر * سرخ رویان سراجان (بیت) عنانم الدی
برسراج زردوز ملك پیکر * که چرخی عکس رخساری کل شفتالورنك ادیم عکس نسخه
ایلر * وقفنجه عنان اختیار نظاری ربودهٔ دست ناز ایلدیلر *
ونازك تنان دلاکان (بیت) سیه فوتیله کورجامده اول ماه تابانی *
اکر کورمك دیلرسك ظلمت ایچره آب حیوانی * ماصدقنجه برهنه
جسمان کوی ملامتی کرمابه نشین پرتف وتاب نیاز ایلدیلر *
الحاصل سه شبانه روز علی التوالی اهالئ شامك قعودلری قیامه
وآراملری خرامه مبدل اولدی جنبش مقراض اشعه ایله مجموعهٔ
ایامدن اوراق لیال منقطع * وتوسط مسرت وانبساط ایله اجفان
انامده هیئات اتصال مندفع اولدی (جامه خوابلری محمل نسیانده
برچیده چارشبلری آبدان تعطیلده پیچیده اولوب طرف طرف
حلقهٔ انجمن یاران صید طائر عشرته حلقهٔ دام * ومشاهدهٔ
جمال خوبان دیده لرده جایکیر منام اولدی (بیت) نه عجب تیز کچر
ذوق وسرور ایامی * ایرمدین نصف نهاری ایرشور اخشامی *
مضمونی خاتمهٔ صحیفهٔ شادمانیده نمونهٔ امضای انجام اولوب (بیت)
لباس عاریه درهب کچر کوکل اولمه * فریب خوردهٔ تزیین چارسوی
جهان * مآلی صورت آرایش ایامدن پرده کشای ابهام دوام دوام اولمغین نسخه
اولوب (بیت) شامی کوردك ینه تحریك رکاب ایلیلم * کل کوکل

اصلی یه شتاب نسخه مقصد اقصایه شتاب ایلیلم * دیه رك چشم سارشامدن دست شوی
آرام * ومصر قاهره یه امالهٔ لجام اولندی * نهضت از بلدهٔ
لطیفهٔ شام * اوچنجی منزلده مسند آرای کلبهٔ احزان * پیر پاکیزه
ضمیر خانقاه کنعان * حفید جد الانبیاء * ناله سنج واسفا * یعنی
جناب یعقوب صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلرینك (بیت)
سرشك دیده سی اوستنده پل کبی خم ایدی * فراق یوسف ایله
قدی پیر کنعانك * مضمونی مبین ساختهٔ معمار همت نبویلری اولوب
ینه اضافهٔ اسم سامیلری ایله نائل رتبهٔ افاضه اولان جسر یعقوب
علیه السلامدن ماندهٔ سیل اشك کذار اولندی * وبیختهٔ غربال
تواتر اولان حبوب اخبار وفقنجه مردم چشم عالم بینلری پیرو
یوسف علیه السلام اولنجیه دك پیکان خاراکدار سرشك
آتشبنلریله اول حوالینك احجاری سوراخ سوراخ اولدیغی ممر نظر
حیرت قلنه رق (بیت) یوسف از بیمهریٔ اخوان بچاه افتاده
است * بیحسد نبود برادر کر پیمبرزاده است * مصداقی اوزره
اول محراب ابروانی سجده کاه کواکب اولان ماه منیر اوج رسالت
افتادهٔ چاه رصد حسد اخوان اولوب هالهٔ آغوش غیابه سنده
حلوه کر اولدیغی چاه صفوت پناهه القای کمند نورنکاه وآب
دل زداسی زیارتکاه افواه اجفان قلند قدنصکره هفت روزه طی
منازل ایله قصبهٔ رمله یازدهٔ خیول وصول اولدقده احمال واثقالدن
تجرد طریقیله زیارت بیت المقدسه تحریك قامهٔ شتاب اولندی
* عزم کردن بسوی قدس شریف * رهنمونیٔ فیض خدا ایله روزن
بیان (زیارت بیت المقدس کشای حرم اقصا اولان مهمانسرای چرخ آشنای سلطانیه که
ملوك ممدوح السلوك مصریه دن سلطان قیتبای علیه الرحمه نك
ارتفاع درجات دارینه دال * ونقوش خرده کار رخامیه فرش
ودیوار * وسقف شعشعه پاشی صورتنمای امتناع قبول مثالدر

اول منزل وآلاده خطهٔ راحلهٔ چندروزه قلنوب رومال خاك عطرناك
حرم اقصایه مسارعت اولندی حقا حرم نور پیرای مسجد اقصا
برساحهٔ روح بخشادر که سکزیوز قرق ذراع طولی و بشیوز
یکرمی بش ذراع عرضی فرمان بنای کارخانهٔ قدرله رسم کشیدهٔ
پرکار کوشهٔ بال روح الامیندر دائرهٔ سور معمورهٔ قدس مبارکك
مقدار ثلثی ساحهٔ صحت بخشای حرم اقصی اولوب ثلثان آخری
مساجد ومواضع بیوت ناس ایدیکی قرار دادهٔ مهندسیان دیاردر
(اولا حرم مکرم اقصی حصار جنوبی وشرقینك رکننده غایت
ارتفاع اوزره واقع اولوب طولی جنوبدن شماله وعرضی شرقدن
غربه دوشمشدر وبو حرم شریفك طرف غربی وشمالیسی معمورهٔ
شهره متصل اولوب بالجمله مدارس وطرف شرقی و جنوبیسی
وادئ وکهسار واقع اولوب حتی اوندن زیاده روزنهٔ خاطر کشاسی
بالای حصاردن جانب جنوبی صحرایه کشاده واقع اولمشدر
(وحرم شریف اقصانك شمار طبقات افلاك اوزره نه دریچهٔ
ملائك نشینی اولوب اشرف اشهری دیوار شمالینك رکن شرقیسنه
قریب محلده واقع اولان باب الحطه درکه معمورهٔ نظم الهیده
کریمهٔ (وادخلوا الباب سجدا وقولوا حطة نغفر لکم خطایاکم
وسنزید المحسنین) ایله اعتلای شانی مبین اولدیغندن غیری بالجمله
انبیای کرام صلوات الله علی نبینا و علیهم السلام حضرتلری
قادمه چنبان زیارت اولدقلرنده اول باب سعادت انتسابدن داخل
اولوب علی الخصوص تنها سوار میدان اسری صلی الله تعالی
علیه وسلم حضرتلری دخی شب معراجده رهنمونئ روح الامین
ایله اول باب آسمان جناب سده سین مغبوط قباب نه رواق یوروب
عنان براق باصره رفتاری مربط ازمهٔ خیول انبیا اولان حلقهٔ
سعادتمداره بسته بیورمشلردر (وباب الاسباط دخی باب الحطه

الحطه خانك کسریله
شول یردر که برکیمسه
کندی نفسی ایچون
اختیار ایدوب انده بنا
یاپمغه علامت وضع ایلیه
ومنه خط البصرة
والکوفة وانقولی

ایله علاقه کیر تقارب اولمشدر اکرچه مرسوم کوشهٔ بال روح
الامین اولان دائرهٔ حرم مکرم بالجمله مسجد اقصی ایدیکی متحیز
درجهٔ تحقیق ایدیکی مسلمدر لکن حالا احاطهٔ دائرهٔ حرمده
مسجد اقصی نامیله سرافراز اوج اهتزاز اولان جامع شریف
دیوار جنوبیده جانب بیت الحرمه توجه اوزره زانوزدهٔ قعدهٔ
استحکام اولوب جانب غربیسنده مسجد مغاربه نام بر مسجد
طولانی وجانب شرقیسنده حضرت عمر الفاروق رضی الله عنه
سواد مرقع معمورهٔ قدس مبارکی دست عالمکشالریله صور
وجود بدبود کفاردن تخلیه وتطهیر بیوردقلرنده تعمیر کردهٔ
معمار همت بی همتالری اولان مسجد همزانوی صف اتصال واقع
اولوب جامع اقصادن پابرجای قیام اولان ستون رخام ابرفام خارج
مراتب شمار * وزخم رسان سبابهٔ تعجب نظار در جانب یمین
منبرده قامت افراز ساحهٔ اعزاز برستونکه حالا آویزش کوشوارهٔ
مینافام قنادیل ایله اجرای مراسم تعظیم اولنمشدر اول سرو ریاض
قدسك سایهٔ دولت مایه سنده کلچین کلشنسرای افلاك * بالانشین
سریر لولاك صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلری اکثریا دودست
خزائن کشای شفاعتلرین قفل کنجینهٔ صلوة بیوردقلری مشهودهٔ
نکشاده چشمان صورت ومعنی اولمغله اول مسند وآلاده تختهٔ دریوزهٔ
دست دعا ونیاز نقد اجابتدن تهی اولمدیغی اشتباهدن خالیدر
مسجد عمر رضی الله عنهدن رکن شرقیه یه وارنجه رتبهٔ عشره یه
قریب طاقچه لرله برصفهٔ طولانی ساق زدهٔ استقرار اولوب تختی محبس
عفاریت جناب سلیمان نبی صلوات الله علی نبینا وعلیه درکه هزار
عماد دیوشکن ایله مغاك هولناك زیرزمینده میانهٔ تقویم فتاده ماندهٔ
شب یلدا تاریك وطولانی * قلوب شیاطین کبی ظلمانئ جلودانی *
واقع اولوب هدم وتخریبی بیرون یارای قوت انسانی اولمغله بنای

یارای یعنی طاقت
یعنی مجال

سلیمانیدن باقی قالمشدر اول زندان واهمه رسانه متصل رکن
حقیقئ شرقیده حضرت مریم رضی الله عنهانك ایام حیاتلرنده
اقامتکاه استراحتلری اولان بر حجرهٔ روشن که نردبان چند پایه ایله
زیر زمینده کوشه نشین خفا اولوب دیوار قبله‌سنده سینه کشای
هدا اولان محراب مریم پیشکاهنده رخام مجلادن بر تکنهٔ روحانیکه
خمیرمایهٔ انفاس حیاتبخشا * یعنی ذات آسمان مسند مسیحا *
هنوز پیچیدهٔ قماط شیرخواره کی اولدقلری حالده مهد وجود
نازنینلری اولمغله جانب طارم چارمه خمیازه کش حسرت اولمشدر
وینه اول حجرهٔ دلپذیرك دیوار شرقیسنده واقع صفه ده محراب
حوارییین قندیل فروز تعیین اولمشدر رکن شرقیدن رکن شمالیه یه
وارنجه تأسیس کردهٔ اندازهٔ معمار حکمت اولان حصار مغفرت مدار
شرقیکه وسطنده باب الرحمه وباب التوبه نام ایکی باب دولت مآب
سینه کشای مطلع آفتاب اولمشدر * اول ایکی در حکمت اثر پیشکاهنده
اعاذنا الله تعالی وادیٔ هولناك بعید الفور مغاك جهنمدرکه بر مقتضای
تعیین ازلی حالا مقبرهٔ عذاب نمود کفرهٔ یهود اول وادیٔ کافرسوز
دروننده صورتنمای جدریٔ روی زمین اولوب روز جکرسوز رستاخیزده
کذرکاه رهروان نعیم و جحیم اولان جسر صراط وضع اولنه جق
محلی تعیین واشارت ایچون باب الرحمه ایله مهد عیسی بیننده بالای
حصار شرقیده اوچ ذراع مقداری بر ستون رخام ینه اول وادیٔ
دهشت انداز اوزره خارج حصاره اطاله اولنمشدر جناب سلیمان
صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلری فرمان مبدع کارخانهٔ
ایجاد ایله اتمام بناء بیت المقدس بیوردقلری شام مسرت انجامده
نیت زیارت ایله باب الحطه دن درون حرم محترمه کامزن دخول
اولدقده دائرهٔ حرم مقدسی لبریز نور الهی مشاهده ایتملریله تاب آور
تاب تجلی اولمدقلرندن پای عزیمتلرین کره بند زمین حیرت ایدوب

پیچیدن بورمق
وطولاشمق
القماط قافك کسریله
شول نسنه درکه انکله
بشکده اوغلانی بغلرلر

آیینهٔ زانولرین نهادهٔ روی زمین ایدرك اول نشئه مند صهبای
بی خمار تجلی روش مستانه ایله برنیچه قدم طی ایتدکلرنده فرمان
حضرت کریم چاره ساز دلنواز ایله صخرهٔ مبارکه‌نك بر قطعه سی
استقبال ایچون سنك فلاخن سرعت اولدیغنده اشارت سلیمان نبی ایله
اول منزلده کوشه کیر آرام بر دوام اولمغین بالای سر سعادت اثرینه
ابر قبه بنیاد بیوروب ینه فرمان آرایی انس وجن و وحوش وطیور
ایچون ترتیب دیوان بیوردقلرنده کرسیٔ حکومت نبوت توأملری اول
جایکاهه قریب محلده موضوع اولدیغنك اشارتی حالا هویدادر
(اما زمین حرم ارم توأم اقصایه دست فراش صنع ازل ایله قالیچهٔ
بریشم تار سبزهٔ هموارة کسترانیده قلنوب جابجا آشیانهٔ طائر قدسیان
اوله جق اشجار سایه دار * ریشه انداز زمین استقرار اولمشدر
میانهٔ حرمده حرم مخصوص صخرهٔ مبارکه که بش التی ذراع مقداری
ارتفاع اوزره تخمینا اوچیوز ذراع طول وعرض ایله مرآت
صورتنما کبی رخام مجلادن بناء اولنوب یرامنی ینه رخامدن بر ذراع
مقداری دیوارچه ایله احاطه اولنمشدر رکن غربیسنده روز بازار
قیامتده میزان عمل سنج انام موضوع اوله جق محلده نیچه ستون
موزون رخام اوزره بر منبر مطبوع السیما * وبر محراب سینه کشا *
بنا اولنمشدر وبو ساحهٔ تابناکك جوانب اربعه سندن سکز یردن
یکرمیشر پایه دن افزون سلم سلامت فرمایه ارتفاع اولنوب پایهٔ
پایینی مسافهٔ بعیده دن تأسیس اولنمغین غایت پهن وفراخ واقع
اولوب هر پایه سنده پهلو به پهلو یکرمیشر آدم پانهادهٔ صعود
اولمق حیز امکانده در (وبو ساحهٔ دلارانك آغوش میانه سنده
قبهٔ صخرهٔ مبارکه بیضهٔ طائر سعادت شکلنده جلوه نما اولمشدر
قبهٔ نور پیمانك نصفنه بالغ اولنجه یه دك اطرافی لباس رخامیه ایله
برحرم هشتخانه هاله وار احاطه ایدوب اندن یوقارو تا کنکرهٔ زرین

قبه‌یه دك خلعت کاشیٔ نادیده نقوش ایله جلوه نمای طرز آخر
اولمشدر اول قبهٔ عالیشانك بنای اصلیسی ملوك امویه‌دن سلیمان بن
عبد الملكك بیضهٔ طائر همتی ایکن بعده الباس کاشی و رخام
بهشت آشیان (مرحوم سلطان سلیمانك) دوختهٔ کارکاه همت
بی همتا‌ریدر زیر قبهٔ سپهر مماسده تخمینا طولا یکرمی وعرضا اون
سکز ذراع مقداری قفص احاطه سنده طائر زیبنده پرواز اوج
سعادت یعنی صخرهٔ مبارکه جانب قبله‌یه توجه اوزره آسوده بال
آشیان استقرار اولوب شش جهتدن قطع روابط واتصال ایله
علاقه پذیر وقفهٔ امتثال امر ذو الجلال ایدیکی پیوند کسل حبال پیوند اولاشق سبب
قیل وقالدر (دوش یمیننده نقش تمغای اثر پای محمدیکه تشریف اتصال حلیمی
سرادقات ملکوت یوردقلری شام طرب فرجامدن یادکار قالوب تشریف سراپردهٔ
ماندهٔ دهان کوهر فشان (بیت) چون غلامبست که کم کرده خط سرادقات نسخه
آزادی * هرکه بیداغ تو در عرصهٔ محشر کردد * ترنمیله لبریز
مباهات اولمده‌در * بهشت مسند (مرحوم سلطان احمد اول)
صور تمغای فاختهٔ شاخسار خدایی تعظیما مکین قفص سیمین ایدوب
نو بنو کلاب ایله پر اولمغین اول فیضله وجوه نواصیٔ زوار
مشارق انوار اولمه‌ده‌در (مهمان کرامی ترین ایزدی صلی الله تعالی
علیه وسلم حضرتلری رخش ران آسمان اولدقده صخرهٔ مبارکه
کشش جذبهٔ محبت ایله بیقرار اولوب آمادهٔ پرواز مرافقت اولدیغی
حالده فرمان یزدانی ایله حضرت روح الامین نیم راهده تمکین
یورمدلریله آثار خامهٔ انامل روح القدس صحیفهٔ صخرهٔ مبارکه‌ده صحیفهٔ بدن صخرهٔ
مرتسم اولمشدر * وبرجانبنده دخی رخصت یافتهٔ کلکشت نسخه
چمنزار فرادیس * جناب ادریس * صلواة الله علی نبینا وعلیه
حضرتلرینك اوندن متجاوز نقش قدم مکرملری دیده کشای
جانب آسمان اولمشدر زیر سایهٔ دولتمایهٔ صخرهٔ مبارکه برغار

شکلنده نمودار اولوب جانب قبلیدن نردبان هفت پایه ایله اول
مخزن اکسیر سعادته وضع قدم زیارت اولنمه‌ده‌در (لیلهٔ معراجده
امیدکاه کافهٔ عجزهٔ عصاة صلی الله تعالی علیه وسلم جنابندن
ناطقه سنج رجای شفاعت اولان لسان بلیغ البیانی جسم مبارکك
صخره‌دن متمیز اولوب ما لشکاه افواه وجباه اولمشدر طرفین
نردبانده محراب داود و سلیمان صلوات الله علی نبینا وعلیهما
السلام صور تمغای دو چشم جهان بیندر که اکثر اوقات حیاتلرنده
اول محرابلرده سجده بردرکاه قاضی الحاجات اولمشلردر (قافله سالار محرابلرده سجدهٔ
نبوت صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلری لیلهٔ معراجده امامهٔ پروردکار قاضی
سبحهٔ اصفیا * یعنی امام صف انبیا * صلوات الله علیهم اجمعین الحاجات نسخه
اولمغیچون مردمك دیدهٔ محراب اولدقلرنده اثر عمامهٔ مبارکه‌لری
سینهٔ صخره‌ده اثر ایتمکین بر هیئت مقعر جلوه‌کر اولوب شام
و سحر برقندیل ضیاپاش فروزان اولمه‌ده‌در * برکوشه‌سنده دخی
بر صفهٔ مختصره که‌بنه شب پرطرب معراجده تنهانشین منصهٔ رسالت
صلی الله علیه وسلم حضرتلرینك کوشهٔ دامن دولت پیرامنلرینی
برکربه پستر خواب ایتمکین اطارهٔ خواب راحت کربهٔ مسکین تجویز
کردهٔ شفقت دلنوازانهٔ نبویلری اولمغله کوشهٔ مأمن دامنلرین بریدهٔ
مقراض مرحمت بیوردقلرنده کربهٔ ناهشیار فرمان مغیر الصور ایله
صورت مجرده جلوه‌کر اولوب تا بقیامت خواب سنکینده مشاهدهٔ
صورت بیداریدن وایه کیر حرمان اولمشدر حالا علامتی هویدا *
ومحل اجابت دعادر * برکوشه‌سنده جناب جد الانبیاء * خلیل خدا *
صلوات الله علیه وعلی نبینا حضرتلری نیچه دفعه اصحاب بصائره
هویدا اولمغله محراب ابراهیم نامیله مرسوم صحیفهٔ دیوار اشتهار
اولمشدر بالای صخرهٔ مبارکه‌ده داود علیه السلام حضرتلرینك
ساختهٔ دست اعجاز آهنکدازلری اولان درخت پرشاخ وبرك

آهنين ايله سپر سيد الشهدا حمزهٔ باصفا سايه انداز شهرت اولمشلردر
(بنه درون قبهٔ صخرة الله ده اميدگاه اهالى ايمان يعنى درروضهٔ
جنان اوله جق محله يسرنا الله وايا كم باب الجنه تسميه سى ايله بررخام
سبز گون وضعى ايله اشارت اولنوب مائدهٔ آسمانى دخى پيش نهاد
مهمانان يزدانى اولان محل بررخام سفره سيما ايله تعيين اولنمشدر
واسطهٔ نزول كريمهٔ هل اتى ماصدق وصف لافتى باب مدينه
علم احمدى * شاگرد درسخانهٔ محمدى * على بن ابى طالب كرم الله
وجهه منظور اصحاب صدور اولديغى محل مقام على تعيينى ايله
زيارتگاه اصحاب انتباهدر امادرون قبهٔ رفيعهٔ صخرهٔ مباركه ده
نگاشتهٔ قلم استاد ازل اولان نقوش حيرت فزا * نور نگاه مخروطى
الشكلى همرنك دم طاوس * وعكس جام روزنى نظارى همچشم
خروس ايدوب خصوصا صحائف جدرانده شكافتهٔ ارهٔ حكمت
ونگاشتهٔ قلم قدرت اولمش رخام آينه اندامل كه چارقطعه سندن
بركتابهٔ موزون ياخود بر رشمسهٔ خوشمون بديدار اولوب گويا
خلاق ازل عز وجل * نگارخانهٔ صنع ازليده مطلق آرايش ديوار
صخرهٔ مباركه ايچون رسم وايجاد ايلمشدر بتخصيص ايكى طاوس تمام
الاعضا بركاسه يه سرانداز اولمق صورتى هويدا اولديغى اصحاب
بصيرتى سر افكندهٔ زانوى استغراب ايتمه ده درخوشا صخرهٔ
مباركه كه ميانهٔ اجزاى ارضيه ده ذات مقدس الهيه يه اختصاصله
همسنك ترازوى قدر عرش اعظم اولوب فرقهٔ انبياى كرامه
زيارتگاه * واقدام فيضگاهلرينه بوسه گاه اولديغندن غيرى
سلطان عرش مسند صلى الله تعالى عليه وسلم حضرتلرينك
خلوتخانهٔ خاص الخاص قربه عروجلرى هنگامنده بام آسماندن
آويزان سلم نورانينك متكاى درجهٔ پايى اولمغله اثر قدم شفاعت
توأملرين حلقهٔ گوش افتخار ايتمك مرتبه سندن فضله روز جگر

سوز رستاخيزده دخى تفريق اهالئ بهشت ودوزخ ايچون منصهٔ
محكمهٔ قاضى الحاجات اولوب زمرهٔ عصاة زوارينه لب جنبان
شفاعت اوله هزارهزار شكر حضرت خالق بيچونه كه مهمان رباط
چارصفهٔ بدن يعنى روح پرمحن * راحله بند بندر فنا اولمدين ناصيهٔ
سياه كناه آلود اول سنك مباركه ماليده قلمغله داخل شمار زوار
اولمق ميسر اولدى المنة لله تعالى وتقدس كنار صخرهٔ مباركه ده رخام
مجلادن برقبهٔ خوشنما بنا اولنوب قبة المعراج اسميله طوافگاه انس
وملك اولمشدر سوداگر بازار ملكوت صلى الله تعالى عليه وسلم
حضرتلرى راه آورد صلوات خمس ايله نازل مطمورهٔ خاك اولدقلرنده
ابتداء تحريمه بند افتتاح صلوة اولدقلرى محاذه دخى بر محراب
سعادت نصاب پا برجاى قيام اولوب شاهد با لاخرام دعا اول محراب
شريفده گلگونهٔ تأثير نما ايله سرخ روى اوله گلمكين قزل محراب
نامله شهرتياب اولمشدر (وينه خارج قبهٔ صخرهٔ مباركه نك جانب
شرقيسنده محكمهٔ داود صلوات الله على نبينا وعليه اولان موضع
اوزره قبة السلسله نامنده هشت طاق رخام اوزره برقبهٔ زيبنده سيما
جلوه نما اولوب بهشت مكان سلطان سليمان زيور بند كاشى
خوش نقش اولمغين (يا داود انا جعلناك خليفة فى الارض) نظم
كريمن الى آخره آرايش كتابهٔ بالاى طاق ايلمشلردر (وينه اول
محل معتبره قريب مقام حضرت خضر عليه السلام بر رخام آبرى ايله
تعيين واشارت اولنمشدر (خارج حصار قدس مباركه ده پيشگاه
باب الحطه ده مزار عصمت مدار مريم دفين آغوش زمين اولوب
(ينه خارج حصارده جانب غربيده مرقد نور آلود حضرت
داود صلوات الله على نبينا وعليه برمسجد والا قباب داخلنده
حجرهٔ بهشت اثر درونده موارئ لحاف خاك اولوب استار زرين
تار صندوقهٔ مشكبارلرى نور بخشاى افواه زوار اولمشدر

المطموره ميمك فتحى
وطانك سكونيله شول
چقوردر كه انده تركه
صاقلنور وانقولى

(وبنه معمورهٔ بيت المقدسك جانب شرقيسنده سر بر آوردهٔ مقعر
كردون اولان كوه بهشت شكوه طور زيتاده مضاجع انبيا وشهدا
ماندهٔ انجم جابجا ضيا بخشا اولوب امكنهٔ متعينه دن مزار لامع
الانوار (حضرت عزير واثر قدم روح الله وحالت رعى اغنامده
نالشكاه (كليم الله صلوات الله على نبينا وعليهمدن غيرى مزار
رابعهٔ عدويه رضى الله تعالى عنها زيارتكاه قدسيانِدر (فرياد
كريه خيرهاى هاى حسرت * زلزله افكن اساس كردون * وشعله
آه عالم سوز ندامت * داغزن درون چرخ نيلكون * اولمق
سزادركه بيم نيزهٔ سرتيز زهرنان امان ندان عربان جناب خليل خدا
(حضرت ابراهيم وحضرت موساى كليم صلوات الله على نبينا
وعليهما حضرتلرينك (وكنجينهٔ مدفن ابراهيمده مدفون اولان
جواهر فروزندهٔ درج نبوت يعنى جناب اسحق ويعقوب ويوسف
صلوات الله على نبينا وعليهم حضرتلرينك زيارت رياض
مقدسه لرينه خار ديوار ممانعت اولوب شوق خاك آستانلرينه آغوش
ناصيهٔ اميد خميازه كش تحسر قالمشدر ﴿وصف ريك بى امان راه
مصر﴾ قدس مباركده سه روزه آرامدنصكره ينه رمله وغزه جانبنه
عنان كردان اولوب غزه يه قريب محلده قبور شهداى عسقلانه
آمد شد سفير دعا دركار قلندى (غزه دن بشنجى منزلده واقع قلعهٔ
عريش ايله صالحيهٔ مصر بيني كه بش مرحله درآب ودانه دن
نهى ريكستان اولمغين (بيت) چون كذشتى از رباطتن ذكر معموره
نيست * زاد راهى بر غيدارى ازين منزل چرا * آوزه سى اقلام
السنهٔ اصحاب وقوفدن مرسوم صحيفهٔ سامعه اولمغين مأكل
ومشارب پنج روزه تحميل دوش جمال قلمغله درياى رمالده شنابه
عزم اولندى واقعا عرضا بش التى منزل طولا يكرمى منزل مقدارى
محل لب بحر سپيددن كنار بحر سويسه وارنجه يحنهٔ غربال تنك

السفير بفتح السين وكسر الفاء بمعنى الرسول ومن يصلح بين القوم وانقولى

چشم اولمش ريك ساعت مشابه سنده ريك سفيد كستردهٔ دست
فراش قدرت اولوب ميانه ده طاق كردونه پيوسته كوهلركه تازيانهٔ
تحريك باد ايله موجهٔ دريا كبى بيقرار ود سنجوش بازيچهٔ روزكار اولوب
(بيت) روزكاريست كه باريك روان باسفرم * ميروم راه زمنزل
خبرى نيست مرا * وفقنجه دست استاد صنعله ماندهٔ آلات
شطرنج برساعت برخانه ده آرامى محال * وجنبش چوكان
روزكاريله كوى صفت برساحه ده استقرارى منعدم الاحتمالدر
(بيت) بادرد عشق طاقت وبى طاقتى يكست * تمكين كوه وكاه
درينجا برابرست * الحاصل اول بحر مواج ريك ايچره غوطه خوارىٔ
اضطراب ايله عزيمت اولندقده قوايم خيول قارونه قرين * وخم
خسروانى كبى شكملرى زيب زمين * اولوب صفحهٔ ريك اوزره
آثار اقدام مطايا برينه نقش تختهٔ ركاب هويدا * ورسم قوايم
جماله بدل عكس داغ سينه لرى پيدا ايدى سوارلر پياده شكلنده
نمودار * پياده لرك ايسه انجق عقدهٔ زانولرى آشكار ايديكى
مبالغه واغراق دكلدر * اوتاد خيامه استقرار حيز امكاندن دور
اولمغين دستبرد تاب آفتابدن سايهٔ شب چشم اعتباره سرمهٔ
صفاهانيدن برتر * وپاى دواب قرارداده اوله جق مرتبه زمين سخت
تخت سليمانيدن نازكتر * كور ينوردى نه حال ايسه بوكونه رنج راحت
فرسا ايله پنج شبانه روز افتان وخيزان (مصرع) ايده لم طى بيابان
براپچم صوديه رك * نخلستان قصبهٔ صالحيه آشيانهٔ طائر نكاه
اولدقده حكايات الفرج بعد الشده صحيفهٔ دلده مرقوم اولوب
سايهٔ نهال بالاكش خرماده وضع خيام آرام اولندى ﴿ذكر وصف
زمين حرم مصر﴾ اواخر فصل مهرجان اوائل فروردين مصر
اولمغين تمام هنكام اعتدال هواسنه مصادف اولديغندن فضله آب
نيل تمام اراضىٔ ساهرهٔ غبراى قاهره بى مستور دامن همت ايتديكى

فرسودن بمعنى صولمق وبوزلمق واسكوب ديدلمك وسورمك واياغله دپمك

موسم اولمغله کریبان صالحیه دن دامن مصره وارنجیه دك
درت بش منزل مقداری فضا لباس آبکون آینه سماده ناپیدا *
اولوب انجق کذرکاه رهروان ایچون تخمینا درت بش ذراع عرضنده
برراه مرتفع ومفرح قالوب میانهٔ آب کوثر سماده برمنزل خدنك
مقداری محلده برقریهٔ قصبه نمون جایکیر اولوب برراه باریك ایله
یکدیکره اتصالی اولمغله هرچار قریه نك ماببنی برحوض دلپذیر
شکلنی اشعار ایدوب ساحهٔ قراده اولان هر نخل سرافراز (بیت)
میان نیلده هر نخل خرما بکزدی کویا * شناورلك ایدن بر دلبرکاکل
پریشانه * مضمونی افاده یه لسان حال اولمشدر اما خیاط صنع الهی
زمین دلنشین مصری کاه لباس آبکون ایله پرده وکاه لباس پردهٔ
سبز رنکله جلوه کر ایتمکین شاهد مستانه رفتار نیل تدریجله دامنکش
اولدیغی محللردن آثار قدم خضر کبی سبزهٔ بریشم تار فرش
زمرد کون سرزده اولمغه یوز طوتوب میانهٔ نیلده طیور متنوعه طیران
وجریان ایندکلرین شکار شاهباز نکاه ایدرك هر مسافه ده برموج
مسرت استقبالی وهر کامده برکره دل انحلالنده طفل سرد رهوای
دل آغوش ام الدنیاده غنودهٔ استراحت قلندی ❁ ذکر اوصاف
مادر دنیا ❁ خوشا بلدهٔ معظمهٔ قاهره که فسحت دائرهٔ سوادی
پرکار قیاسی فرسوده قدم * وکبوتر تیز کام تخمینی کسسته دم ایدر
ساحهٔ ارتفاع طبقات پنجکانهٔ بنیانی بیرون پارای مد بصر وکنکرهٔ
سطوح سرادقات ایوانی شکست آور اندازهٔ نظر در معانقهٔ عمارات
طاق ابر مماسی سدهٔ جکر فلك ومزاحمهٔ منارات رواق بررواق انکشت
نماسی مانع جنبش بال ملك در رشك کثرت قباب انجم حسابی
خرابساز خاندان حباب وماهچهٔ زراندودهٔ منارات رفیعه سی طبنجه
زن صورت آفتابدر * دروب نزاهت مصحوبی جداول صحایف
دواوین کبی پهن وراست ونسق آرایش دکاکین واسواقی نظام

دل انحلالیله نسخه
آغوش رموز ام الدنیا
نسخه

غنوده اویومش
وآسایش معناسنه

ماهچه بمعنی علم درکه
سنجاق باشنه کچوررلر

دروب صوقاقلر
معناسنه

پروین کبی بی کم وکاست در سایهٔ مظلهٔ بنیانده مجموع طرق واسواقی
دستبرد پنجهٔ آفتابدن آسوده وسر جمله عیون ایوانی آغوش
دایهٔ صفا پرور طاق سایه کسترده غنوده در * هرخانهٔ صد بیتی
بر دولتسرای عالی وهر دریچه سی منقش کمر ایله برعروس لاابالی *
هرخانه نك صحیفهٔ دیواری پرنقش ونکار اولمغله باالجمله طرفین
طرفی هردم بهار اولمشدر کویا هر قصری اطافتله برقصر یوسف
ونقش ونکار ایله خلوتخانهٔ زلیخادر * غلبهٔ زحام سکانی برمرتبه ده درکه
اقاصیٔ حوالیٔ شهرده غایت تنهایی ایله متصف اولان کوشه زنده به له
قطرات باران زحام اجسامدن روی زمینه حسرتکشیده در کثرت
مجامع ومساجد برمرتبه ده درکه برقاصد چابکخیز ایام حیات
یکساله سن وقف دور مجامع ومساجد ایلسه ینه طی طوامیر حسابی
مرهون درجهٔ استحاله در حتی قلمکیر صحیفهٔ تحریر بالای قلعه ده
سواد مصرك اکثر حوالیسی محاطهٔ سلسلهٔ انظار اوله جق محلده
استکشاف کمیت اعداد منارات ایچون تحریك سرانکشت نکاه
ایلدیکمده غایت ارتفاع ایله نمودار اولان منارانك شماری درجهٔ
هزاری کذار ایتدیکندن ماعدا قصور قامت وبعد مسافه ایله
متواریٔ پردهٔ خفا اولنلرك حسابی مستور پردهٔ ابهام اولمشدر
سواد شهردن خارج اراضیٔ خالیه ده اولان جوامع بی جماعتك
حسابی محاط علم الهیدر سواد خوش نقش قلمرو چرا کسه واکراد
اولدیغی ایامده بربریله همچشم رشك وحسد اولوب کندی اتباعی
آخرك جامعنده همزانوی صف صلوة اولمسی منافیٔ قاعدهٔ حمیت
اولمق اعتقادیله همسایه دیوار بدیوار شکلنده جوامع بنا ایدوب
یکدیکره تشابهندن تحاشی وجهی اوزره لباس آخرده جلوه کر
ایتمشلردر حتی بعض مواضعده بر مرد چالاك مناره دن مناره یه پرتاب
ایده جك مرتبه یه تقریب ایتمشلردر مداخل ومخارج صحن ساحه لرنده

وحيطان وجدرانلرنده اولان نقوش رخاميهٔ خرده كارى پاى انظاره
زنجير حيرت اولمشلردر جمله نك اشهرى جامع ازهردركه وسط جسد
ام الدنياده منزله كبر قلب وسيع اولوب شام وسحر نيجه بيك بالا
نشينان سرخوان تحقيق وتقرير وحلقه كزينان استفادهٔ حديث
وتفسيره مقر اولمقدن خالى دكلدر بريسى دخى جامع سلطان غوريدركه
شمسهٔ زراندوده تاوانى واسطهٔ كدر ضمير مهر انور واسطوانهٔ
سربكردونى قناديل نجومه مستقردر (بريسى دخى جامع طلوندركه
طولا وعرضا مساحهٔ ساحهٔ بيت الحرم اوزره بنا اولنوب
(بيت) باشندن آتشى اكسك دكل اولوب پامال * مناره كبى اولان
كج درون وراست نما * قولنجه درون مناره ده اولان اعوجاجدن
روكردان اولوب (بيت) اكرچه نخل خرماوش دكلسه ظاهرم
هموار * عصاى موسوى وش باطنمده استقامت وار * مضمونى
صحيفهٔ متخيلهٔ بانيسنده نمايان اولمغين خلاف رسم معهود اوزره
درجات مرقات مناره سى منتهاى شرفاته وارنجه قامت نهالى
درآغوش ايدن تاك صفت ظاهرندن پيچيده اولمشدر بوكونه احدوثهٔ
انكشت نمانك منشائى بودركه كذشتهٔ جريدهٔ ذكر اولان طلون
اول جامع والانك بناسنه اعمال معمار همت ايتديكى ايامده بركون
برشخصك مرفوع پايهٔ سرير ايتديكى عرضحالن بازيچهٔ دست
انديشهٔ طفلانه ايده رك سرانكشتند پيچيده ايدوب اول ورقپاره ده
بحسب العاده برهيئت مخروطى نمايان اولديغى حالده رقدهٔ افكاردن
بيدار اولمغين اول مقوله مشغلهٔ لعبت * عارضهٔ وقار سلطنت *
اولمق ملاحظه سى مشهود سبابهٔ نبض آشناى ادراكى اولمغله
دامن تمكين ملوكانه سندن ازالهٔ غبار خفت فكرينه دوشوب نسيم
جهانكرد خرد ايله خلوتخانهٔ سينه سنده عقد انجم مشورت ايتمكين
اول محلده معمار جامعى احضار ايدوب حالا اثر سرافراختهٔ ساحهٔ

پاى نظاره
نسخه

كدر ضمير
نسخه

پيچيده صرمشق
وبلزك
وبمعنى طولشمش
حلبى
نسخه   أثناده

عقد انجمن
نسخه

ظهور اولاجق جامعك مناره سى بورسم اوزره متاع درجاتى بافتهٔ
منوال مصوردم اولمغين بوكارنامهٔ مصنوعه اوزره ريختهٔ قالب
استحكام اولمق مقصود مدر ديو دست معماره تسليم ايمكله ديدهٔ
نظارى حلقهٔ دريچهٔ اغفال ايتمك تكلفاتنه دوشديكى زبانكذار
تواريخ شناسان وقايع مصريه در * بريسى دخى روم ايلى ميدانده
جامع سلطان حسندركه زير كنبد فيروزه فامده نظيرى جلوه كر ساحهٔ
انعدام ايديكى قرار دادهٔ خواص وعوامدر (زيرا اساس افكن
استحكام عمارتى اولان سلطان بلند همت على وجه الالتزام اندازهٔ
طاق كسرى احضار ندصكره النى ذراع دخى ترقى ايله بر بريننه مقابل
چارطاق اوزره بازوزدهٔ استحكام ايتمشدر بانئ مبانئ بيان اولان نابئ
ناتوان صفوف احجار ديوارين شماره اقامت سلم انظار ايلدكده
مرتبهٔ منتصفنه ارتقا ايدنجيه دك هشتاد صف كذر ايدوب
نصف اعلاسنك تشخيص فواصلندن سبابهٔ باصره اظهار عجز
ايتمكين نصف اسفلنه مقايسه وجهى اوزره اكتفاء اولندى (دست
ارتفاعى كلاه افكن تماشائيان در ديو زبانزد انام اولان تعبير مشهور
بوجامع والانك نصفى مرتبه سنده جلوه كر ظهور ردر (بريسى
دخى جامع فاتح برقع ام الدنيا عمرو بن عاص رضى الله تعالى عنهك
مصر عتيقده آثار همت عليالرى اولان جامع رفيع الاعتبار دركه
هزاربك ستون رخام اوزره پابرجاى ساحهٔ استحكام اولوب يمين
ويسار محرابنده ايكى مصحف شريف نهادهٔ رحلهٔ تعظيم
قلنمشدركه برى چكيدهٔ خامهٔ عنبرفشان حضرت عثمان بريسى
دخى نميقهٔ قلم كوهربار حضرت حيدر كرار رضى الله تعالى
عنهما در * وسوادبدن ام الدنياده ايكى ديدهٔ بينا منزله سنده ايكى
بركهٔ لطيفه واردركه برى بركهٔ فيل وبرى بركهٔ اوزبكيه ايله نام
يافتهٔ السنهٔ انام اولمشدر * هر برى تقريبا طولا وعرضا ايكى ميل

المنوال ديمك كسرى
ونونك سكونيله سرمين
ديدكلرى انجدركه
جلاح اكا طوقديغى بزى
صرار النول نونك فتحى
وواوك سكونيله بمعناه
ومنوال وجه معناسنده
كلور يقال لا ادرى على
اى منوال هو اى على
اى وجه هو وانقولى

مقداری شکل مستدیر ایله جایکیر اولوب بش طبقهٔ دور وقصور بیقصور احاطه ایدوب روزنلری ورای چین کیسوی اشجار * وکره زلف پیچ دریچ سرور هوادن آیینهٔ آیه چشم کشای تماشا اولمشلردر * مربع نشینان سواحل آب دائرهٔ زورقه یه هوای صباده ضرب انامل مقداف ایدرك اصول دوریله سیر مقامات ایتملری مجیر ساز چنبراوج کردوندر * اما بوایکی برکهٔ مطبوعه جوشش احسان نیلدن حصه یاب اولمریله شش ماه مقداری کنجینه‌لری پردروشش ماه پرذمرد اولمغین حواله نشین اولنلرکاه سیراب ایله شفایاب علت سودا * وکاه مشاهدهٔ سبزهٔ ذمردفامیله کورسازافعیٔ آلام دنیا اولمده درلر (جویبار نیل مبارك جدول نیلکون کبی سواد مجموعهٔ مصرك کنارغربیسنه کشیده اولوب ساحل شرقیده قدم نهادهٔ عرش برین ﴿جناب سلطان المرسلین﴾ حضرتلرینك ایکی نقش پای ملکوت پیمالری برسنك مبارك صحیفه‌سی اوزره ایکی دیده بینا کبی جلوه‌کر اولوب اطرافنه نیجه کاخ دلارا * وبرجامع بیهمتا * بنااولنوب قدم بنی نامیله شهرتیاب عرصهٔ روزکاردر اولا اب نیل اول مقام مبارك دامنن بوس ایدوب بعده معمورهٔ مصرعتیق پیشکاهنده اجرای مراسم رومال ایدرك مرور دنصکره نسخهٔ هشت بهشتدن یك ورق شکلنده پیرایه بخش محافل حورعین اولان قصرعین نام مسیرهٔ دلکشاسایه سنده کف زنان التجا وبعده بولاق قصبه سنده سبتیه نام مسیرهٔ جنت فریب تماشاسندن اکتساب صفا ایدرك سواد اسکندریه ودمیاط ورشیده وارنجه ایکیه منقسم اولمغین سپر مستدیر بحر سپیده حوالهٔ رسم ذوالفقار ایلمشدر * مصرعتیق مقابلنده جیزه واین بابا نام ایکی قصبهٔ مطبوعه کناره کیرجوی نیل اولمغین شام وسحر هزار سفاین صرصرشتاب بادبان کشای اياب

وذهاب اولمده درمیانه ده برجزیرهٔ نازنده سیمایی آب نیل کمرسیمین کبی احاطه ایتمکین بن آبده پشت ماهی یه زخم رسان اوله جق اساس مستحیل الاندراس اوزره سنکین طاقلر بنا اولنوب بالاسنده بش طبقه اوزره معلا کاخلر واسطهٔ کلف عارض ماه اولمشلردر * اول بنانك طبقهٔ سفلیسنده ممر آبده برکنج پنهان کبی برحوض رخامیهٔ مربع الاضلاع اختراع اولنوب وسطنده رخامدن چار کوشه برستون موزون مانند نقطهٔ نون مستقر اولوب ارتفاع نیله درجات سلم ارتقا اولمق اوزره اشارت اولنان خطوط حساب اصابع کریبان لباچهٔ استقا متنده چبراست شکلن کوستروب (بیت) منتظرکن مژدهٔ انعامنه سرجمله ناس * نیجه بربارمق حسابن کوستررام القیاس * شهرتیله مشار بالبنان اولمشدر * کلمهٔ ام القیاس غلط مشهور السنهٔ عوام اولمغله (بیت) دمبدم غرقهٔ سیلاب سرشك اولدی تنم * دوندی نیل ایچره کی مقیاسه غمکدن بدنم * مألن بیانه لسان حال اولمشدر * ورای نیلده ایکی ساعت مقداری مسافه ده کمال ارتفاع واستحکام ایله سرافراختهٔ اوج اشتهار اولان جبال اهرام تجاوز کردهٔ عدد ثلثین وار بعین در اما ایکیسی بربرینه قریب دو پستان ام الدنیا منزله سنده چار رکن مخروطی الشکل ایله بدیدار اولوب هرجانبی چارصد ذراع وارتفاعی دخی چارصد ذراع هیئات غریبه ایله مربع نشین اساس تمکین ایدیکی تودهٔ راه نکاه حیرتدر ومصرك جانب شرقیسنده اولان قصبات وعماراتك شماری خارج حوصلهٔ ارقامدر لکن احسن واشهری واسطة العقد سلسلهٔ سلاطین چراکسه اولان سلطان قیتبانك عمارات حوالیٔ مزار فیض بارلریدرکه بنه برسنك مبارك اوزره ایکی نقش قدم سید عالم صلی الله تعالی علیه وسلم کوهر تاج افتخار مزارلریدر پادشاه سالف الذکر حرم بهشت توأم نبوی * وروضهٔ مطهرهٔ مصطفوی

صلى الله تعالى عليه وسلم بناسنه صرف كنجينهٔ همت ايتدكدنصكره
برشب آتش محبت فخر كائنات ايله ديك پرخون درونى غليان *
وصعود بخار حسرتيله سر پوش پردهٔ زجاجئ ديده سندن قطرات
اشك لاله كون ميل آغوش دامان ايدرك رقدهٔ خفيفه مهمان رباط
اجفانى اوليجق دار العطاى عالم مثالده رسم قدم شريف نبوى
نقرهٔ اشك خلوص آميزينه بدل اعطا وو ديعهٔ صندوقهٔ امانت
اولان محلى تعيين وايما بيورمغله اول پادشاه كامياب كندو حياتنده
توطين جسم فنا پذيرى ايچون محفور تيشهٔ انتباه ايتديكى مدفنه
لوح سينه ايدينوب لذت چش خوان عميم النوال ممات اولدقدنصكره
شمع مزار ايلمشلر ايدى (فردوس مسند مرحوم سلطان احمد زينت
بخش سرير سلطنت اولدقلرنده انلر دخى هوادار پابوس سلطان رسالت
صلى الله تعالى عليه وسلم اولمريله اول قدم شريفى استحضاره اقدام
ايتمكين بامر خالق بيچون مزاج روز كاره سكون طارى اولوب اول
كوهر عالمتاب كرانبهايه كنجينه اولان سفينه زورق ماه منير هفت پاره
تهى ويراولنجيه دك ساحل قسطنطينيه يه بادبان چين وصول اولدقده
داور مغفور كمال شوقنه بناء (بيت) بلبلاره ويردى مژده مقدم كل *
خوش كلدى قدم كتوردى كلزاره صبا * ترانه سيله اول سنك مباركى
بغرينه باصوب مداد اشك وخامهٔ مژكانيله (نظم) نوله جانم كبى باشمده
كتورسم دائم * قدمى رسميدر اول حضرت شاه رسلك * كل
كلزار نبوت اوقدم صاحبيدر * احمدا طورمه يوزك سور قدمينه
اوكلك * منظومه سين عقد مرواريد كبى نثار شكرانهٔ قدوم
ايتدكدنصكره اول رسم هماى سعادت ايچون آماده اولان قفص
سيمين ايچره مكين * وبازوى طاق خانهٔ خاصه بى اول كوهر نور
بخشا ايله تزيين * ايتمكين شبانكاه روزنهٔ چشم عالم بينلرى مستور
غشاوهٔ خواب اولدقده كار فرمايان عالم معنادن يا احمد

الرقده رانك فتحى
وقافك سكونيله
بر مقدار اويومق
نومهٔ خفيفه معناسنه
وانقولى

ديوانخانهٔ قسمت ازليه ده تعيين اولنان حصهٔ آخره اطالهٔ دست
طلب منافئ قاعدهٔ توكل دكلميدر (بيت) بشنواين نكته كه دل را
زغم آزاده كنى * خون خورى كر طلب روزى ننهاده كنى *
مضمونى ايله مظهر سرزنش اولمريله صبحدم ينه برسفينه يه
حمائل كردن قلنوب جانب مصره اعاده اولندقده بوكز لوحهٔ
مهر منيريدى دفعه كردن عروس نيلى برقع كردونه آويزان اولديغى
مدتده ساحل مصره لنكرانداز استقرار * وينه سر مزار قيتبايه
شعشعه بار اولديغى مسلوك قدم قلم اصحاب آثاردر (اكرچه
مدينهٔ قاهره ده مشاهد مشاهير كبار بيكانهٔ حد وشماردر اما اشهرى
زانو زده كان حلقهٔ انجمن اصحاب رضى الله عنهمدن حضرت
عقبه دركه قبهٔ مزار لامع الانورى ديباجهٔ صحيفهٔ قرافهٔ كبرادر
اكا متقارب ركن واحد اركان اربعه امام شافعى عليه الرحمه
حضرتلرينك جواهر كرانقدر جسد لطيفلرى صندوقهٔ سبز پوش
ايله برقبهٔ آسمان ساى سايه سنده مقيم اولوب جناب سيد الثقلين
صلى الله تعالى عليه وسلم حضرتلرى اول قبهٔ معلايه تشريف
بخش قادمهٔ آسمان مسير اولدقلرى مشهود اصحاب ارباب بصائر
اولمغين ديوار غربيده مورد سعادت اثرلرى برپردهٔ زرتار ايله اشعار
اولنمشدر (وفارس ميدان ولايت عمر بن فارض قدس سره العزيز
حضرتلرينك دخى خوابكاه فيض پناهلرى سرسطر جريدهٔ
خاموشان قرافهٔ كبرادر * وكل كلشن طراز ولايت شيخ ابراهيم
كلشنى حضرتلرينك دخى قطعهٔ چمنزار بهشت اولان مرقد
مؤيدلرى جلوه ساز سينهٔ سواد قاهره اولمشدر * ماحصل تحرير
اوصاف مواضع غريبه * واماكن عجيبهٔ قاهره * بيرون باراى
حوصلهٔ قلم اولمغين جانب صحراى مرامه تحريك لجام اولندى
كالاى سينه فام ظلام * كسوهٔ قامت شام * اولمغيچون دامن

بدر شوال شب بشب بريدهٔ مقراض نقص اولمغه شروع ايلدكده
بالاى شاهد بيت الهى ايچون بافتهٔ كاركاه يكساله اولان كسوهٔ
شريفهٔ عنبرين تار * غلغلهٔ اذكار مشايخ بيشمار * ايله والئ
مصر پيشكاهندن كذار * ومدفن رأس پرنور حضرت حسين بن
على المرتضى رضى الله عنهما ده چندروزه وديعهٔ وقفهٔ استقرار
ايلديلر ﴿ برون رفتن محفل مصريان ﴾ علم عالمتاب قمر منور شقهٔ
سيمكون مرصع طراز عشرينه كشاد و يردكده دار الحكم مملكت
قاهره دن خارج باب النصرده قصبهٔ عادليه يه وارنجه اوج ساعت
مسافه نك طرفين رهكذارنده واقع دروب وايوان ودكاكين دروب اى الاسواق
ومبادين و طبقات بيوت و قصور بالجمله سكان مصر ايله نمونهٔ
صحيفهٔ ديوان اشعار اولوب غلبهٔ مزاحمهٔ نفوس انسان * جمعيت
معشر محشره پرده كش نسيان * اولمق صورتلرين نمايان ايلدى
* اجسام انام غرقهٔ امواج زحام اولوب بربرى فوقنده نجق
دوائر وجوه واعمام * بديدار اولمشيدى هرنه طرفه امرار نظر
اولنسه يكسره لب ورو وچشم وابرو مشاهده اولنوب كويا نساج
كاركاه صنع طرفين رهكذاره نقش بشرهٔ انسانيه ايله مزين
بر پردهٔ مصور آويخته ايدوب اول مرتبه جلوهٔ عالم صورت
منظور ديدهٔ عبرت بين اولمامشيدى * ذروهٔ رؤس سوابق
ستون زنخ لواحق وصدور لواحق بالش اكتاف سوابق اولوب
خطوط نواصئ اسافل چيراست سبنهٔ اعالى وارقامى زير لب
اعالى خط پيشانئ اسافل اولمشيدى بوحالت ايله هركس ديده
كشاى راه تماشا ايكن بالجمله مواجب خوران ديوان * ومشايخ
جليل العنوان * غلغله اذكار يله مسامع ناسى دريچهٔ خانقاه
حقيقت ايده رك محفل شريفى زيور دوش تعظيم ايدوب مخيم
حجاجه ايصال ايلديلر ﴿ رفتن حاجيان به بركهٔ حج ﴾

اول كوند نصكره جرس مهر منير بش دفعه آويختهٔ كردن جمازهٔ ايام اون كوندنصكره نسخه جمازه بمعنى محمل دوهسى وهيون مثله نعمة الله و بمعنى بيل دوهسى نعمة الله
اولدقده بالجمله آماده كان راه بيت خدادوش جماله تحميل اثقال ايدوب
مايه داران قوت ماليه اولنلر مسند نشين حضور اولمغيچون وقف
زلزلهٔ بى انفصال * ومشروطهٔ رعشهٔ بالاتصال * قفص طائر حجاز
خلوتخانهٔ سالك راه دراز بيت چار فقرهٔ بحر رمل * سرير چهار
پايهٔ دوش جمل * حباب عمان بيابان * يعنى خانهٔ پادرهواى تختروانده
كوشه نشين استراحت اولوب نيجه لردخى دوصفهٔ متقابلهٔ محفه ده
بادام دومغز صورتن كوستروب بركة الحج تعبير اولنان غدير پاكيزه
ضمير كنارنده آرامكير سايهٔ خيام اولديلر ايكى كون اول فضاده اتمام
قصور مهام ايچون آرام اولنمق مرسوم جريدهٔ اعتياد اولنديغنه بناء
كنبد فيروزه فام كردونه غشاوهٔ عنبرين تعليق اولنديغى دم اعيان
حجاجك پيشكاه خيامنده اشاره تعبير اولنور برستون اوزره قناديل
بيشمار ايله صورت عقد ثريا فروزان اولوب رهروان بيت اللهك
مراسم ركوب ونزولى مغاير اسفار سائره اولمغين اكثريا حركتلرى
طبل زرين آفتاب زيور زير نعل فئ زوال اولديغى وقتلره تصادف
ايتمكله هنكام نزوللرى دخى قافلهٔ صبحدن مقدم واقع اولمغين شب
كردان تكردهٔ راه دلالت نجوم ايله رهبردهٔ منزل مقصود اولديغى
كبى هركس سموت خيامن استعلام ايچون العارف يكفيه الاشارة
ديه رك هر اشاره نك نقشى نقوش سائره دن ممتاز اولمق اوزره ترتيب
اولنوب كويا شب روزه ده بر معمورهٔ عظيم السوادك رؤس شرفات
مناراتى قناديل ايله تزيين اولنمشيدى ﴿ ابتداى عزيمت حجاج ﴾
نفس صبح اخير اطفاء قناديل نجوم ايتدكده طرهٔ كوس رحلت
مدققهٔ منبه ساعت حركت اولمغين (بيت) كوكل طى ايت بساط
عيشى هنكام عزيمتدر * يورى برك سفر آماده قيل كيم وقت رحلتدر * برك مهمات سفر
مأان جرس حديد اللسان منكوش سامعهٔ انتباه ايتمكين ينه دومصرع

محفه بیت قصیدهٔ مشهوره شترحجره یه نظیره قلنوب قلبا وقالبا
جانب قبلهٔ آماله توجیه قبالهٔ اقبال اولندی (بیت) ماراهروان
حرم کعبهٔ جانیم * باقافلهٔ اشك روان همره ازانیم * اثنای طریقده
صحرای تیه وطورسینا کذار اولندقدنصکره طقوزنجی کونده عقبهٔ
مصرنامیله مشهورالسنهٔ انام اولان راه عسرتپناه که طرفینده اولان
قلل جبالی آشیانهٔ نسرطائردن برتر * ومیانه ده اولان ممر باریك عمیق
بشت کاو وماهی یه برابردر ماندهٔ مار پیچیده پای مطایا اوله رق
لب بحرمحیط بوسه داد دامن خیام قلندی (بیت) لب دریا ست
چون لب دلبر * از برون سبزه وزدرون کوهر * ماندهٔ دریاصفای
خاطرایله برنیجه منزل دخی کنار ورق پیروزه فام دریادن بریدهٔ
مقراض قوایم مطایا قلندقدنصکره زلزلهٔ زمین کردان الهی ایله
کوی چوکان قضا اولان ارض مدین قربنده عبادتخانهٔ خطیب
الانبیا حضرت شعیب صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلرینك
زیارتیله قطع مدارج منبر مرام اولندی مشعل قمر ذی الحجه زیور
دوش سپهر اولدقده عرصهٔ بدرحنین جلوه کاه خیام اولوب روز
نصرت اندوز غزای کبرای بدرده صهبا کشان پیمانهٔ شهادتك خاك
خون آمیزلری زیارتیله سرکرمیٔ نشئهٔ روحانی اکتسابندن غیری
سلطان منصوراللواء نبوت علیه الصلوة والسلام حضرتلری اول
معرکهٔ خرد فرسا هنکامنده امید خرام شاهد نصرت ایله دوکف
استدعالرین مرآت روی رجا قیلملق ایچون تواری بیوردقلری سایهٔ
نخل تاکده بنیاد اولنان مسجد عریش زیارتیله دست امید نائل
خوشهٔ مرام قلندی ﴿ رسیدن بمیقات احرامکاه ﴾ اندن ایکنجی
کونده میقات قافلهٔ مصریه اولان رابق نام صحرای سینه کشا
پیراهن جنکارکون خیام ایله پیرایه کیر اولدقده بالجمله سالکان راه
بیت الله البسهٔ عادیه دن تعری ایدوب (بیت) پنبهٔ داغ درون ایچره

نهاندر بدنم * دیری اولدقچه لباسم بودر اولسم کفنم * بینی ایله شست
وشوی ایداندنصکره لباچهٔ دیوان مقدس الهی اولان ایکی قطعه
احرام سفید فامی زیوردوش ومیان ایلیوب سرو پا برهنه آوازهٔ
غلغلهٔ فلك رسای لبیکی آمیختهٔ اذکار مسبحان ملأ اعلا ایلدیلر
(بیت) کعبه را مستانه لبیك آرم ازمیقات عشق * کز الستم هم باین
لبیك کویا کرده اند * تسلسل زمزمهٔ لبیك پنج شبانه روز انقطاع
بولمیوب برصبحدم حاجیٔ برهنه سر خورشید دور مطاف کردون
ایچون صبح اول واخیردن ایکی قطعه احرام کافور فامی آرایش
اندام ایلدکده ناکاه تیغ جبال زمین بطحا لمعان ایتمکین قافلهٔ آرزو
بارعجاجك عنان آرامی کسسته اولوب هر کسك صحایف پیشانیٔ
حالنده داعیهٔ شتاب مرتسم اولمغین (بیت) رضا بی صوره صوره
کعبه یی بولور آدم * همان یوله دوشه لم کوی دلربا دیه رك * حرم
شریف صوبنه مسارعت ایلدیلر (بیت) دلم بناله درآیدکه
ازصبوری را * زحد مبرکه درین راه کس مباد صبور * واقعا
شاهین ملکوت آشیان جان هنوز آزادهٔ پرواز هوای عالم اطلاق
ایکن کردش پفترهٔ دعوت خلیلیه یه بال کشای اجابت اولمه ده
اضطرارندن غیری شهربند مشیمهٔ عدمده نائل دستمایهٔ وجود
اولدقدنصکره حضرت قادر استطاعت بخشا جل شانه نك آراستهٔ
نوال مغفرت اولان ضیافتخانهٔ کبراسنه تکلیفی دخی زنجیر کردن
اختیار اولوب خصوصا سودا کرچارسوی حیات اولدنبری دکانچهٔ
سامعه کالای کفتکوی حرمین ایله پر اولدقچه صندوقچهٔ متخیله نقد
اشتیاق ایله مالا مال اولمغله (بیت) کی بود یارب که رودر یثرب
و بطحا کنم * که بمکه منزل وکه درمدینه جا کنم * ترانه سیله
نو بنو دریای اشك شوق موجه دار رقت * ونفس بنفس سفینهٔ
دل باد بان کشای آه حسرت * اولمق معتادی اولدیغندن فضله

(لباچه) اوسته کیلن لباس

دلم بناله درآید که هان صبوری را نسخه
ازصبوری را نسخه

آثارحکم تقدیرازل ظهوره قریب اولمغین اول کلستان مغفرت الهی
زیارتنه عزم اولندیغی کوندنبری شبنم صبر ربودهٔ نیحهٔ مهر اشتیاق
اولمغله طی منازل بعیده دامن آرزویه غبار اولوب برکون مقدمجه
منزل مقصوده وصول وتسلیم نقد اشك نیاز امید یله عوارضخانهٔ
جریدهٔ عمردن برمقدارخانهٔ ایام فرونهاده قلنمق جانه منت بلنورکن
نه حال ایسه اول مرتبه طی مراحل بیحساب اندنصکره رسیدهٔ قرب
بیت الحرام اولدقده کاربان عقل وشعور وملکهٔ صبر وقرار محلنده
پایدار اولمق نیجه متصوردر (بیت) چون اثر قرب مصور شود *
جاذبهٔ شوق فزونتر شود * حرم مکهٔ معظمه یه ایکی ساعت مقداری
عمره نام محل که ابتدای حد حرم ایزدی اولدیغن اشعاره طرفین
طریقنده ایکی میل سربلند لسان حال اولمشدر چشم کذار ره نوردان
بوادیٔ حسرت اولدقده یکباره قافلهٔ حجاج جنبش صرصر شوقیله
اوراق خزان زده کبی افتادهٔ زمین اولوب پیادهٔ بازیچهٔ شوق ومحبت
اولدیلر (نظم) جمله خلایق چه عرب چه عجم * بادیه پیما بهوای حرم
* زآتش شعله بغود آمدند * جمله دران عرصه فرود آمدند * خوشا
اول هنکام دلارام که مقراض شوق وغرام صحیفهٔ قلوبدن حواشیٔ
تعلقات سوایی قطع ایدوب ریسمان باز آرزو سرمنزل آماله خطوه
جنبان شتاب اوله وحبذا اول موحد پاکیزه سرشتکه جذبهٔ محبت
الهیه ایله پیراهن علایق اموال وعیالدن آستین فشان تجرد اولوب
خوان بی امتنان مغفرت الهیه دن لقمه چین نعمت دارین اوله
(بیت) نعمت اوهست برون ازخیال * کیف بود سر لسان المقال *
هزار شکر قادر بیچونه که شمعهٔ سینه فروز حیات کشتهٔ نفس واپسین
اولمه دن کرم نظر قندیل طاق مطاف اولمغله دیده روشن
اولمق سعادتندن بی نصیب ایلمدی وثنای بیحد حضرت وهاب عمیم
الرحمته که کالای کباب زندکانی * تاراج خوردهٔ رهزن مرك ناکهانی

بازیچه باجیم فارسی
بدانچه بازی کنند
ومسخره شرفنامه
فرود بمعنی فرو یعنی
آشغه نعمة الله
الغرام الدوام والحرص
(وا) کیرومعناسنه عربیدر
مرة بعد اخری معناسنه
که اولور تحسین لفظ
ایچون زائد کلور وبا
معناسنه کلور پسین
صکره کی معناسنه در
نعمة الله

اولمازدن مقدم پرنیان پیشانی * پانداز خاك حرم یزدانی قلنمق
دولتندن محروم قومدی (بیت) منت خدا که هرچه که طلب کردم
ازخدا * برمنتهای همت خود کامران شدم * ماحصل حوالیٔ مکهٔ
معظمه ده ناکاه قباب مزارستان معلا * سایهٔ خرمازاردن هویدا
اولمغله حدقهٔ عیون پیمانهٔ لبریز نشاط اولوب مستیٔ شوق سرخوشی
اولمغه باشلدی (نظم) خاك معلاست که تاج سراست * نورده
دیدهٔ ماه وخوراست * هرطرفش مغرب صد آفتاب * پردهٔ کل
کشته برایشان نقاب * هزاران نجوم زهرهٔ سپهر کرامت اول
خاك پاکده متواریٔ کوشهٔ خفا اولمغین قدری آسماندن معلا اولمق
موقع چون وچرادکلدر خصوصا شمع شبستان عصمت پروانهٔ چراغ
نبوت خدیجهٔ کبری رضی الله عنها حضرتلری دخی اول ساحه ده
آرایش زینت سرای جاودانی اولمغله قبهٔ مرقدلری اعظم قباب
معلادر اندنصکره ناکاه آثار عمارات بلدهٔ مکهٔ معظمه ورای نقاب
خفادن نمایان اولمغله یکباره هجوم سیلاب حیرت بنیان حواسی
نمونهٔ دل مشتاقان ایدوب صولجان مهابت قدسیه ایله کوی صفت
بازسر کرده (بیت) کوبك کبی اهل دله باغ ارم اولماز * باغ ارم
اول جنت فیضه حرم اولماز * زمزمه سیله میانهٔ کوچهٔ مکهٔ
محترمه ده دور ایدرك (بیت) مدعامز بر نکاه مرحمتدر یاردن *
ایکی عالمده دخی برمدعامز یوق بزم * وفقنجه صحن مدعا آرامکاه
پای نکاه قلندی مدعا نامیله شهرتیاب اولان میانهٔ کوچهٔ ام القراده
بر پشته درکه صحیفهٔ دیوار حرم ربانی ابتدا اول محلده ممر طفل
نوآموز نظر اولمغله اول محلده چکیدهٔ یراعهٔ زبان اولان منظومهٔ
دعا مرسوم لوحهٔ اجابت اولمق موقع اشتباهدن متباعد اولدیغی
سلطان کونین صلی الله علیه وسلم حضرتلرینك موقف مزبورده
هربار دست کشای بارکاه احدیت اولدقلری ثبوت یافته در *

کوچه بمعنی صوقاق

یراعه یونلمش قلم
نعمة الله

(بيت) روى طلب نه بسوى مدعا * بى شك وشبهه است قبول دعا *
{ ديدن رخسارۀ بيت الله } بالآخره مدعادن دخى كذر اولنوب
تار انظار شرفات منارات حرم مكرم سر بكردونه پيچيده قلنه رق
سدۀ سدره فرساى باب السلام سجده كاه پيشانئ جان اولوب
صحن ساحۀ حرم اللهه اطارۀ حمامۀ نكاه اولندقده نسخۀ
متخيله دن شيرازۀ شعور بالكليه كسسته اولوب اجزاى پريشان
حواس بازيچۀ بادآه اولمغه آغاز ايلدى (بيت) كشت دلم غرقۀ
بحر وصال * كشدم از خود بفروغ جمال * سيل سرشك ازمژۀ
اشكبار * سرزد وجيحون شد وازانم كنار * غلبۀ دهشت وصالدن
ازقالديكه اكسير عالمبهاى جان * خاكريز مسامات بدندن ريزان *
اوله واستيلاى مهابت بيت ذى الجلالدن قريب اولديكه شير
روح زنجير انفاسى قطع ايدوب كريوۀ تنك تندن كريزان اوله
(بيت) ديديم اينچنين دم وصل ونه مرده ايم * مارا بسخت جانئ
خود اين كمان نبود * بوكيفيتله شحنۀ مهابت جلال * بر زمان
قلمرو خردده تصرفدن تعاقب لمعۀ تبسم جمال * نوعا انارۀ چراغ
شعورا يتمكين كمال شرميله وراى چارچوبۀ مژكاندن قامت
هوشربای شاهد بيت الحرامه روزنۀ چشم حسرت كشاده قلندى
{ ذكر اوصاف كعبۀ عليا } برنازنين انجمن ملاحتدركه قامت
سدره خرامنه پيرايۀ قيام ويرمكله تماشاييان ملك وملكوتى افتاده
نظرۀ حيرت ايلمش * وبرماه آفتاب سوزدركه آغوش هالۀ مطافده
جلوه كر اولمغله كان چشم نظاره كيان زمين وآسمانى كريبان عشاقه كار صبر نسخه
دوندرمش (بيت) زفرق تابقدم هركجا كه مينكرى كرشمه * دامن
دل ميكشد كه جا اينجاست * برسرو دامن چيدۀ ساحۀ رحمتدركه
مرصع بالاء آشيان قدس كرد سرنده فاختۀ مطوقه كه دوره
كيرمش برشمع انجمن تاب هدايتدركه سبعۀ سياره پيرامن شعلۀ

جمال عالمسوزينه پروانه اولمق آرزوسيله سوزان اولمش (نظم) كشته
همه فاخته اوسرو ناز * جمله چو پروانه واوشمع راز * شمع اكر
هست درين بزمكاه * روشنئ اوست زنور آله * وراى پردۀ سيه
فامده سرچشمۀ حيات ابديدركه دلالت خضر توفيق ايله لب
تشنكان باديۀ آرزو زيرميزاب رحمتدن استفاضۀ ماء الحيات مراد
ايتمه ده درلر بركاسۀ سرپوشيده نوال هدايتدركه دائرۀ خوان
مطافده اولان نيم صحن حطيمدن كرسنه چشمان تنكناى معصيت
ايچون تحصيل نوالۀ مغفرت ايتمه ده درلر (بيت) از كل وآبش
كرم ميبارد اين خانه است * خضر راسقا وابراهيم بنا كرده اند *
نه كعبه ناف مشكين عالم آب وخاك * مركز عنبرين دوائر افلاك *
كرسئ مملكت آلهى * قفس طائر فيض نامتناهى * صندوقۀ
كنجينۀ ملكوت * درج مظروف جوهر چارسوى جبروت *
پيرامن مشكفامى تحريك نسيمله جنبش پذير اولدقجه تموج قلزم پيراهن مشك نسخۀ
انوار نمايان * وقلوب دلبستكان نظارۀ حيرت عمان ذوق
استغراقده غوطه زنان اولمشلر (بيت) تيه لباس مشكين چو بجلوه تيه صحرا وبيابان
اندر آيد * ببرد هزار دلرا بكرشمۀ نهانى * وزير نقاب عنبر آكيندن واولو انمق نعمة الله
كوشۀ عذارى لمعان ايتدكجه مهر سپهر افروز خروش ضياده نهان
اولمه ده در (نظم) شد متحرك زنسيمش نقاب * كشته منور زرخش
آفتاب * برقع مشكين زرخش پرشكست * زرخ كل وقيمت عنبر شكست *
اميدكاه كافۀ كائنات اولان باب مغفرت مآبى جانب شرقه توجيه
چشم التفات ايتمكله هر صبح داور خاور اورنك پيروزه فامه صعود
هنكامنده سدۀ سعادت پناهنه ناصيه ساى اولمغله قلمرو آفاقى
زيرنكين ايلمشدر (نظم) مهر سليمانكه جهان بركرفت * سكه اش
ازحلقۀ اين دركرفت * كربشرف مهر ومه افسانه اند * حلقه
بكوش دراين خانه اند * دست درين حلقه زند جبرئيل * تاشنود

بانك زرب جليل * جامهٔ عنبرين زرنطاقيله جلوهٔ محبوبانه سی مايهٔ
سودای انس وملك * وارکان مطبوعه اوزره قاعدهٔ تمكين
محترمانه سی واسطهٔ سرکردانئ کاخ فلك در (نظم) آمده باخلعت
عنبرسرشت * سنبل مشكين رياض بهشت * برده براه كرمش
عرش راه * مشعله دار حرمش مهر وماه * عتبهٔ باب عاليجنابی
محاذئ سطوح نواصی اولمغين افواه وپيشانئ زوار * شرف
مالش ايله مشرق انوار اولمده در (نظم) تن ملك راست چون دل
خاك راسويدا * بچهار حد كشاده درفيض جاودانی * چو وزد
نسيم كويش كه رود پی مسيحا * چو رسد صرير بابش كه زند دم
اغانی * نفحات آسمانی زحريم اومترجم * زخطاب آستانش شده
عرش رحمانی * وباب رحمت نصاب ايله ركن شرقی بينی اوج ذراع
مقداری ملتزم شريف ناميله معين اولان موقف جرم افكندركه
او صفحه يه سايده اولان جباه وصدور * دست زدهٔ دوزخ اولمق
غائله سندن دوردر ❊ وصف حجر اسود والای مكرم ❊ ركن شرقيده
تخمينا زميندن ايكی ذراع مقداری رفعت ايله حجر الاسود اسعد
مبارك بردائرهٔ سيمين احاطه سنده نور بخشای انجمن حرم اولمشدر
(نظم) نور سياهش لمعان ازخداست * خال سياهش حجر الاسود
است * نه حجر الاسود برشبچراغ افسر آفرينش * مردمك ديدهٔ
بينش * سويدای دل كائنات * خال جمال ممكنات * كوشوارهٔ عرش
ربانی * بازوبند خانهٔ يزدانی * كوی كريبان انوار * نقطهٔ دائرهٔ
اسرار * نكين خاتم صنع ازل * يمين خداوند جهان عز وجل *
بوسه كاه انبيا كرام * محك شفاه اوليای عظام * لوحهٔ سينهٔ عنايت
كوهر كرهدايت (نظم) نقطهٔ نه دائرهٔ آسمان * نقطه صفت
هست ازان درميان * سرمه كش چشم غزالان چين * داده سياهيش
كواهی براين ❊ وصف مقام ابراهيم صلوات الله علی نبينا وعليه ❊

يقال نفح الطيب ينفح من الباب الثالث اذا فاح يعنی رايحه ويرسه ويقال نفحت الريح اذا هبت وانقولی

درملائك مقره مقابل برقفص روينِ زرين سقف دروننده
مقام ابراهيم ايله مسمی حجرهٔ مباركه كه اثنای بنای بيت الهيده زير پای
ابراهيم صلوات الله علی نبينا وعليه ده مرغ آسا محل اقتضايه
پرواز ايمكله اثر قدم مكرملری حالا سينهٔ سنكده داغ محبت اولوب
كندوسی حرم ساحهٔ سبحانيده كوشه نشين يقين اولديغی كبی
ذكری دخی كريمهٔ (فيه آيات بينات مقام ابراهيم) شرفيله متحير ميانهٔ
خيابان سطور كلشن كلام قديم اولمشدرانك دخی هيئات پاكيزه سنه
مناسب بر كسوهٔ زرتار آيت نكار الباس اولنمغله بيت سيه قبا ايله
همسنك ترازوی اعتباردر (بيت) كعبه است اينجا ملك حيران كار
افتاده است * آسمان ازشوق طوفش بيقرار افتاده است *
❊ اوصاف چاه روح ده زمزم شريف ❊ مقابلهٔ حجر اسودده
منبع شيرهٔ جان * مورد زلال روان * يعنی چاه شفا پناه زمزم
مكرم كه خاصيت ذاتی سر چشمهٔ حياتی خيمه نشين ظلمت *
ورحيق وتسنيمی موجه زير خجلت ايتمك وصفه شايسته دكلدر
(نظم) بمذاق حق شناسان كف آبش اربسنجد * نه دهند لای
زمزم بزلال زندكانی * مه اكر مجال يابد كه شود مقيم چاهش *
كندش زجرم دلوی زشعاع ريسمانی * بالای چاهده برج آبی يه
مماس اولان قبهٔ عالیشانی طبقهٔ علويسی مؤذنان شافعيه يه مقام
اولمشدر شبانه روز صد هزاردن افزون تشنه لبان حجاج شرب
وغسل ووضوده بروجه استيفا استعمال ايدرلركن كنجينهٔ غيبيهٔ
الهيه دن فوران ايدوب مركز اصليسندن تفاوت جزئيه سی كوشكذار
دكلدر خارج دائرهٔ مطافده اولان چهل ستون روين اوزره آويخته
اولان قناديل خاطرشكن اختر فلك * وساحهٔ حرمده پرواز ايدن
كروه كروه حمامهٔ تير پرواسطهٔ انكسار بال اولمكدر (نظم) وضع قناديل
وی ازهرطرف * اختر جا نرا شده بيت الشرف * خيل كبوتر

لای بمعنی طورطو

بهوا پر بپر * د رطیران چون ملك اش کردسر * اول چمنستان
قدسك حوالیٔ حرم خرمنده هفت منارهفت سروکبی سر برآوردهٔ
اوج اعتبار * وقمریان پروازکاه قدسه جای قراردر (نظم)
درصفت طول قدهرمنار * نکته‌زده برفلك زرنکار * پایه زاوج
فلك اش مرتفع * باشجرسدره شده مجتمع * جوانب اربعهٔ مطاف
جماعت مذاهب اربعه یه جای اولوب هر برینك مجمعنده بر
محراب سینه کشای اصحاب اولمشدر (بیت) چترمقامات رباعی
دران * برسرهرقوم شده سایبان * الحاصل بوکونه ترتیب نظام
خانهٔ خداتماشاسی علاوهٔ حیرت اصلی اولمغین برزمان پای زمین پیما
درون باب السلامده پیرایهٔ رفتاردن عاطل اولوب نظر مدهوشانه
شاهین چشم دوخته کبی بالای نکه ربای بیت الحرامه تعلق
بیهوشانه‌یه باشلدی (بیت) بس که مهابت بدلم رونمود * چشم نیارستم
ازان درکشود * اکرجذبهٔ مقناطیس حجراسود پنجه زن کریبان
شعوراولماسه انجماد دهشت ایله سندان صفت اول محلدن تحریك
خطوه‌یه حصول قدرت ناممکن ایدی (بیت) چنان ازپافکنده‌ام
روزم از رخسار و قامت هم * که فردا برنخیزم بلکه فردای
قیامت هم * ذکر توجه بطواف قدوم * هله سیلاب سرشك ساحهٔ
دلده رفع خیمهٔ حیرته برمقدار همت ایتدکده (بیت) آخرای کعبه
دلیلی که بجایی برسم * دردمندم مددی تابدوایی برسم * بیتی ایله
مصافحهٔ حجر اسوده مبادرت وطریقهٔ سنت اوزره دور طواف
قدومه مسارعت اولتوب اول شمع شبستان حقیقتك پیرامنده تماثیل
اجسام طائفین ایله صورت فانوس خیال هویدا قلندی (نظم)
زآتش شمع رخ جان پرورش * سوخته پروانه صفت برسرش *
نیست درین انجمن آن شمع نور * یکنفس از کردش پروانه دور *
برطواف کامل یدی دوردن عبارتدرکه هر بر دوری طبقات قباب

(فائده)
فارسیده اوائل افعاله
داخل اولان باء موحده‌که
تأکید افاده ایدرفرسك
اهل لسان اولنلری مکسور
اوقیوب رستاقیلری
مضموم قراءت ایدرلر

چرخ دوارك بر طبقه سنه تبعیت وجهی اوزره تعیین کردهٔ صانع
ازلدر (نظم) هریك ازین دوره زروی نظر * تابع دور ست
زچرخ دکر * چاررکن رکین که رکن حجر اسود ورکن عراقی ورکن
شامی ورکن یمانی نامیله ثبوت یافتهٔ عرصهٔ اشتهاردر انلره وصوادده
وباب رحمت مآب وحجر اسود وملتزم شریف ومقام ابراهیم
ومیزاب رحمت مقابله لرینه وصولده اولان ادعیهٔ مخصوصهٔ
مسنونه اداسی ایله اتمام طواف قدومه اقدام اولندی (نظم)
طائف این خانه نباشد بفرش * بل چوملك طوف کند حول عرش *
طواف قدوم که اشواط ثلثهٔ اولاسنده رمل واضطباع مراسمی
مراعات ایچون هرکس طرف احرامی دوش یمیننده اسقاط ایتمکله
کالای تجردی زیور دوش رضا ایدوب بهادرانه ایله سردوش جلوه
کاه جنبش شجیعانه ایدوب (بیت) جرأت واظهار تجرد نکوست *
خاص بشغلی که بود بهر دوست * اشواط اربعهٔ باقیه‌سنده حالت
مسکنت وافتقاری شعار ایلدیلر (نظم) این سه بود جرأت
وفرخندکی * چارد کرراحت وافکندکی ٣ * مبدأ دائرهٔ طواف که
نقطهٔ سیاه حجراسود درهر برشوط مقطعنده ینه رخسارهٔ جهان
تابندن لب ادب ایله بوسه‌چین اوله‌رق هفت دورهٔ طواف ختام
عنبرین حجراسود ایله مختوم اولدیغی محلده عرضحال درکاه قاضی
الحاجات ایچون ملتزم شریف دخی درکار وجریدهٔ ضمیرده
مرتسم اولان مطالب نهفته برداشتهٔ بارکاه ستارقلندی (نظم)
ملتزم ارشوق درآغوش کیر * زنده بجانان شو زجان بمیر * عادت
پروانه ندانی مکر * چرخ زند اول وسوزد دکر * بعده ورای مقام
ابراهیمده دورکعت نماز طواف عقبنده دست ساقیان زمزمدن
برقدح شیرین کوارایله تسکین نائرهٔ آرزو قلندقدنصکره قادمهٔ عزم
آرام کیروفقهٔ تأخیراولمغه مساغ اولمامغین باب صفادن ساحهٔ مسعایه

زروی نظر تأمل
وجهی اوزره اوله
دیمکدر

٣ (فائده)
آخری هاء رسمی اولان
اسمك آخرینه یای
نسبت داخل اولدقده
هاء رسمی کاف ملفوظه‌یه
قلب اولنور

تحريك خطوات اهتمام اولندى (نظم) يافتى ازمرتبهٔ طوف كام
* زودپى سعى بمسعى خرام * طاق صفارشك رواق فلك * برسراو
صف زده خيل ملك ﴿ سعى كردن بصفا ومروه ﴾ صفا ايله
مروه سراى الهينك جانب شرقيسنده بربريله زانوزدهٔ تقابل ايكى
طاق بلند رواقدركه طاق صفا جانب جنوبيده وطاق مروه جانب
شماليده مقدم كرمروان آمدشد سعيه آغوش كشاى مرحبا اولمشلردر
(بيت) يكطرفش مروه ويكسوصفا * ساعى آن نيست جزاهل
وفا * ميانه ده اولان ساحه بسعى برميله قريب برمسافهٔ هدايت
پيرادركه اصحاب سعى اول شكرستان مغفرت اوزره قافلهٔ موركبى
جوش ايتمشلردر (بيت) وادئ مسعاست كه ريك شرف * سرمهٔ
چشم عظماى سلف * نقش كف پاى توبرآن زمين * روزن
فردوس شود روز دين * هربردفعه سرمنزل صفا ومروه يه قدمنه
وصول اولدقده زيرطاقده صورتنماى جداول تقويم اولان
درجات اوزره ارتقا وطريقهٔ سنت سنيه اوزره جانب حرم مكرمه
توجيه قبالهٔ خشوع ايله آيهٔ كريمهٔ (ان الصفا والمروة) سرنامهٔ
ديباجهٔ دعا قلندى (بيت) سعى كن ازمروه ده دل راصفا * لبس
للانسان الاماسعى * ديوان حرم مكرم ايله خانهٔ عباس رضى الله
عنه جوارنده بربرينه مقابل چارستون اخضرميانده اولان مسافه ده
دوش خطوه يه الباس خلعت سرعت اولنوب خصوصا حرم
خرم الهينك باب صفا وباب بغله وباب بازان وباب على وباب
عباس وباب جنائز وباب السلام نام يدى دريچهٔ مطهره سى راه
مسعايه ديده كشا اولمغله اثناى سعيده هرباب معلاجناب مقابلنه
كلدكده شاهد تنهانشين بيت الهينك جلوهٔ استهزازى مشهود
اولمغين دست نگاه كلزارجمالندن شكوفه چين تماشا اولهرق مطلع
صفادن مقطع مروه يه دك تكاپوى هفت پاره تكميلى ايله هرهفت

اهتزاز نسخه

عروس مرام اتمامنه اقدام اولندى (نظم) هيچ نبى بى وولى بى
نبود * كوقدم سعى درين ره نشود * براثرپاى كسى پانهى * كز
قدمش عرش كرفته مهى * آخرطومارهفت ورق سعى طى
اولندقدنصكره ساحهٔ حرم محترمه روزن كشاى نظارت اولان
برمنزلده بسط بساط آرام * ويوم وقفه يه انتظار ايله چندروزه
ادارهٔ اوراق ليالى وايام قلندى (نظم) جونكه نيم محرم ديداراو *
مينكرم بردر وديواراو * خانهٔ اوخانهٔ چشم منست * زانكه جهان
برمن ازوروشن است ﴿ ذكروصف عزيمت عرفات ﴾ آخر
جرس سيمين هلال ذى الحجه دفعهٔ هشتمده بختئ كردنكش كردونه
آويزان اولدقده زمان عزيمت عرفات قريب اولمغله پاى صبره
عقدهٔ آرام حرام اولمغين آماده نشينان كريوهٔ حسرت (مصرع)
مژده شهيدان عشق روزقيامت رسيد * مأليله بربرينه ابلاغ
پيام بشارت ايتمكه باشلديلر شش جهت عالمدن (نظم لمؤلفه)
پيشانئ شوقك قدم راه نجات ايت * مژكانكى چاروب غبار
عرفات ايت * طى ايله جبينكله ره كوى خدايى * ابروزك آمادهٔ
قبض خطوات ايت * ديوان الهيده دوكوب نقد سرشكك *
معمورهٔ اسلامكه تجديد برات ايت * ويرسون سكا عمرابدى كريهٔ
حسرت * خون دلى همخاصيت آب حيات ايت * نابى نيه كلدك
نه طوررسن بومقامه * واربار كه خالقه كسب درجات ايت *
آوازه سى سامعهٔ جانى كنجينهٔ كوهرايدوب طرف طرف آوازهٔ
نفيرامراى حجاج اموات برهنه خيرانتظاره صورصفت افاضهٔ حيات
ايتمكين كيمى ناقهٔ آهه هودج شعله يى زيوركيمى جمازهٔ سرشكه
عمارئ ٢ حبابى برسرايدوب غريوهٔ نعره كسان دمسازسهيل ٣
فرس * وآوازهٔ جرس * نالهٔ دردناك عشاق ايله همنفس اولوب
برحالت آرام ربا هويدا اولوب قريب اولدكه آب زمزم سرجوش

مهى مه بالكسر اولو معناسنه ويا ياء مصدريه در

٢ عمارى عورت محفه سى نعمة الله

٣ السهيل بالضم وفتح الهاء كواكبدن بريلدزدر وآت آوازينه دخى ديرلر اما بو معنايه صادله دخى لغتدر الصهيل صادك فتحى وهانك كسرى ومد يله آت كشنمك صوت فرس معناسنه وانقولى صهل الفرس كضرب اومنع صهيلا فهوصهال صوت وكامير وغراب صوته قاموس

شوق اولوب سيلاب اشك حجاج ايله كف زنان وادى منابه
جريان ايليه واز قالديكه شاهباز آشيانهٔ عنايت يعنى بيت مكرم
احرام سيه فامن بال مشكين كبى آمادهٔ پرواز ايدوب همراهئ
سحاب آه عشاق ايله فضاى عرفاته طيران ايليه (بيت) ناقه
سراسيمه شد وشوقناك * مرده برآورده سرازجيب خاك * سينهٔ
ام القراده شرحه شرحه دروب لخت جكرسوخته دلاندن تنور
كبابيان كبى آتشين * ودامن بطحا ايله كريبان معلاده اولان
چاك چاك طرق خروش اشك خونين ايله ممر سيلاب بهاردن
برترين * اولوب دل خاكدن برخواسته اولان غبار پردهٔ رخسارهٔ
مهرمنير * وآوازهٔ زوار ايله آميخته غلغلهٔ اذكار صمم رسان سامعهٔ
فلك اثيراولمشيدى * مبالغهٔ تصاعد غباردن مشعل عالمتاب آفتاب
دوش فلكده ناپيدا * ومزاحمهٔ مطايادن كرهٔ زمين زيرپاده ناهويدا
ايدى (بيت) عنان بدست عنايت سپرده بودارنه * صف ملائكه
در زيردست وپاميرفت * بوغلغلهٔ طربخيز ايله وادئ منى جانبنه
ورود اولدى ﴿ ذكر وصف منى ومسجد خيف ﴾ وادئ منى
(منى) ميمك ضميله نونك قصريله در
بلدهٔ مباركهٔ مكه نك جانب شرقيسنده بر بچق ساعت مقدارى
مسافه ده بر وادئ جانفزادركه نيچه خانهٔ معلا بنا اولوب طرفين
طريقده شهنشين برشهنشين رواق صف كشيدهٔ راه انتظار حجاج
اولوب طبقهٔ سفليسى سوداكران ايام تشريق ايچون دكاكين
نزهت آيين ترتيب اولنمشدر واول وادى اوزره سايه كستر اولان
كوه بهشت شكوه دامنده مسجد خيف نام معبد فسيح الارجا
اساس يافتهٔ قواعد استحكام اولمشدر (بيت) قرب دوصد كام
زسوق منى * مسجد خيفبست صفا درصفا * خاك وكل آن همه
عنبرسرشت * فسحت او وسعت صحن بهشت * اول مسجد
پرفيض وراسنده جلوه كر برغار پرانواركه دريتيم صدف كونين

حضرتلرى اول غارده واسطة العقد انجمن اصحاب اولدقلرى
حالده پيام رسان جهان آفرين * جبريل امين عليه السلام امواج
بحر قديمدن سبحهٔ سورهٔ والمرسلاتى دستاويز پيشكاه نبوى ايتلريله
غار والمرسلات ناميله صدف كوهراشتهار اولمشدر (نظم)
هست يكى غاردر آن كزصفات * آمده مشهور ابوالمرسلات *
ازپى فراشئ آن ابروباد * ميرسدازچرخ بهر بامداد * ليلهٔ تاسعهٔ
ذى الحجه ده وادئ مناده آرام شبانه * ومسجد خيفده اداى نماز
پنجكانه * سنت قائد راحلهٔ رسالت اولمغين خيمهٔ زرطناب خورشيد
ساحهٔ فئ زوالده بديد اولمازدن مقدم ستون واوتاد خيامده
هيئات ركوع وسجود وقعود وقيام جلوه كر اولمغه باشليوب
ديباجهٔ زرافشان ظهردن خاتمهٔ سپيد فام نماز بامه دك مسجد
خيفه ملازمت وعكس خطوط جبههٔ سجود مسطر نسخهٔ ضراعت
قلندى (بيت) خلق درآن عرصه بافغان وزار * جمع بهر كوشه هزاران
هزار * قافلهٔ سپيد پوش صبح ايله خوابكاه افقدن سرزده اولوب
جيش ضيافضاى پيروزه فام اوزره ورود ه اغاز ايلدكده (نظم عربى)
قد طلع الصبح وهب الشمال * اقترب الوقت انيخوا الجمال (نظم)
باربنديدكه فرصت نماند * تيز برايندكه مهلت نماند * مألن زبان
بال بنديد نسخهٔ
زدادا ايتمكين كيسهٔ قلوب نقد آرامدن خالى * وكاخ دماغ هواى
شوقدن مالى اولوب جانب موقف عرفاته شتاب ايچون خطوات
شوق پيك نكاهى تقدمه باشلدى (بيت) آن عرفاتست وبود
كوى حق * هست كريزهمه كس سوى حق * بعد ازين نه خانهٔ
دلده مايهٔ صبر * ونه الده عنان اختيار * ونه تنده خلعت تاب *
ونه جانده نشئهٔ اقتدار قالوب زمام ارادت سرپنجهٔ حيرته مسلم
وورق شعورده مسئلهٔ بيهوشى مرقم اولوب مهابت ديوان جبروت
عمال حواسى مناصب شعوردن معزول * وغشاوهٔ تتق ملكوت *
تتق پرده معناسنه در

طرهٔ ادراکی مسبول ایلدی (بیت) پای نه تا سر کنم ای ره دانا
فریب * زهره نه تابو کنم این می دانش زدا * نو بنواستقبال امواج
روحانیت سفینهٔ وجودی لطمه خوار طوفان انقلاب * ودمبدم
تصادم صرصر مهابت عوالم معانی باد بان نفسی کنجینهٔ خفقان
اضطراب ایدرك هرنه حال ایسه افتان وخیزان خاك روانبخش
عرفاته ایصال جان ناتوان اولندی

ذکر عرفات وکوه رحمت

فضای رحمت آرای عرفات وادیٔ منادن اوج ساعتلك مقداری
جانب شرقیده برساحهٔ انشراح بخشادر که هرذره ده خاك
مشکساسی کیسوی حوران بهشتدن آستین فشان استغنا * وکمتر
کیاه نیم خشك نافه کشاسی سبزهٔ جویبار کوثر تسنیمه خنده فرمادر
هرریزهٔ سنك کوهر شکننك رشك قیمتی زرخورشیدی کداختهٔ کورهٔ
کرهٔ اثیر * وهرقطرهٔ آب کاه شوینك کیفیتی سرچشمهٔ رحیق
وسلسبیلی امواج انفعال ایله درزنجیر ایلمشدر هرنخل بهشت آشوبی
اغصان طوبایه میوه بخش پیچ وتاب * وهرخار خنجر داربنك
خمیازه کش حسرتی آغوش دیدهٔ آفتابدر (بیت) ریك مپندار بظاهر
درآن * که آب حیا تست جواهر دران * حقا برصحرای وسیع
الاطرافدر که اول فهرست تفاصیل عوالم علویه و سفلیه اولان
روز رحمت اندوزده رباط نه قباب آسمانه صعود ایدن قوافل
دعا وبقاع هفت صفهٔ زمینه نزول ایدن سراپای ملاء اعلا
دخی صورت مراسم انسانیه ده مد طناب خیام ایتسه لر بنه اکثر
مواضعی اول کونده جریدهٔ سیئات عصاتدن خالی ترقاله جغی
موقف اشتباه دکلدر تاوسطنده تودهٔ راه مغفرت یعنی جبل رحمت
هیئات مختصره ده برنافجة المسك درج هدایتدر که بوی دماغ
پیراسی مبدأ عطسهٔ صبح ومنشأ زکام شامدر بالای سر رحمت
اثرده برقبهٔ دلنشین زانوزدهٔ تمکین اولوب سرشك عشاق کبی

السابل بولجی کیمسه سالك کبی

کوره یعنی اوجاق نعمة الله

دامندن کذر ایدن آب روان قربنده مطبخ حضرت آدم علیه
السلام دود انکیز مجمر آسمان اولمشدر (نظم) کرچه بصورت
زجبال اصغرست * لیك بمعنی زهمه اکبرست * پربود از رحمت
حق دامنش * انس وملك جمع به پیرامنش * سایهٔ او درعرصات
جنان * مید هد از ظل الهی نشان * اول جبل والا محل حوالیسی
کرداکرد طناب در طناب خیام رنکارنك ایله تزیین اولنوب اول
کنجینهٔ رحمت کویا احاطهٔ دیوار میناکاریده برنکین واول
مرکز دائرهٔ عنایت چارده صفت آغوش هاله ده مکین اولوب
(نظم) ازجبل ودشت وی آثارنی * هیچ بجز خلق نمودارنی *
دامنش ازخیل وشتر فوج فوج * کشته چو دریا که درآمد بموج

جمعیت حجاجست درمسجد ابراهیم علیه السلام

وقتا که
عارض خورشیدده رنك زوال نمایان اولمغه قریب اولدی یکسره
حجاج قرین الابتهاج مسجد ابراهیم علیه السلامده کذشتهٔ سلك
صفوف نماز اولمغه عزم ایلدیلر تعیین روح الامین اوزره حدود
بیت الحرام ایله حدود عرصهٔ عرفات امتیازی ایچون ایکی محلده
وضع اولنان علمین بینده کی ارض خالیه ده مسجد ابراهیم علیه السلام
برعبادتکاه فراخ ومنوردر که نماز پیشین و پسین همزانوی صحبت
مواخات اولمق اول جامع شریفه مختصدر بنابرین اول مسجد
شریف احرام کشان سپید فام ایله شکوفهٔ بادام ریخته اولمش
کلزاردن نمونه اولوب صحیفهٔ ساحهٔ دلاراسی عملنامهٔ رحمتیان کبی
سطور سپیداج کون ایله جلوه کر اولدی آخر عقرب زراندودهٔ
خورشید ساعت مینا ظرف کردن مدارنده که درجهٔ ظهرده
سرنهاده اولدقده مؤذنان پاکیزه نفس منبه وقت صلوة اولمغین
خطیب بدیع البیان منبر فصاحت مقتضای حاله مطابق برخطبهٔ
بلیغه اداسندنصکره قیاس ناسه مخالف رفع تنافر بین الصلوتین

ایله جمع وقصر ظهور وعصر ایلدیلر بو حالت اندیشه فرسا نا
مسبوق جریدهٔ اعمال اولمغله مبتدیان حجه وسیلهٔ غرابت وضمیمهٔ
حیرت اولمغین عقیب سلامده یکباره کلبانك نعرهٔ لبیك ایله چاك
افکن کریبان افلاك اولدیلر برمدت اول محلده دست دعا کاسهٔ
دریوزهٔ درکاه کبریا قلند قدنصکره (بیت) وقت شدا کنون کهٔ
بموقف شوی * واقف اسرار معارف شوی * مألی کریبان جانه
دست اوروب هنکام تشبث دامن عرفات حلول ایتمکین همان اول
محلده نقد هوش ودیعهٔ صندوقهٔ حیرت قلوب جاذبهٔ مهر عنایت
ایله شبنم آسابی اختیار عزم دامن عرفات اولندی (بیت) کمال جذبهٔ
تو آستین کشانم برد * بذروهٔ که یکی بود رنك سایه ونور
﴿وصف هنکام وقفه درعرفات﴾ ینه قافلهٔ مورشمار حجاج پیرامن
خرمن جبل رحمتله حلقه بند جمعیت اولنجیه دك فراشان چابکدست
صبا سیما احمال واثقالی برچیدهٔ مفرشهٔ دوش جمال ایدوب طرف
طرف دیوان مقدس الهیده هرکس وقفه کیر کوشهٔ مسکنت
وافتقار اولمق تدارکنه اشتغال ایتدیلر (بیت) این عرفا تست
فراغت کجاست * هرکسی امروز بخود مبتلاست * ماهچهٔ محفل
مصری وشامی اول کوه فلك عنایت دامنده صورتنمای فرقدان
اولوب توغلرك پرچمی پرخم * وعلملرك شقه لری درهم قلندی
قاضیٔ محکمهٔ مکهٔ مکرمهٔ مبارکه بحسب العاده درجات منبره
صعود ایدوب رفع دست مناجات ایله فتح ابواب حاجات *
مقدماتنه شروع ایلدی * فواصل فقرات مناجاتده عامهٔ حجاجدن
تحریك سلسلهٔ لبیکه اشارت ایچون بازوی مؤذنان بال مرغان
کبی وقف جنبش اولدی هنکام زینت رو زبازار مغفرت
اولمغله سو بسو جانفروشان سودا کر محبت لفافهٔ متاع نیازه کشایش
ویروب معاملهٔ کرما کرم سوز وکداز وشوق ونیازه درکار اولدیلر

کمال خواب لطف نسخه

(نظم) زین همه یکبار برآمد نفور * خواست قیامت مکر ونفخ
صور * شیوهٔ شیون به بدن راه یافت * تنکدلی دستکه آه یافت *
کاه بیم عصیان ایله بدنلر سیماب صفت لرزان * وکاه تشنهٔ رحیق
امید غفران ایله دیده لر کریان * اولوب چهره لر دمسردیٔ آه
ندامت ایله خزانی * وسبرشکلر ازروی نوبهار رحمت ایله ارغوانی
اولمغه یوزطوتدی (بیت) مژه ها بر عذار دجله فشاند * آستینها
زکریه جیحون شد * نیچه جبهه لر سجادهٔ خاك اوزره نقشبند * نیچه
بدنلر آتش اضطراب ایچره سپند اولوب شرارهٔ آه نشانکاه مهچهٔ
ثریا * وقطرات سرشك کلکونهٔ رخسارهٔ ثری اولمغه عزم ایلدی
(نظم) دل بدرون کرم چو خورشید شد * رعشهٔ تن برنهج
بید شد * نعرهٔ یارب زفلك برکذشت * اشك روان آمد واز
سرکذشت * کریبان کفن احرامدن سرزده اولان برهنه تنلر ایله
صحرای عرفات * نمونهٔ حسابکاه عرصات اولوب بلکه غوغای
شورانکیز محشر * اکه نظر انجمن سوردن نازکتر ایدی (بیت)
مردهٔ او باکفن پاره به * عاجز وافتاده وبیچاره به * جوشش
سیلاب اشك ندامت آسیاب چرخی کردان * وهبوب عواصف
آه حسرت کشتیٔ نه بادبان افلاکی ویران ایتمکه قریب اولمشیدی
(بیت) لنکر لطف تو ای کشتیٔ توفیق کجاست * که درین بحر کرم
غرق کنه آمده ایم * اشارت مؤذنان ایله صد هزار افواهدن دفعهٔ
ظهور ایدن کلبانك فلك شکاف لبیك بنیان ملك وملکوتی برهم زدهٔ
زلزلهٔ اضطراب بلکه لب سکان ناسوت ولاهوتی تبخاله زارتب
وتاب ایدردی ساحهٔ خاك اوزره مزاحمهٔ روی نیازدن کلکون اشك
عرصهٔ جولان کوره مزدی وروی هواده کثرت دست دعادن طائر
نکاه فرصت طیران بوله مزدی (بیت) دست دعا بین که درآسمان *
داشته هرسوی زمین وزمان * الحاصل هرکس اندازهٔ قامت

استعدادی اوزره کنجینهٔ عطایای ربانیدن خواهشکر متاع مغفرت
اولمق سوداسیله نقد شمار اشك افتقار اولدقلری وقتده درون کنبد
اخضر سینهٔ حجاجدن ساده ترایکن آثار رحمت الهی ظهوره کلوب
(بیت) فوج درفوج کند حسن قبول استعجال * خلق را الشکر آمین
ود عا در سفرست * وفقیجه ناکاه تخمینا دائرهٔ عرفات مقدارنجه
بر قطعه سحاب عنبر افشان سایبان * سر برهنهٔ حاجیان اولمغه
آغاز ایلدی کویا تصاعد ابخرهٔ آه لباس ابرده جلوه کر اولوب (بیت)
آبرو میر ودای ابر خطاپوش ببار * که بدیوان عمل نامه سیاه آمده ایم *
نیازینك تأثیری نمایان اولوب کلاب افشانئ مهمان نوازانه اوزره
تدریج ایله صفحات وجوه عصاته ژاله بار اولمغه باشلدی (نظم)
کشت فلك زخمکه تیر آه * رحمت حق ریخت دران جایکاه *
ازتم دریای کرم کوه کوه * فیض خدا ریخته براین کروه * کویا حکیم
خسته نواز شفاخانهٔ ازل عارض بیهوشان نشئهٔ محبته مشاهدهٔ
شاهد لطفه چشم کشای اولمغیچون رشحاب آب عنایت پاشیده
ایلدی نه باران هر قطره سی مرسلهٔ رباط الحجال الطاف یزدانی یه
بردرشاهوار * ووشاح الصدر عرایس قبول ربانی یه برر کوهر آبدار
ایدی (بیت) برفلك برده دعا را بر و بال وسوز وتاب * برزمین آورده
رحمت را دعای مستجاب * بوکونه هنکام عجز ونیازده آبیارئ ابر
عنایتك سرسبزئ کشتزار آمالهدلالتی واضح اولوب بو معاملهٔ مرحمت
مقدمات جوشش دریای مغفرت اولدیغی استشعار او لنمغین
(مصراع) کرم کورد لجه‌ای باقی کدا ازدن رحارت) وفقیجه فریاد کریه
خبرئ نیجه پرده دخی تیز ایلدیلر بر ساعت مقداری تقاطر رشحات غمام
دخی اول موقف معلاده وقفه کیر آرام اولدقدنصکره خرمن برك
نسرین کبی تفرقهٔ تاراج صبا ایله ینه ناپیدا اولدی الحق نه هنکامدر
اول هنکام که سکان قلمرو اسلام دیوان مغفرت الهیده بر ساعت وقفهٔ

الحجله فتحتینله کلن اوی
الحجال بکسر الحاء جمعه

مفروضه آرزوسی ایله هفت ساله وهشت ساله واك اقربی چهل
مرحله دن ارتکاب مشاق بحر و بر ایله طی منازل اشتیاق ایدرك اول زمان
ومکانه جان رسان اولوب (بیت) دست تهی پای تهی سر تهی *
قلب تهی روح تهی بر تهی * کدای کوچهٔ رحمت حضرت غنی
چاره ساز * ونائل دستمایهٔ عرض نیاز * اولهلرنه خوشدر اول فصل
بهار چمنستان قدس که بلبلان لانه بیزار هوای اطاعت شاخسار
عفو الهیدن کلچین اولمق امیدیله مسافهٔ دور ودرازدن اول کلشن
مغفرته پرواز و دست دعا و دامن نیازی دراز ایلیهلرنه دمدر اول
دم که خرمن خرمن ذنوب دوزخ آشوب صدمهٔ صرصر عنایت
بی غایتله برك کیاهدن سبکتر و توده توده غبار معصیت خروش سیلاب
مغفرت ایله اکسیردن نایابتر اوله نه محلدر اول محل که مسودهٔ
جریدهٔ سیئات قلم عفو ایله بیاضه چقوب پیشانئ شب فام عصات
طلوع آفتاب رحمت ایله ماندهٔ دیباجهٔ صبح منور اولدقده ابلیس
ناقبول رنج اضلال صدساله سی هبا اولدیغنه سینه کوب آه وواویلا
اوله (نظم) با رکنه ازهمه کس لخت لخت * ریخته چون برك
زشاخ درخت * باردکر آمده ازنو بدید * هر که درین وقت
باینجا رسید * نه نعمتدر بو نعمت که کرسنه طبعان روزهٔ عجز ونیاز
بو ضیافتکاه عمیم النوال غفراندن کندیلری سیر معده اولدیغندن
فضله اقربا و احباسنه دخی افرازحصهٔ غائب ایچون دست افراز نیاز
اولهلرنه سعادتدر بو سعادتکه حلقه کیران باب عطای غفاری
پنجهٔ زبانهٔ آتشدن کندیلری تخلیص کریبان جان ایتدیکندن
ماعدا امانت سپارلرك دخی صحیفهٔ رقبه سی رقداشت اعتاق اولمغه
وسیله اولهلرنه کوندر اول کونکه ابواب رحمت دست دعا کبی کشاده
وکالای عنایت روی نیاز کبی آماده اولوب سر و پابرهنه درکاه کرم
پناهه مجتمع اولان بندهلر پیراهن چرکین کناهدن عاری اولوب تشریف

خلعت مغفرت ایله عودت ایلیه لر (نظم) بر در ار باب کرم منع
نیست * خواه درآی ازدرخواهی بایست * بردردرگاه کریمان چه
باك * کر همه آفاق درایند پاك * نه کر مدر بو کرم که حجاب جرم
وتقصیر ایله نقاب عذار اولان ایادئ دعا نقد اجابت ایله گنجینهٔ
اعزاز وبارکران شرم و عصیان ایله خم اولان قامتلر پایمردئ
نشئهٔ الطافیله سرو آساسرافراز اوله لر بو جمله مواهب بیکراندن
غیری نه دولتدر بو دولتکه حضرت کریم ذی الجلال عزشانه اول
روز مغفرت فیروزده ملائکهٔ مقربینی نائل لطف خطاب بیوروب
ای معشر سرادقات ملکوت دیده کشای تماشا اولك که امید
عفو ورحمتله راه رضا خواهئ عزتمده پویان اولان بنده لرم که
شوق اطاعتمده ملك ومال واولاد وعیالیله موادعت وموقف
مقدسمه افتان وخیزان مسارعت ایدوب حالا دیده لری چشمه
سارغم وسینه لری چاکزار الم وجبهه لری خرمنگاه غبار مذلت
ودهنلری ناله ریز فریاد ملامت دستلری گزیدهٔ دندان انفعال
وسرلری کوفتهٔ سنك ملال دریوزه کر درغفرانم وحلقه کردان باب
احسانم اولمشلردر سز جمله نکاشتهٔ صحیفهٔ شهادت اولك که
بونلرك سرجمله سیئاتده لباس حسناتده جلوه کر ورحمت ومغفرتمه
مظهر ایلدم دیو رخسودهٔ خاك عرفات اولان کمینه لرین انجمن
قدسیانده عظمت وکبریاسیله وسیلهٔ مباهات ایلیه (بیت) زهی
مراتب علیا وسعادت عظمی * ملکلرینه مباهات ایده سنکله
خدا * الحمد لله ثم الحمد لله بوهرزه کرد کوی معصیتی آوارهٔ وادئ
یأس وحرمان ایکن قوت رفتار پای اقتداردن دامنکش اولمدین
اول خاك پاکه وضع قدم ایله فائز درجهٔ اغتنام ایلدی (نظم)
ایردم اول جایه که مقصود دل وجانم ایدی * کوردم اول وقتی که
آرایش ایمانم ایدی * بولدم اول مطلبی کم کوکلم ایدردی خواهش *

وخواهی بایست نسخه
بایست نسخه
با حرف تأکید ایست امر مخاطبدر اسقیدندن طور دیمکدر سودی
گزیده گزیدندن فتح کاف ایله ایصرمق معناسنه‌در

بصدم اول خاکه که کحل بصر جانم ایدی * حضرت قادر مجیب
جمله آرزومندان پیغوله نشین حسرته نصیب ایلیه آمین * ذکر
عودت بسوی مزدلفه * ماحصل تکمیل مرتبهٔ وجوبه دك موقف
کنه کدار عرفاتده اقامت پای ثبات اولنوب مجمر زرین خورشید *
زیر دامن افقده ناپدید اولمق انصراف مهمانان مغفرته اشارت
اولمغین العظمة لله یکباره اموات عرفات نائل رتبهٔ حیات اولوب
برغلغلهٔ آسمانکیر ظهور ایلدیکه ازقالدیکه اطفاء نائرهٔ فلك اثیر ایلیه
آثار رحمت غفاری بالجمله قلوبه ساری اولمغین سینه لر گنجینهٔ
سرور وخاطرلر انجمن حضور اولدی جیش الم هزیمت خوردهٔ
سپاه انبساط وغبار غم خوابیدهٔ رشحات نشاط اولوب مدة العمر
دامن وصالنه دسترس میسر اولمیان شاهد صفای درون جلوهٔ
نامعهودانه ایله عرض جماله باشلدی بود سمایهٔ صفا تحصیلیله
بربرین پامال ایدرك جانب مزدلفه یه امالهٔ عنان مراجعت قلندی
(نظم) خلق همه بارکنه ریخته * راحله ازجای برانگیخته *
کشته سبکبار زبارکناه * روز سر شوق نهاده براه * اول محلده
بربرینه مسابقت منشأ نزاع وجدال اولمق احتمالنی دفع ایچون
بحسب العاده محفل مصریان دست شامیانه ومحفل شامیان دست
مصریانه ایداع اولنوب کمال انشراح وابتهاج ایله رویمال دامن
مشعر الحرامه تحریك کام اهتمام اولندی (نظم) رهروانرا بزمانی
چنین * پای نباید زفرح برزمین * ازعرصات آنکه بباغ جنان *
روی نهد چون نبود شادمان * اوصاف مغفرت اثر مشعر الحرام *
مزدلفه نامیله مرسوم جریدهٔ شهرت اولان مقام فیض ارتسام
عرفات ایله وادئ منی بیننده بر صحرای جانفزادر که مشعر الحرام
اول صحرای معصیت ربا سینه سنده اولان بر صفهٔ وسیعه ووسطنده
اولان قبهٔ رفیعه دن عبارتدر موقف عرفاتده جریدهٔ عصیاندن

یکباره بای فارسی ایله بالجمله دیمکدر یکباره باء عربی ایله دفعة دیمکدر
دستبرد نسخه
فیض اتسام نسخه

سترده كزلك عفو اولمیان سواد حقوق عباد اول مقام مباركده
شسته صابون عنایت اولملق نكاشته صفحات تواتردر بنابرین پیرامن
پرامن مشعر الحرام مقام خیام قلوب وقت عشا ومغرب بر بریله
دوچار اولملق دخی اول مقـام مغفرت نظامده مخصوص اولمغین
هر كوشه سنده برجماعت شیرازه بنداجزای نسخهٔ عبادت اولمغه
شروع ایلدیلر (نظم) پروانهٔ رحمت بده‌ای شمع كه امشب * از آتش
دل پیش توچون شمع كدازم * اول لیلهٔ مباركه ده حقوق عبـاد
كبی بر باربلادن آزاد اولملق شوقیله ذیل معافات رب العباده تشبث
طریقیله ینه قافلهٔ آه وفریاد چرخ برینه پیوسته اولدی (بیت)
امشب كه یار برسرلطف وعنایت است * ای ناله كرم باش كه وقت
سرایت است * اولیلهٔ خوف ورجاده نائرهٔ قلوبدن زبانه كش اولان
دودبیم وشمع امید ایله بر بشقه شب پراختردخی بدید اولوب دستلر
نهال دعا كبی سوی آسمانه كشوده وجبهه لر اشك نیاز كبی زمینه
سوده اولوب (بیت) چندان سودند روی حسرت برزمین * كه این
سودهٔ خاك را بتنك آوردند * دریچهٔ خزائن ابصار كلید امید ایله
مفتوح * وكالای خواب كران سرپنجهٔ دزدبیم ایله مرفوع اولدی
(بیت) رفت ز دل محنت وغربت بدر * شام غریبان ذكراست
این ذكر * اول مراح شافیهٔ صفاده حال ماضی ومستقبل لرینه
كریه ایله معتل العین اولنلر فائز عز مقصود * واول ملتقای بحر
رائق هدایتدن درر خزانهٔ مغفرت ایچون نسخهٔ اشباه آه ایله
تنویر ابصار ایدنلر واصل مسئلهٔ شهود اولدیلر (نظم) ظلمت زنك
از رخ آینه رفت * ازته دل محنت دیرینه رفت * كوكب امید ازو
شد بدید * شام چنین به بود از روز عید * اول ساحهٔ راحت
بخشای عجمیهٔ المغفرتده بازوی مژكان دراغوش عروس خواب ایتمك
دخی وسیلهٔ مشاهدهٔ صورت مرام اولمغین نیجه لر دخی كریبان

این تودهٔ خاك نسخه

اجفانه كاربزخواب استراحت اولدیلر (نظم) دیدهٔ آن بخت كه
نغنود بود * كردمدد طالع انجاغنود * چونكه شدی پاك زآلودكی
ازبی باكی بود آسودكی * شكست كاسهٔ درون ابالسه ایچون
انداخته اولنه جق ریزهٔ سنك جمرات اول ساحهٔ مباركه‌دن برچیدهٔ
كوشهٔ دامن همت اولملق سنت اولدیغنه بناء اول جواهركان سعادت
پرور ریزه سرانكشت جمعیت قیلدی (نظم) ریزهٔ سنكش همه
تسبیح كوست * نیست تهی یكنفس از ذكر دوست * درتو
قصوریست كه آن كوش نیست * ورنه وی از زمزمه خاموش
نیست * ورق عنبرفام شام عملنامهٔ سیهكاران كبی ریزش
قطرات نجوم ایله شسته روی اولدقده خروس ملمع بال
صبح (نظم) صبحك الله صباح السعید * پرتو مبارك بود این
روز عید * این چه صباحست كه شش صد هزار * بنده شد
آزاد صغار وكبار * زمزمه سیله لبریز بانك بشارت اولمغین آفتاب
سجده كذار دست اشعه ایله جویبار شفقدن وضوساز اولمازدن
مقدم (بیت) دلا برخیز وطاعت كن كه طاعت به زهر كارست *
سعادت آنكسی دارد كه وقت صبح بیدارست * مآلن دلیل صبا
مسامع مجامع حجاجه القا ایتمكین احمال واثقال تحمیل ظهر جمال
قلوب ادای فریضهٔ صبحدنصكره مشعر الحرامه توجیه قبالهٔ
خشوع اوزره وقفهٔ مزدلفه به قیام واساس دست دعا احكام
اولندی * رفتن ازمزدلفه بسوی منی * پنجهٔ مصباح آفتاب
اظهار مفتاح فروغ ایتدیكی ساعت پای قیامدن دفعهٔ عقال آرام
كشاده اولمغین قنده سین قربانكاه منی دیوجان انداز اولدیلر
(نظم) كس نكشد بهر كسی انتظار * شوق منی برده زدلها قرار *
ینه وادی منی كثرت خیام ایله نمونهٔ بحر پرحباب قلندیغی ساعت فوج
فوج دامن جمرهٔ عقبه یه شتاب ایلدیلر * ذكر اوصاف جمرهٔ اولی *

جمرهٔ اولی عقبهٔ وادیٔ منانك مكهٔ مكرمه جانبنده اولان
مدخلنك طرف شمالنده بر موضعدركه دامن كوهده طولا
وعرضا بش ذراع مقداری بر دیوار بنا اولنمشدر جناب ابراهیم نبی
صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلری بروفق فرمان یزدانی كردن
جكر كوشهٔ كرامیلرین بوسه كاه دهن تیغ ایتمكه دامن برزدهٔ عزیمت
اولدقلری حالده ابلیس علیه اللعنه اول جان سپاران راه وفایی *
كشدهٔ بیابان نافرمانی ایتمك سوداسیله ابتدا اول موضعده تحریك
محبت پدرانه ایدیجك كلمهٔ شفقت انكیز مقدماتیله ترتیب دام فریب
ایتمكین ماندهٔ سك هرزه فریاد * دست ابراهیم علیه السلامدن
سنك خوردهٔ رجم وابعاد اولمشدر * جمرهٔ ثانیه وثالثه دخی
تخمینا بر برندن صد كام مقداری بعد ایله وسط بازارمناده واقعدركه
اول شاخ زقوم ضلال یعنی ابلیس شقاوت مآل اول موضعلرده دخی
اطالهٔ ریشهٔ تزویر ایتدیكی اجلدن سنك رد ایله بركریز حرمان
اولمغین بناء علیه اول موضعلر دخی بر رمیل بناسیله تعیین واشارت
اولمشدر روز نخستین ده فقط موضع عقبه یه رمی جمرات اولنمغله
هم اندام بادام هفت سنك الماس رنك فلاخن ناخندن پای عقبه یه
پرتاب اولندی (نظم) هفت كرت سنك بر آن میل زن * میل چه
بر روی عزازیل زن * قوم كه شمشیر غزا میزنند * نعرهٔ تكبیر
فنا میزنند ﴿ذكر قربان و سر تراشیدن﴾ اول روز جكر سوزده
بدل نقدینهٔ حیات سوداسیله تسلیم كردن رضا ایتمكه آماده اولان
رمهٔ كوسفندان ریك بیاباندن افزون اولمغین هر كس كاسهٔ اقتدارنجه
اراقهٔ دم ایتمكله كلكونه سای عارض آمال وسرخ نویس فصول
وابواب نسخهٔ اعمال اولمغه تشمیر ساعد اهتمام ایلدیلر (نظم) كشته
در آن بادیه قربان بسی * تشنه بخون تیغ بكف هر كسی * هر كه
نشد كشتهٔ شمشیر دوست * لاشهٔ مردار به از جان اوست *

اول بسملكاه رحمت پناهه خلعت خونین ایله كرد نفراز اولان
قربانیان سرباز * قدوم شاهد قبوله اطلس سرخدن بسط پانداز *
وپای عروس انابته نثار كلبرك اعزاز ایلدیلر (بیت) بسمل
قربانكه اوكر بود صید حرم * بر زمین خونش حلال وبر بدن
جانش حرام * اسالهٔ جویبار خونه متعاقب تودهٔ سر سودازده دن
ازالهٔ كیاه خود روی مویه سرعت اولنوب اول قربانكاه وفاده *
تیغ فرمان ربانی یه سرنهادهٔ تسلیم ورضا اولمامش آفریده قالمدی
(نظم) كر سر مویست علایق ترا * نیست یكی طاعت لایق ترا *
از سر تسلیم رضا پیشه كیر * دروه دین ترك سر خویش كیر * سر
بتراش ارچه كه مو اندكیست * اندك وبسیار درین كو یكیست
﴿ذكر اوصاف برون آمدن از احرامست﴾ آخر نسخهٔ افعال
ایام احرام تراشهٔ موی عنبرین فام ایله مسكی الختام اولیجق مرده
كان كفن در كردن احرام دست بردهٔ برات حیات اولمغین بعد ازین
پیراهن احرام ودیعهٔ لفافهٔ تعطیل قلنوب هر كس صندوقهٔ
استطاعتنده آماده اولان البسهٔ عیدیهٔ عادیه ایله آرایش بدن
عریانه شتابان اولدیلر (بیت) ویردی جان عید بهار ایتدی ینه
تازه قبا * كفنن نركس بیمارهله چاك ایتدی * شانه لر دست كش
دامن محاسین ایكن ینه بر بریله هم آغوش مصافحهٔ تهنیت اولدیلر
كلاب وعود روی ومشامیله آب وآتش ایكن خاك وباد كبی رفع
غبار وحشت ایلدیلر البسه ایله اجسام بیننده وساطت احرام ایله
حاصل اولان برودت ینه لباس كرمیده جلوه ریز اولدی وسر ایله جلوه كر نسخه
دستار میانه سنده مفارقت دور ودراز قات قات الفتیله تازه لندی
انداختهٔ بام نسیان اولان نعلینلر طلب مصالحه ایله پایلره افتاده
اولمغین بعد ازین روح وجسم كبی اتحادده ثابت قدم اولمق شرائطی
قالب استحكامه افراغ اولندی اول روز مسرت افروزده بازارمناده

کشایش بولان تنك کالای سرور خارج کاروانسرای تصو رایدی
(بیت) نه سوقدر بو که سودا کران زوارك * فروختی اوله جرم وخریدی
اوله ثواب * رفتن بکعبه بهر طوف زیارتست * اما سه شبانه روز
مشاهدۀ رخسار دلارای بیت خدادن جدا دوشمکله نفس بنفس
پیك خیال جانب حرم مکرمه آمد شددن خالی دکل ایکن لوازم
رمی وذبح وتراشدن آزاده سر اولد قدنصکره ادای فریضۀ
طواف زیارت جریدۀ ذمتده باقی قالمغله کمند جاذبۀ محبت کردن
دله منعقد اولوب مانندۀ جویبار بهار موج موج اول لجۀ مغفرت
جانبنه جریان اولندی اول کونده ینه صحن حرم ربانیده ساحۀ بهشت
کبی شورش جمعیت نشاط آمیز هویدا اولوب کوردیلرکه اول
شاهد مربع نشین سریر عز وتمکین ینه خلعت عباسی ایله جلوۀ
اهتزازه آغاز ایلمش کمر زرتار کوهرنکاری دیدۀ ملائك ایله ترصیع
اولنمش (نظم) بهر همین بسته کمر تا دکر * جان کنند آویزۀ
بند کمر * زلف سیاه خم بخم عنبر سا بی پرویزن دست نسیم
اولدقجه ارواح مقدسه بیختۀ اکسیر عنایت کبی خاك پاینه ریزان
اولمه ده در (بیت) پیش او بر پاستاده چار ارکان وجود * کرده
ازجان حدمتش را ملتزم وار التزام * اول نهال سرافراختۀ
بوستان عنایت معانقۀ نسیم عنبر ریزایله خرامه کلدکجه بال کشایان
هوای قدس قمری واری بالای سرنده حلقه نمای کردش نیاز
اولمشلر اول هنکام فیض عام اولان روز عیدده بونجه ناکاملر (بیت)
چکمه دامن ناز ایدوب افتادهلردن رحم قل * کوکاره آچلسون
اللرکه دامانکده در * ناله سیله عرضحال ایچون دامن استار فیض
بارینه توسل ایتمشلر (بیت) دامن اودر کف مردم بسی * اونکشد
دامن ناز ازکسی * نیجهلر زحام انام سببی ایله دست امیدی کوشۀ
دامن جامۀ مشکفامندن کوتاه اولمغین (بیت) یوز سورملك امارو پایکه

افتادهلر اما * نوبتمی دکر کیمسه یه دامانك اوجندن * مألی دستمایۀ
تسلیت ایلمش نیجهلر ایسه (بیت) باشکه دور ایدهیم مهر جهانتاب
کبی * پایکه یوز سورهیم شعلۀ مهتاب کبی * زمزمه سیله کباب
سوزش شوق طواف اولمش (بیت) کردن کرو بیان ودست ودوش
حاجیان * درطوافش بی سپر کشته زفرط ازدحام * نیجهلر ملتزم
شریفه (بیت) من کرآمرزش تو بهره بزم سود کنم * کرتو بخشی
کنهم راچه ضرر برداری * مألیله سینه سای نیاز اولمشلر نیجهلر
سودای تمغای حجر اسود ایله متاع جانی کارکاه زحامده تنکه چکمش
(نظم) کشته زخالش دوجهان مشکبو * خم شده چرخ ازشکن
موی او * بوسه زنندان همه بر خال او * هیچ دکرکون نشود
حال او * نیجهلر زیر میزاب رحمتده مردمك دیدۀ حطیم اولان
حجر اسمعیل علیه السلام اوزره ناودان دودیده سین سرشار
خونابۀ نیاز ایتمش (بیت) مژه پیش ناودانش بجزع چنان بکرید *
که زصحن حرم آردبدرش زسیل رانی * ونیجهلر مقام ابراهیم علیه
السلامده ناصیۀ خضوعی فرش سجدکاه نماز ایدوب نیجهلر
پیرامن چاه زمزمده تسکین نائرۀ سوز وکداز ایچون قدح کردان
امید اولمشلر (بیت) عافیتلر اوله اول تشنۀ طوف حرمه * که سر
چاهده پیمانه کش زمزم اوله * دخول حاجیان در بیت مولی *
خصوصا اول پیرایۀ جمال موجوداته اول کون الباس جامۀ مردمك کون
ایتمك ایچون دیدۀ باب عالمتابی طاق عرش برین کبی کشاده اولمغین اول
لجۀ انوارده اشتیاق استغراق ایله پیشکاه سدۀ رحمتده زحام اجسام
انام دریای صرصر دیده کبی موج خیز خروش اولوب نیجهلر معصرۀ
تنکنای زحامده شیرۀ شعوردن جدا ونیجهلرك زیر اقدام انامده
عقد کوهر انفاسی ناپیدا اولدی نیجه چالاکلر پشتۀ اعناق اوزره
رفتار ونیجه سبکبارلر تودۀ رؤس اوزره کذار ایلدی اما (نظم)

عجز بدرکاه تو ناصیه سای غرور * فقر باقبال تو حوصله سوز غنا * وفقیجه چارسوی قبول کبریاده کالای عجز وافتقار قدر جنس رایج اولدیغی تمغا یافتهٔ ثبوت اولمغین قادمه جنبان دریچهٔ بیان اولان نابیٔ ناتوان سمین بدن وضعف حرکتدن ناسی سیلاب خروشان زحامدن کذاره فرصتیاب اولمیوب حسرت ایله نا امیدانه دوردن نکران ایکن (نظم) بدرش چنان بنالم که زغایت ترحم * زدرون ندا برآید که درآدر آفلانی * وفقیجه دستیاریٔ جاذبهٔ عنایت ایله اول عتبهٔ فلك فرسایه اسهل وجه اوزره چهره سای وصول اولمق دولتنه موفق اولدی (مصرع) العزة لله تعالی وتقدس (بیت) فیض ازل بزود وبزرآمدی بدست * آب خضر نصیبهٔ اسکندر آمدی * واقعا اکر آفتاب عنایت ازلی کمند انداز قبول اولماسه پابستهٔ جرم وتقصیر اولان بو عبد فقیر اول مخزن انواره پانهاده اولمق نیجه متصور ایدی (نظم) این بود ازفرط عطا وکرم * کوچونی بار دهد درحرم * داد مرا درحرم خود مقام * کرد مرا طائف بیت حرام * این حرم محترم کبریاست * مخزن آن خلوت خاص خداست * اول سرای جهان آرای دار الملك حقیقت که غبارکترینی توتیای چشم خزنهٔ فرادیس جنان * واول نهانخانهٔ انسا انس اسرار وحدتکه فرش عرش عیاری چاروب زدهٔ مژکان قدسیان اوله اکه پانهاده اولنلرك ستون شعوری برپا وارکان ادراکی برجا قالمامق متواریٔ پردهٔ خفاد کلدر (نظم) مارا چه اعتبار واثر باوجود دوست * جایی که جلوه کرد حقیقت مجاز نیست * اول آینه خانهٔ صاف اتصاف حقیقتده طوطیٔ شکرخای خامهٔ سرخ منقاره مساغ مد نفس اولمامغین (نظم) من برآهی میروم کانجا قدم نامحرمست * وزمقامی حرف میکویمکه دم نامحرمست * مقالی سر نوشت صحیفهٔ اعتذار قلمشدر (نظم) تبارك الله ازان صحن بی زال که بود *

سمین بدن نسخه

زنور حسن لبالب زدوستی معمور * اول قبلهٔ ملك وملكوت دروننده کمی رو برو کمی قفا برقفا وکمی دوش بدوش نماز کذار تحیت کمی صحن وکمی دیواه رخسودهٔ مذلت اولوب اول بن قلزم اسرارده غریق وار بری برندن بی خبر حرکات بی اختیار ایدرلر ایدی (بیت) صارلسه حیرتیله نوله زلفنه یارك * نکاهی غرقهٔ حسن اولدی عاشق زارك ❊ عزیمت دکر بارسوی منی ❊ ماحصل اول کون غواصان بحر حرم یزانی دامن دامن خرمن خرمن کوهر بهشت افروز مراد تحصیلند نصکره ینه مناده آماده اولان خیامه توجیه مطایای عزیمت * ولیالیٔ ایام تشریقده انجمن کیر فضای منی اولمق سنتنه تبعیت ایلدیلر (نظم) سوی مناران وکرامت ببین * کرمیٔ بازار قیامت ببین * سه شبانه روز سوق منی نشانداده بازار رستاخیز اولمغین کارعیش ونشاط * هردریچه یه فرش بساط ایدوب بارمتاع کونا کون فلك کبی تنك برتنك وخرمن خرمن سیم وزر تودهٔ راه ایله همسنك اولمشیدی (نظم) رومی وهندیست که بایکدکر * کرده مماسات چو شیر وشکر * بس که بهم ریخته همیان زر * کشته دکانهای منی کان زر * نیجه چابکدستان سفیده کاردخی ساده لوحان تماشاییانك تنکنای جیب وبغلندن کیسهٔ نهفته لرین دست زدهٔ نیرنك دزدانه ایتمکله غم نسیه لرین نقد ایدرلر ایدی (بیت) کیسه برانند درین رهکذر * هرکه تهی کیسه تر آسوده تر ❊ کردن زیب چراغان شامیان ومصریان ❊ سودا کر کردون زر خورشید ایله خرید ایتدیکی پردهٔ عنبر کونی دکان آفاقه آویخته ایتدکده قافلهٔ مصریان وشامیان بربرینه اظهار حشمت واقتدار ایچون مخیم مخصوصه لرینه ترتیب آیین چراغان ایلدیلر هربرخیمه پیشکاهنده ه هزار قنادیل ایله برر اشاره نقش آخر اوزره اشعال اولنوب طبل وسورنا عالم با آلایه ولوله * وطوپلر اجزای زمینه

بغل قولتق حلبی
نیرنك حیله حلبی

زلزله صالوب آتشين چرخلر كرهٔ نارى كبى دوار * خروسلر
ققنوس صفت آتشين منقار * كبشلر سمندر مثال آتش نثار فواره لر
شراره بار دليجه فشكلر آتش زن خانمان ريش ودستار اولمشيدى
هوايى فشكلر يلدزه كمند آتوب تارشهاب ايله جو هواده عقد
رابطهٔ اخوت ايلديلركو ييادستبرد دزدان ابالسه يى قافلهٔ حجاجدن
ابعاد ايچون زمين وآسماندن اعمال ادوات رجم وطرد ايلديلر
غلبهٔ مشاعل وقناديل زمينى همرنك آسمان وآسمانى خاكه يكسان
ايدوب جابجا كل مشاعل وخوشهٔ قناديل ورشتهٔ كجروش فشكدن
دوش شامه كويا برجامهٔ زنجير باف كلدارى الباس ايتمشلرايدى
طلوع يد بيضاى صبح ابطال حبال آتشين ايتدكدنصكره آخر ايام
تشريقه دك وادئ منادة درنك وهر وقت زوالده دامان اميال
جمرات سبر هفت سنك قلوب ينه ارزوى جمال بيت ذى الجلال
عنا نرباى آرام اولمغين غبار راه حرم ايله تنوير ديدهٔ ركاب اولندى
❊ عودت زمنى بيت اشرف ❊ منادن عودتده مدخل مكهٔ
مباركه ده بطحا نام زمين دلنشين ده واقع محصبه ده بر ساعت
مقدارى جلسهٔ استراحت سنتنى مراعاتدنصكره حوالئ حرم
مكرمده اولان منازل معينه ده بسط حصير اقامت اولنوب اوقات
قرين البركات ليالى واياميده هركس اندازهٔ شوقى مرتبه سنجه متاع
بهشت بهاى مطافى (نظم) اميد نوبت طوفيله تابحشر اولماز * رباط
ديدهٔ كرويان نشيمن خواب * مصداقى اوزره بيهودهٔ خطوات
طواف ايتديكندن غيرى درون وبيرون ام القراده اولان امكنهٔ
متيمنه يى زيارتى ايله تنوير ديدهٔ جان ايدرلرايدى ❊ وصف جبل
ابى قبيس است ❊ جمله دن برى جبل ابى قبيسدركه بيت محترمك
شرقنه مائل جنوبنده سر برآوردهٔ كريبان فلكدركه نصفنه
وارنجيه دك مبانئ عمارات ايله جلوه كر اولوب حتى خورشيد

فلك نبوت صلى الله تعالى عليه وسلم حضرتلرينك دندانهٔ كليد
خزانهٔ اعجاز اولان سرانكشت عالمكشالرى سينهٔ ماهى كريبان
عشاق كبى چاك ايتدكلرى اول كوه بهشت شكوهك كرنده رسيدهٔ
ذروهٔ وقوع اولمشدر (نظم) كان كرامت جبل بوقبيس * سنك
غمش بر دل فرهاد وقبيس * دركرش موضع شق القمر * كشته
بخورشيد بعالم ثمر * كعبه چو كل سرزده ازدامنش * هشت
بهشت آمده پيرامنش ❊ ذكر اوصاف مولد نبوى ❊ برى دخى
اول ماحصل مزرعهٔ كائنات * عليه ازكى الصلوات * حضرتلرينك
نهال وجود عرش آرالرى خرامان ساحهٔ امكان وجود اولديغى
خانهٔ ملائك خدمدركه سوق الليل نام بازار عنايت زاركوشه سنده
اولان شجر جميز قربنده نور بخشاى زمين وزمان اولوب ميانهٔ صحن
خانه ده سرزدهٔ چمنزار شهود اولدقلرى مقام برصندوقهٔ سبز
پوش سروسيما ايله ايما اولنمشدر (نظم) نكهت جنت دمد
ازسوق ليل * خاك كش كوچهٔ او كل بذيل * سرزده خورشيد
جهانتاب ازو * روضهٔ جنت شده درتاب ازو ❊ بيان وصف
سراى خديجهٔ كبرى ❊ وبريسى دخى دولتسراى خاص الخاص
خديجهٔ كبرى رضى الله عنهادركه خواجهٔ سرمايهٔ دارشفاعت
صلى الله تعالى عليه وسلم حضرتلرينك خلوتخانهٔ انسانس عبادتكاه
خاصه لرى خانهٔ خزينه مقامنده روزندن كذر اولنوب برحجرهٔ
مطهرهٔ مختصره دركه صورت ديوارنده اولان ديدهٔ محراب
ملكوت آراسى قامت طوبى شكن محمدى فراقيله حالا كشاده قالمشدر
كوشوارهٔ بنا كوش بقا يعنى حضرت فاطمهٔ زهرا رضى الله تعالى
عنها دخى دست افروز شهود اولدقلرى محل ينه روزن ديكردن
كذر اولنوب برحجرهٔ پاكيزه درون صحننده برپوشيدهٔ سبزيله جلوه كر
اولوب دست آسياى سنكينلرى حالا فراق دست مكارم پيوستلريله

الجميز جيمك ضميله صيغهٔ تصغير اوزره برجنس يمشدركه انجيره مشابه در وانقولى

حالا ديدهٔ حيران وش كشاده نسخه

سر کردان دقیقهٔ هجران اولمشدر (نظم) بام ودرش یك بیك
ازهم جدا * باردازو رحمت خاص خدا * مشتری وزهره وشمس
وقمر * بوده قران شان همه بایکدکر * مطلع نیر ذات صدیق
اکبر وغابهٔ شیرخدا یعنی ولادتکاه علی مرتضی دخی اول کوچهٔ
کیمیا غباره متقاربدر (نظم) جای علیست دران شعب هم *
خانهٔ صدیق بیکدکر وقدم * اول مرأت جلا دادهٔ جمال قدیم *
علیه افضل التحیة والتسلیم جنابنه اثناء کذرده ماننده‌ٔ طوطئ
کویا شکر پاش ثنا * اولان سنك مبارکه دخی اول کوچه دیوارنه
کوکبه بخش انوار * وبوسه کاه افواه زواردر (نظم) سر بسر
آن کوی نشیب وفراز * بوده خرامشکه آن سرو ناز * برسر آن
کوی چه سان پانهم * بی ادبست آنکه نهد دیدهم * بریسی دخی
طاق صفایه همسایه دار خیز راندر که جناب سید الوری * علیه
صلوات الاعلی اول خانه ده اوتوز طقوز نفر اصحابیله ورانشین پردهٔ
خفا اولدقلری حالده جناب عمر ابن الخطاب رضی الله تعالی عنه
اول خانه ده رشحات سحاب عنایت ایله چرك شرکدن تطهیر
پیراهن جان ایتمکله تکمیل رتبهٔ اربعین ایتمشلر (نظم) خاك درش
سرمهٔ اهل نظر * کشته دران خانه مسلمان عمر * مولد حضرت عمر
رضی الله تعالی عنه دخی برکهٔ یمنی جانبنده برتودهٔ رفیعه اوزره
مرجع اعتبار زواردر ﴿ذکر وصف کوه نور سر بلند﴾ بریسی
دخی مکهٔ مکرمه یه برفرسخدن اقل جبل نوردر که کل کلشن طراز
رسالت علیه افضل الصلوات حضرتلری هنوز غنچهٔ نشکفته ایکن
سینه‌لری نسیم دست روح الامین ایله اول مقامده منشرح اولدیغندن
غیری ذروه سنده واقع غار حراده مظهر تشریف رسالت اولمغین
قبهٔ فلك مماسنده برقبهٔ بیضا دیدهٔ نظاره نور بخشادر (نظم)
زاویهٔ حضرت مولاست این * مهبط انوار تجلاست این * طلعت

لفظ سان وجه واعتبار
معناسنه‌در نعمة الله

جبریل که دیده رسول * کرده دران غار بایشان نزول ﴿ذکر وصف
کوه ثور جانفزا﴾ بریسی دخی ینه برفرسخ محلده جبل ثوردر که
ذروه سنده قریب بر غار تنك جبینده کوهر نه درج کائنات علیه
افضل الصلوات حضرتلری یار غار صدیق ایله هنکام هجرتده نهفته
اولدقلرنده بافرمان صانع حکمت نما عناکب رشته باف پرده کش
اشتباه اولوب برجفت کبوتر زیننده فرمهرهٔ بازیچهٔ مشعبذانه
رسمنده برنیچه بیضهٔ نظاره فریب وضعیله چشم بند متجسسان
قریش اولمشلردر (بیت) لعل اکر شد بید خشان مقیم * معتکف
اوشده دریتیم * ازصدفش ریخت در شبچراغ * داد جهانرا
زکواکب فراغ * الحاصل سر بسر تجلی زار انوار خدا * وجلوکاه
انبیا واولیا اولان خاك پاك مکهٔ معظمه‌نك بیان اوصاف شایکانی
بیرون قدرت قلم فرسوده قدم اولدیغی وسیلهٔ اعتذار اختصاردر
﴿ذکر دم هجر وطواف وداع﴾ آخر نسخهٔ ایام اقامت رسیدهٔ
حد نهایت اولدیغنه خاتم سیمین غرهٔ محرم ختم زن امضا اولمغله آثار
مقدمات فراق سینه‌لری مطاف غم ودیده‌لری ماننده‌ٔ چشمهٔ زمزم
ایتمکه باشلدی (نظم) دل بازخریدار متاع دکراست * رنجیده
سر از دست صداع دکراست * این طرفه نکر که صبر در خانهٔ
خویش * ننشسته هنوز در وداع دکراست * بور باط مهمانفریب
عالمده دست ساز میزبان ایام اولان قنغی مادهٔ سروردر که عاقبت
دست اشتهاشستهٔ آب چشم فرقت اولمیه وبوصهبا کدهٔ مست
انداز جهانده بخشیدهٔ ساقئ روزکار اولان نه کونه جام لبریز
صفادر که آخر لب آرزویی پیمانهٔ خمیازهٔ خمار ایتمیه (بیت) دم وصله
هجوم جیش هجراندن امان اولماز * فنا کلزاریدر بونده بهار
بی خزان اولماز * کعبهٔ مکرمه یه روز نخستین وصولده جریان ایدن
کریهٔ سرور بودفعه لباس خونابهٔ حزن وفراقده فوران ایدوب

مقدما تازیانهٔ شوق طواف قدومله توسن برقهٔ مسابقت ایدن کام
آرزو طواف وداعه کلدکده ستون مطافدن جایکیر اولوب غلبهٔ
جنبش خطوهٔ عزیمتدن دامنکش اولدی امانه چاره بو حالت
جانکداز ایله عاقبت کام وناکام دائرهٔ مطافه وضع قدم اولندی
(بیت) با خفقان دل ورنج صداع * میروم اکنون بطواف وداع *
خون کری ای دیده بصد های وهوی * وقت جدا ییست ازان
خاك کوی * اول روز کلو سوزده دیباجهٔ زرنکار صبحدن خاتمهٔ
مسکی شامه دك نالهٔ دل پریشان هجران ایله حرم کعبهٔ سیه لباس
ماتمکدهٔ پرشیوندن نشان ویرر ایدی (بیت) فراق کعبه دن سن صانمه
چشم خونفشان اغلر * سر کوی حقیقتدر بوتنلر ایچره جان اغلر *
دکل کریان اولان انجق بنی آدم وداعندن * فلکلرده ملك اغلر زمین
وآسمان اغلر * هر بر دورهٔ طواف طائر شکسته بال دله بر حلقهٔ دام اولوب
دانهٔ خاطر ربای حجر اسوددن علاقهٔ اتصال قابل انفصال اوله مدی
امانه چاره مراعات آداب مجاورت خارج عهدهٔ قدرت اولمغله دوری
صوری ضروری لزومنه بناء ملتزم شریف ایله معانقهٔ موادعهٔ افتراق
اولدقدنصکره رسم مسنون اوزره سدهٔ سنیهٔ عرش اعتبار رخسارندن
دخی لب ادبله بوسه چین حسرت اولدقده مداد اشك وخامهٔ
مژکان ایله صحیفهٔ سدهٔ معادنه بو منظومهٔ فرقت آمیز ترقیم
اولندی (نظم) الوداع ای مردم چشم بصیرت الوداع * الوداع ای
سنبل باغ حقیقت الوداع * الوداع ای خال مشکین جهانتابك سنك *
مایهٔ داغ دل حوران جنت الوداع * الوداع ای قطرهٔ آب زلال
زمزمك * سلسبیله موج بخشای نجالت الوداع * الوداع ای چرك
شوی جامهٔ جرم عصاة * کوشهٔ بامکده کی میزاب رحمت الوداع
ایله نا بینك ادای حجنه روز جزا * پیشکاه حضرتٔ حقده شهادت
الوادع * آخر دامن دامن خونابهٔ سنك کداز هجران دوکه رك *

سدهٔ سعادته نسخه

جهان جهان آه کرد ونسوز حسرت چکرك * قدم قدم رجعت
قهقری ایله باب وداعه عزم اولندی (بیت) از سر کوی تو من با چشم
کریان میروم * با کریبان پراز کل از کلستان میروم * بیرون
عتبهٔ باب وداعده جمال جهان آرای بیت خدا دیدهٔ نکراندن
نهان اولدیغی ساعت خانهٔ درونه نزول ایدن کاروان حیرت
وملالك تحریر کیفیتی کنجیدهٔ تخانهٔ تعبیر اولمدیغی انجق بارکشان
هجرانه نمایاندر (بیت) خروش اشکی نه بلسون کناره کیر وصال *
دوشن بلوریم طاقت کداز هجرانه * غلبهٔ حسرت فراق ایله رائض
حیرت دو دیده دن جریان ایدن لجام سرخ فام سرشکی سر پنجهٔ
تصرفدن چقروب توسن زود رمیدهٔ جان * نه جانبه دوان ایلدیکن
استشعار ایده مدی (بیت) عنانده چشم کریان الدی دست
اختیارمدن * صاولسون با که سنك راه اولنلر رهکذارمدن *
فراق لیلیٔ سیه خانه ایله مجنون ملامت زده وار دامن صحرایی
طوتوب میانهٔ امواج حیرتده غرقهٔ فنا اولمغه بر ایکی نفس انجق
قالمشیدی ناکاه (بیت) مشو ملول که فتاح باب مشکلها * اکر
دری که ببندد هزار بکشاید * زمزمه سیله بر طرفدن خضر
فریادرس عنایت * کمند انداز تعبیر استمالت * اولوب ای فتادهٔ
کرداب اضطراب هیچ تختهٔ پارهٔ جسم نزارك بو مرتبه طوفان
زدهٔ انقلاب اتمه که اکر بحر رحمت خیز حرم محترمدن ساحل
هجرانه دوشدك ایسه عنقریب واسطة العقد نظام موجودات
اولان بردر کرانبهای صدف کونینك رو یمال خاك درکاهنه فائز
اولو رسك که هنوز هفت حقهٔ مرصع افلاك محیط جواهر آب
وخاك اولمدین انك ذات کهری کنز خفاده منظور قادر پروردکار
ایدی (نظم) کوهر تحقیق بعالم نبود * کو در کنجینهٔ معنی کشود *
واکر کلستان استان الهی کلکشتندن جدا اولدك ایسه بر ورد

مطرای چمنزار قدسك روضهٔ بهشت آراسنده بلبل كبی نالان
اوله جقسك كه هنوز خيابان سنبله دار چرخ برين * كشيدهٔ دائرهٔ
باغچهٔ زمين * اولمدين انك وجود عالم آراسی سرشبشهٔ خلوتخانهٔ
انوار ايدی (بيت) آب درجوداشت درفصلی كه عالم بود آب *
دست دركل داشت آن روزی كه عالم بود طين * بونويد مسرت
رخسار جانه كلاب پاش تسليت * اولمغله مجمرهٔ دلده بر مقداری
عنبرشعور غليانه باشلدی الحق اكر هوای شوق مدينهٔ منوره اول
ساعتده تحريك جاروب عنايت ايتميدی جوهر نایاب روح زير
تودهٔ غبارغمده كم اولمق مقرر ايدی (بيت) دل اولوردی پايمال
لشكر جانسوز هجر * جنبش جانبخش نويد وصل امداد ايتمسه
واكر رشحات سحاب آرزوی روضهٔ مطهره اولمحلده افاضهٔ قطرات
عنايت ايتميدی خرمن هجران زدهٔ هستی طعمهٔ برق فنا اولمامق
نامتصور ايدی (بيت) اكرصوسپميدی دمدم انديشهٔ وصلت *
نه جان قوردی نه تن ياندرمدق سوزغم حسرت * هله فرمانروای
قلمرو هدايت * شمع نيم مردجانه بووجهله پروانه بخش تسليت
اولمغله بعد ازين كاسهٔ دلدن ريخته اولان خونابهٔ اندوهه بدل
بادهٔ نشئه زای شوق جديد پر اولوب (بيت) وادئ يثرب كجاست
آه زحرمان او * دامن دل ميكشد خار مغيلان او * زمزمه سيله جذبهٔ
كند محبته تسليم كردن ارادت اولنوب خاك روانبخش طيبهٔ مباركه يه
تحريك قادمهٔ اشتياق قلندی (بيت) هوای عشقه اويوب كوی
يارهدك كيدرز * نسيم صبحه رفيقز بهاره دك كيدرز * متاع كرانقدر
منازل بين الحرمينده بارتمغازدهٔ مهر منير اولدقده بر صبحدم (نظم)
بادصبادامن كل برفشاند * نكهت يثرب بمشامم رساند * نكهت كل
برسرم ازباد ريخت * خانه هستيم زبنيا دريخت * نمايان كشتن شهر
مدينه * مدينهٔ منوره يه نصف ساعت مقدار محلده جبل مفرح نام

بر پشتهٔ آسمانقدر اوزره ارتقا اولندقده مرأت عالمتاب حصار مدينه
دفعهٔ صورتنمای جلوهٔ ظهور اولوب اول كلشن مقدس ميانه سنده
كنبد خضرای نبوی احاطهٔ آغوش چار مناره ده نور بخشای چشم
اشتياق اولدقده العظمة لله يكباره قافلهٔ آه وفرياد مهمانسرای
كردونی پر متاع اشك لاله كون ايلدی رنك رو لرطائر باصره دن اول
پرواز و روح روانلر پيك خيالدن مقدم شتابه آغاز ايدوب قفص
بی جان ابدان لطمهٔ اشكيله روان اولمغه باشلدی (نظم) تاباغم عشق
توهم آغوش شديم * بيكانه زعقل وخرد وهوش شديم * در وادئ
عشق انچنان كم كشتيم * كزخاطر خويشتن فراموش شديم * نه كنبد
خضرا اجتر زرفلكهٔ پيروزه فام عرش پناه كه سايهٔ سعادت مايه سی
آسايشكاه سلطان سرا پردهٔ زمين وزمان و پيرامن كنكرهٔ لامكان
كذاری پروازكاه قدسيان هفت آسماندر حوالئ قبهٔ فلك فرساسنده
تلألؤ امواج انوار شوكت شكن آفتاب وتلون اجنحهٔ ملائكهٔ زوار
تفرقه بخش سحاب ايديكی بی ارتيابدر (نظم) كنبد خضراست
چه می پرسيش * عرش بدان پايه شده كرسيش * نور تجلبست كزو
تاسماست * نور كجا آتش موسی كجاست * برسر هر كنكره اش تافلك
جای كرفته است ملك برملك * اول سرچشمهٔ انوار دوجهان معاينه سی
ايله يكپاره قافلهٔ مشتاقان خفاش آفتاب ديده كبی زمينه دوكلوب
اول بهارستان وصالده غبار سيلاب زده وار كف زنان ونعره كشان
ممر دريچهٔ مدينه يه ورود ايلديلر (نظم) بمژكان رفته ام خاك درش
امابشيمانم * مبادا در رهش افتاده باشد خار مژكانم * كيمی زبان ماهئ
جو يبار صلوات وكيمی طوطئ ناطقه سن غرقهٔ شكرستان تحيات
ايتمكين نخلبند حديقهٔ اثر * يعنی نابئ كمترد خی بو سنبل نودميدهٔ زمين
اخلاصی دست آويز سر كوی خير البشر ايلمشدر (نظم) ايا حبيب
خدا يا محمد عربی * شفيع روز جزا يا محمد عربی * هوای كردش مهركله

چرخه کیرمشدر * سرادقات سمایا محمد عربی * اوشهسوارهنرسن که
جلوه کاهکدر * فضای نور وضیایا محمد عربی * سن اول طبیب شفا
بخش سنکه هر نفسك * ویرر عصاته شفایا محمد عربی * حکیم صنع
قومش حقهٔ دهانکده * مریض جرمه دوایا محمد عربی * شفاعتکاه
اواور زیب قامت رحمت * پلاس جرم وخطایا محمد عربی * اسیر
لعل شفاعت نثارك اولمشدر * کمال حسن ادا یا محمد عربی * تفاخر
ایتمه ده درخدمت رکابکله * امین وحی خدایا محمد عربی * کلید قفل
کشای خزائن رحمت * الکده جلوه نمایا محمد عربی * قلندی روز ازل
جلوهٔ جمالکه خاص * قلمرو دوسرایا محمد عربی * کشاده یافتهٔ تیغ برق
حسنکدر * درسواد رجایا محمد عربی * لباس سایه ده اولدك برهنه
جسم ایتدك * اودکلورك هوایا محمد عربی * چمنستان بهشته سحاب
فیضکدر * مدار نشو ونمایا محمد عربی * سیاه روی وکنهکار نابیٔ
بدکار * ایدر امید عطایا محمد عربی * محصل ماندهٔ سایهٔ بیجان
رو یمال جادهٔ آمال ایدرك غبار راه ایله باب مدینهٔ منوره دن کذر
اولندقده (بیت) کی بود سیدهٔ آن روضه بشویم باشك * ادخلوها
شنویم از حرم والایش * زدرمه سیله هر قدمده صفوف روحانیان
استقبالیله اکتساب صفای درون ایدرك عتبهٔ عرش پیرای باب
السلام * جان اشتیاق زده یه جای آرام * اولدقده نکهبانان مواقف
ملکوت * و پرده داران سرادقات جبروت * بو زمزمه ایله قرع سامعهٔ
انتباه ایلدیلرکه (بیت) صقن ترك ادبدن کوی محبوب خدادر بو *
نظرکاه الهیدر مقام مصطفادر * حبیب کبریانك خوابکاهیدر
فضیلتده * تفوق کردهٔ عرش جناب کبریادر بو * بو خاکك پرتوندن
اولدی دیجور عدم زائل * عمادن آچدی موجودات چشمن توتیادر بو *
فلکده ماه نو باب السلامك سینه چاکیدر * بونك قندیلیدر خور
مطلع نور ضیادر بو * مراعات ادب شرطیله کیر نابی بودرکاهه *

سایه دن اولدك
نسخه

رسیدز صحرا بباب السلام
ایله دیده باب
نسخه

مطاف قدسیاندر بوسه کاه انبیادر بو * ای بادیه پیمایان اشتیاق
بو اول دولتسرای جهان آرای حقیقتدرکه فرش براق عنایت
اندوزی سر بسر دیدهٔ حیران کرو بیان وقندیل طاق آسمان
افروزی سینه سوزان قدسیاندر (بیت) برسبیل طوف میکردند
کرد مرقدش * پیش جبریل وملائك درقفای جبرائیل * ای
پوینده کان راه مرام بو اول حرم کعبه توأمدرکه ساحهٔ سعادت
بخشاسنده مکین اولان سلطان المرسلین صلی الله تعالی علیه وسلم
حضرتلرینك اثر قدم لامکان پیرالری وسیلهٔ مباهات جبین عرش
برینی درای آرزومندان پیغولهٔ هجران بو اول آستانهٔ سعادت عنواندرکه
رفت وروب غبار صحن بهشت آشو بی مایهٔ افتخار بال روح الامیندر
(نظم) طعنه با کسیر زند خاك او * در نجلست از خس وخاشاك
او * ریك زمینش چو نجوم سما * کشته بسی کمشده را رهنما *
ای بیماران بستر حسرت بو اول دار الشفای علت معصیتدرکه
غبار صحن معلاسندن ترکیب اولنان معجون مفرح جواهر تقویت
بخش دلخسته کان عصیان اولماسه تب وتاب حمای حمیدن افاقت
نامیسر ایدی (بیت) آنکه دامان شفاعت بمیان برزند * کرد اندوه
نشیند بجمال کوثر * ای آبله پایان خارستان فراق بو اول روضهٔ
مطهره درکه زمین دلنشینده نشانده اولان نهال بالاکش رسالت
صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلرینك بهار وجودندن خزان
عدمه دك مزرعهٔ آفرینشدن سر زده اولان عصیاة امم اوزره
خرمنکاه رستاخیزده سایه انداز شفاعت اولمغیچون باغبان ازل
خاصهٔ تربیه ایلمشدر (بیت) کل نکار از جلوه اش فرش رخ خلد
نعیم * عطرریز از روضهٔ اش چاروب زلف حور عین * ای چشم
کشایان صحیفهٔ مرام بو اول حجرهٔ محترمه درکه صدر والاترین متکا
ایدن خواجهٔ کائنات علیه افضل الصلواتك نام نامیلری دیباجهٔ

طرازجریدۀ آفرینش اولماسه اجزای اجرام علویه وسفلیه شیرازه
پذیر انتظام اولمازیدی (نظم) طور صد موسی برانکیزد زخاك
آستان * شمع صد عیسی بافروزد بباد آستین * ای خریداران بازار
امید بو اول مضجع مقدس عرش زیبدرکه آغوش صندوقۀ
مشك سانسنده دفین اولان جوهر یکتای کونین بهادرج خفادن
درخشان اولماسه کنجینۀ ملك و ملکوت زیر قفل عدمده جلوۀ
وجوددن محروم قالوردی (نظم) زآستین نرسیدی بجیب دست
وجود * اکرنه کوهراوداشتی هوای ظهور * ای چاك زدکان
کریبان حسرت بو اول مرقد منوردرکه شفیر حفیرندە آسوده
اولان متاع کارکاه لولاك زینت چارسوی امکان اولماسه بازار کون
ومکان آیین بند آرایش ظهور اوله سزایدی (نظم) آنکه بی حبل
المتین مهرذات پاك او * خلعت خلقت ندیدی تاقیامت تاروپود *
ای امید داران شفاعت بو اول سلطان سراپردۀ رسالتدرکه داخل
شمار جریدۀ امتی اولمق مرسوم صحایف آمال انبیادر (نظم) شان
دینش همه بازار ملل کرده کساد * انبیا جان بکف اندرهوس
سوادیش * ای دانه پاشان اشك فراق بو قفص آرای شباك اولان
اول طوطیٔ شیرین ادای وماینطق عن الهوادرکه هنوز زبان
امکان دهان عدمدن نمایان اولمدین ناطقۀ روانبخشای انا افصح
ایله خلوتسرای خاص الخاص لی مع اللهده شکرپاش زمزمۀ
کفتکو ایدی ای دلبستکان مشاهدۀ مراد بو اول تابنده جمال پیرایۀ
انا املح درکه حسن ملکوت آرای ازل پسندی جلوکاه قرب
القرب وحدتده منظور کردکار ایکن هنوز ماه مصرآشوب کنعانی
نهفتۀ بن چاه عما ایدی ای بادیه پیمایان آرزو بو اول تنها سوار
فضای ملاء اعلادرکه آرزوی قدم جهان کشاسیله نه رخش
مرصع پوش افلاك مربوط طویلۀ انتظار اولمشلردر ای سینه

ریشان محبت بو اول شاهباز بازوی عنایتدرکه آشیانۀ قدسدن شکار
کاه امکانه نزوللری ایچون صیاد قدر نیچه مدت ادارۀ پنجرۀ مهروماه
ایلمشدر (نظم) دیده سدرالمنتهای معرفت رابرك وبر * وادی
تحقیق راطی تاباقصا ساخته * ای سینه صافان بزمکاه خلوص
بو اول سردفتر انبیای کرامدرکه آرزوی اسم مکرملریله صحایف
دورنك ایام ولیال نیچه مدت جلا دادۀ مهرۀ مهروماه اولمشدر
ای جان سپاران راه وفا بو اول حبیب نازندۀ خالق یکتادرکه
ضیافتخانۀ هشت درجۀ نعیم سالکان جادۀ موافقتی ایچون مزین
وعذابکاه هفت درکۀ جحیم سرکشان بیابان مخالفتی ایچون معین
اولمشدر (نظم) جای سرشت آنکه تو پا می نهی * پای ندانی که
بکجا می نهی * هرکه درین کونه زسر پاکند * بی خردست ار بفلك
جاکند * لیك دراینجا ادب آمد بکار * بی ادبا نبود اعتبار * دیو
سروشان غیب توصیۀ طریقۀ آدابده تأکید ایتدکده استیعاب
شوکت آستان رسالت ترکیب جسم ناچیزدن ازالۀ نشئۀ حیات
ایده جك مرتبه لره قریب اولمغین (نظم) پنجۀ حیرت زکریبان
کرفت * عقل سراسیمه شد اندرشکفت * کشتم ازان واله
وحیران ومست * صبر برفت ازدل ودل شد زدست * بو حالت
شعورکداز ایله مردۀ صدساله سیماسنده روضۀ مطهره یه وضع قدم
ضراعت * ومحراب مغفرت مآب نبویده ناصیه سای سجدۀ
تحیت قلمق میسر اولدی (نظم) روضه که آمد زریاض بهشت *
خشت بخشش همه عنبر سرشت * هرکه دران روضه زمانی
نشست * تا ابدالدهر ز اندوه رست * ادای تحیة المسجد عقیبنده
رهنمونیٔ دلیل عنایت ایله مواجهۀ شریفۀ سید الانامده ادای
لازمۀ صلوة وسلامه قیام اولندی اما (بیت) تاب لقا ندارد بیمارغم
کشیده * درآفتاب افتد دیوارنم کشیده * وفقجه رشتۀ انفاس

رمین عقدهٔ اضطراب ولب نیاز معدن رعشهٔ شرم خطاب
اولمشیکن ینه دست ادب قفل صندوقهٔ سینه وتار انظارمر بوط
پشت پای سکینه قلنوب زبان مشتاق رخصت یافتهٔ جنبش سلام
قلندی (نظم) السلام ای سرور اولاد آدم السلام * السلام ای بادئ
ایجاد عالم السلام * السلام ای کوهر یکتای ذات اقدسك * زیور
بالای طاق عرش اعظم السلام * السلام ای قفل کنج رحمت حق
تا ازل * دست استعدادیکه اولمش مسلم السلام * السلام ای انتساب
ذات پاککله سنك * اولدی بویله نوع انسانی مکرم السلام *
السلام ای جدك اولمقله خلیله ایتدی حق * آتش نمرودی برکلزار
خرم السلام * السلام ای قرب عهدك فیضنك تأثیریدر * کایلدی
احیای اموات ابن مریم السلام * اشته کلدی نابئ دلخسته خاك پایکه
ایده زخم جرمنه لطفکله مرهم السلام (عربی) یاخیر من دفنت
فی القاع اعظمه * وطاب من طیبهن القاع والاکم * روحی الفداء
لقبرانت ساکنه * فیه العفاف وفیه الجود والکرم * خوشا اول
هنکام حیات بخشا که سیاح علیین نورد روح راکب جمازهٔ بدن
اوللدنبرو اول آستان شفاعته رومال آرزوسی ایله مانند جرس لبریز
فریادایکن اعانت قائدعنایت ایله واصل سرمنزل مرام اوله حبذا
اول وقت دل زدا که فانوس شکست آزمای بدن نشین چراغ
حیات اوللدنبرو اول انجمن مقدس شوقیله کنجینهٔ سوز وکدازایکن
اول شعلهٔ جمال موجوداته بی پرده اطارهٔ پروانهٔ نکاه ایلیه یادباد
اول بهاروصال که عندلیب خونین ترانهٔ دل آشیانکیر شاخچهٔ جسم زار
اوللدنبرو هوای روضهٔ مقدسه ایله زمستان هجرانده نالان ایکن
امداد نسیم هدایتله اول کل کلشن افروز نبوتك پیشکاه عزتنده
بی واسطه کرهکشای نالهٔ فریاد اوله (نظم) چه خوشست پیش
محبوب لب راز باز کردن * کله های هجر قربان بسر بناز کردن *

فراموش مباد اول دم مکرمکه بال حمامهٔ آه ایله ارسالی معتاد اولان
نامهٔ صلوة وسلام بالمشافهه رسانیدهٔ معرض معلا قلنوب رجای
کوهر فردوس بهای شفاعت ایله بسط دامن نیاز اولند المنة
لله تعالی وتقدس (بعده همنشین انجمن زندکانی هم حجرهٔ آبشکاه
جاودانیلری یعنی جناب صدیق وفاروق رضی الله تعالی عنهما
مقابله لرنده دخی ابلاغ لوازم تحیت وتسلیم اولندقدنصکره ورای
حجرهٔ مقدسه ده درهٔ صدف هدی سیدة النساء حضرت فاطمة
الزهرا رضی الله تعالی عنها پیشکاهنده جواهر تحیت وثنا نثار
اولندی (نظم) میوهٔ دل قرهٔ عین رسول * زهرهٔ کردون نبوت
بتول * سیدهٔ جمله زنان بهشت * مانده در پای نبی سر بخشت

﴿عزم زیارت بقیع شریف﴾

بلبل خوشخوان وحی تنزیل
حضرت جبریل علیه السلامك راه آمد شدلری اولان روزنهٔ پر
میمنه ده دودست دعا بال طائر رجا قلندی (بنه آکه قریب باب
جبریل علیه السلامدن کذر اولنوب خاك مغفرتناك بقیع شریفده
آسوده اولان همسایکان نبوی زیارتنه شتاب اولندی (نظم)
شو متوجه بزمین بقیع * عرش برین بین ومقام رفیع * هر طرفی نور
دمد زان زمین * همچو نجوم ازفلك هشتمین * زنده دلان بین نجوم
مرده اند * سر بکریبان عدم برده اند * واقعا مزارستان جنت
نشان بقیع بر صحن رحمت نمادر که هر توده سی بر طورنور وهر نخلی
بر درخت ایمن کبی لمعان ایتمه ده در هر ذرهٔ غبار مغفرت آثاری
مایهٔ اکسیر دولتدن محترم وهر ریزهٔ سنك تابداری نکین سلیمانیدن
مکرمدر اول خاك پاك زوارندن هیچ برتن یوقدرکه چاردرج
عناصر جیننده نهان اولان کوهر نایاب روحن اول خاکده نثار
ایتمك استدعاسیله دست کشا اولمیه هیچ برجان یوقدرکه خلعت
چهارقطعهٔ جسمن اول زمینه افکنده ایتمك ایچون لبریز تمنا اولمیه

قوله ناك اداتدرکه
کلمه نك آخرینه لاحق
اولور اتصاف واتصال
ونسبت افاده ایدر مثلا
زهرناك وغضبناك
وغمناك غملو دیمکدر
آسوده بمعنی دکلنمش

بوندن اعلاجای آسایش اولورمیکه زمین بقیعدن برخاسته اولنلر
دستبرد عملهٔ درکات دوزخدن امین اولوب بلکه دوردن بله اطالهٔ
سلسلهٔ نکاه آتشینه فرصت بوله میه‌لر (وبوندن افضل دولت
اولورمیکه روز بازرستاخیزده شهریار کشور شفاعت صلی الله
تعالی علیه وسلم ایله بالین خاکدن بله سر برآورده اولوب سایهٔ لواء
الحمد نبویده عزیمت کلکشت باغ نعیم ایلیه‌لر (نظم) روز
قیامت که بود نفخ صور * این همه خیزاند دراستار نور * سرچو
برارند زجیب غبار * دیده کشایند بدیدار یار * حضرت رب
الغفور نابیٔ معصیت مآبی دخی آسوده نشینان بقیع مرافقتی ایله
سایهٔ لواء الحمد محمدیدن مهجور ایتمیه آمین بحرمة محمد الامین (دریچه
بقیع شریفده ابتدا عمهٔ سید المرسلین برقبهٔ علیه درونده مکین
اولوب اکا قریب برقبه ده دخی محرمان سرا پردهٔ سعادت یعنی
ازواج طاهرات خواجهٔ کائنات علیه افضل الصلوات پرده
نشین شبستان بقا اولمشلردر (نظم) برسرآن ره که طریق
خداست * حجرهٔ ازواج رسول خداست * ساحهٔ آن مشهد
فردوس بو * حور بکبسو کندش رفت ورو * برقبهٔ نورآمیز
درونده دخی پروردهٔ دوش وکنار دایهٔ عزت * درشاهوار افسر
سعادت قرهٔ عین قبول * ابراهیم بن حضرت رسول صلی الله
علیه وسلم غنودهٔ کهوارهٔ عدم اولمشلردر (نظم) نیست مجال
درقدم اجنبی * خفته دران کوهر صلب نبی * کرده دران مخزن
عنبرسرشت * جای بهر کوشه طیور بهشت * برقبهٔ کردون مماس
سایه سنده دخی عم مکرم سید الناس حضرت عباس رضی الله
تعالی عنه ایله چار کوهر معدن ولایت وچار قندیل طاق امانت
یعنی حضرت امام حسن بن علی المرتضی وامام زین العابدین وامام
محمد باقر وامام جعفر صادق رضی الله عنهم انجمنکیر خلوتسرای

باز خاسته ده نسخه
کشوررسالت نسخه

رفت وروب سپر که که
انکله خرمان سپوررلر
ایکیسی بریرده مرکب
استعمال اولنور
نسخه

خلد اولمشلردر (نظم) کنبد عباس که خلد آشیان * قبهٔ ازنور
بعالم عیان * ازفلك جود وسخا وکرم * کرده قران چارستاره
بهم * برقبهٔ معلا درونده دخی حضرت عقیل بن ابی طالب
رضی الله عنه (وبرقبه ده دخی امام مالك رضی الله عنه کوشه
کزین بستر خواب عدم اولوب (برقبه ده دخی امام القراء حضرت
نافع بن کثیر رضی الله عنه سرفرو بردهٔ رحلهٔ رحلت اولمشدر
(برقبه ده دخی مادر شیر خدا فاطمه بنت اسد رضی الله عنها بیغوله
نشین غابهٔ فنا اولمشلردر (اما سایبان قبابدن ساده اولان مراقد
اصحاب کرام خارج حیطهٔ حسابدر (نظم) خیل صحابه چه
بزرك وچه خرد * بیش ازانست که توانی شمرد * خصوصا کبار
مجاوریندن ملوك ومشایخ وعلما وصلحا شمار غبار بقیعدن افزون
تردر بلکه هر برمرقده یوزدن متجاوز خاموشان منزلکاه فنا
آسایش کزین خلوت بقا اولمشلردر (سرحلقهٔ انجمن خواجکان
خواجه محمد پارسا قدس سره حضرتلرینك مزار فیض آثارلری
دخی برلوح رخام ایله اعلام اولنمشدر (اما غایت حدود بقیعده
برقبهٔ عالمتاب آسمان جناب آغوشنده جامع آیات قرآنی کاتب وحی
آسمانی یعنی عثمان بن عفان رضی الله تعالی عنه حضرتلری
متواریٔ حجاب بقا وخوش نشینان سرزمین بقیعه نکهبان سرحد
انتها اولمشدر (نظم) کنبد عثمان که نماید زدور * زین همه یك
نور دمدزان دونور * کشته حیا پردهٔ درکاه او * بسته زپس
خیل ملك راه او * هر برینك غبار مزار فیض بارلریله دیدهٔ دل
تنویر * وزبان خامهٔ آه ایله کتابهٔ بالا خانهٔ آسمانه سورهٔ سبع المثانی
تحریر اولندقدنصکره ینه مقصد اعلای انس وجان یعنی روضهٔ
مطهرهٔ حبیب یزدان زیارتنه اعادهٔ روی ضراعت اولندی (مدینهٔ
منوره ده مدت اقامت اون کون اولمق عادت اولمغین مطلع نهاردن

مقطع لیله دك وکریبان شامدن دامن بامه دك مواجههٔ سلطان
الانبیاده غلغلهٔ صلوة وسلام انفصام بولمیوب کریه های های
ندامت ونالهٔ رجای شفاعت ایله طبقات کردون پریشان وزوار
کرو بیان رمان اوله جق حالتلر ظهور ایلدی اراقهٔ اشك فراقه
هنکام فرصت واطالهٔ طومار آرامه رخصت الویرمکین هرکس
آویختهٔ دامان شفاعت اولمغه صرف مقدور ایلدیلر حتی رقطراز
اوحهٔ مقال نابیٔ شکسته بال دخی بو عرض حال درداشتمالی
برلوحه یه تمیق ومواجههٔ سرور اقلیم شفاعته کستاخانه تعلیق
ایلدی (نظم) بحمد الله نصیب اولدی سعادت یارسول الله *
که ایتدم خاك درکاهك زیارت یارسول الله * زهی خسران کهرپاش
اولمدین بوخاکه ایتسیدم * کوزم کنجینهٔ خواب فراغت یارسول الله *
کنهکارم سفهکارم سیهکارم تبهکارم * بنی ردایتمه فردای قیامت
یارسول الله * خلاصه دستبرد کارفرمایان دوزخدن * نکاه کمترین
ایلر کفایت یارسول الله * فریب ساقیٔ پیمانه کردان ضلالتدن *
دم آخرده ایمانم امانت یارسول الله * کمینك یوسف نابی بی احباب
واقاربله * شفاعت یاحبیب الله شفاعت یارسول الله * علی الخصوص
حسرتکاه اجفان سلاطین جهان ومایهٔ مباهات آل عثمان اولان
خدمت فراشت جریده سنده نام فقیر دخی نکاشتهٔ خامهٔ توفیق
اولمغله هنکام شامده نطاق عبودیت * آرایش میان مفاخرت *
قلنوب درون شباکده پیرامن حجرهٔ مقدسه ده خدمت اشعال
قنادیله اشتغالده چهره فروز آمال اولمق میسر اولدی * بحمد الله
تبارك وتعالی کیسهٔ فرسودهٔ وجود نقد حیاتدن تهی اولمدین اول
خاك شرفناکده صرف نقدینهٔ اوقات اولمغله مشاهدهٔ صورت
آمال اولندی (بیت) هزار شکر کل از روضهٔ مقدسه چیدم * باستان
شفاعت بدین کاه رسیدم

ذکر وصف شهدای احدست

نشانکاه سجدهٔ ایام اولان روز پنجشنبه سلك ایامده نمایان اولدقده
زیارت شهدای احد سنت سنیهٔ رسول الثقلین علیه الصلوة والسلام
اولمغین بالجمله حجاج پیاده وسوار اول سرزمینه کذار ایلدیلر (جبل احد
مدینهٔ منوره نك برساعت مقداری شمالنده برکوه بلند سرخ
فامدر که معرکهٔ مشهورهٔ غزای احد دامن دلنشیننده موقع ظهور
اولمشدر (نظم) دامن کردون که شفق کون بود * ازاثر سرخیٔ
آن خون بود * اولا سر راهده داور ممالك کشای رسالت علیه
الصلوة والسلام حضرتلری جسم مطهر جهانزیبلرینه پیرایه بند
اسلحهٔ دشمن افکن اولدقلری محل زیارتکاه تیرنکاه قلندی *
چترسایه دار عنایتلری مد طناب اقامت ایتدکاری محلده ستون دعا
خیمهٔ آسمانه رفع اولندی * دریای کارزار خروشان اولدیغی محلده
شمشیر آه حوالهٔ چرخ ستیزه کار قلندی * درج لعلین دهان شفاعت
فشانلرندن درعالمبهای دندانلری افتان اولدیغی مکانده قطرات
سرشك حسرت کلکونهٔ عارض دامان قلندی (بیت) چنان عقده
از کار امت کشاد * که دندان درین کار بر باد باد * نخل نازپرور
جسم نازنینلری اثنای حربده برمقدار استراحت ایچون برسنك خارا
شکافنه نزول بیورد قلرنده اثر سر عرش سایی اول سنکده جایکیر
اولدیغی محل مشاهده سی تاج سر نظر قلندی (بعده مجموع شهدای
احد که جمله سی بر زمینده دخمه نشین ملك بقا اولمشلر ارواح
مطهره لرینه ابلاغ هدیهٔ دعا قلندی (نظم) بوی وفا میدمد
از خاك شان * غرقه بخون تربت نمناك شان * روز قیامت که
برآرند سر * باجکر خشك وکفنهای تر * بارخ چون مهر دمند از
زمین * تخم وفابار نیارد جزین * انلردن غیری برقبهٔ عالیهٔ بهشت
نما صدرنده عم رسول کبریا سید الشهدا حضرت حمزة بن
عبد المطلب رضی الله عنهك سرمزار لمعه بارلرنده ناوك دعا نعرهٔ

آه وفریاد ایله حوالهٔ سپرآسمان قلندی (نظم) حمزه که قربان
شده در راه دوست * سید هرجا که شهید است اوست * لاله
زخونش شده خونین کفن * داغ نهاده بدل خویشتن * سرخیٔ
کوه احدازخون اوست * ریك بریکش همه تسبیح اوست * ینه
اول حوالیده مسجد فتح نامیله مسمی عبادتخانهٔ دلکشا و بئرٔ
مخصوص سلطان الانبیادخی مایهٔ فتوح درون و بیرون قلندی
(نظم) مسجد فتح این شد و بئررسول * جای دعایست محل
قبول * بئررسولست که ازآب حیات * موجزن افتاده چونهر
فرات ﴿ ذکر وصف مسجد ذوالقبلتین ﴾ ینه اول طرفلرده
مسجد ذوالقبلتین برمعبد منورغیرمکرردر که دیوارجنوبی وشمالیسی
بر برینه ابرونمای محراب اولوب بری مسجدالحرامه و بری مسجد
اقصایه استظهارایله همچشم قاعدهٔ عز وتمکین اولمشلردر کریمهٔ
فلنولینك قبلة ترضیها جمالندن رفع برقع ابهام ایدن پیرایه بندان
عارض تحقیق تعیینی اوزره اوائل هجرتده جبههٔ عرش تاب محمدی
علیه الصلوة والسلام اون یدی آی جناب بیت المقدسه سجده بر
اطاعت اولمغین برکون مسجد معهودده شعلهٔ بشرهٔ لامکان
افروزلری قندیل محراب قبلهٔ قدیم اولدیغی حالده حضرت ناموس
اکبرفرمان جهانکردان فول وجهك شطر المسجد الحرام ابلاغیله
اول آفتاب فلك نبوتی جانب بیت الحرامه تحویل ایتمکین محراب
قدیم قفای سید الانبیایه دیده کشای حسرت اولوب قالمشدر
﴿ ذکرمقام پرشرف مسجد قبا ﴾ ظهورطلیعهٔ صباح شنبه ده
زیارت مسجدقبا سنت سلطان رسالت وموازئ ثواب عمره ایدیکی
مثبت اولمغین کروه کروه اول جانبه عزیمت ایلدیلر برساعت مقداری
محلده میانهٔ نخلستانده برمسجد مکرمدر که لمعان انوار وآثار اسرار
درودیوارنده هویدادر (قافله سالار انبیاء علیه الصلوة والسلام

حضرتلری هنکام هجرتده حوالئ مدینهٔ مبارکه یه شرفبخشای
قادمهٔ وصول اولدقلرنده تعیین قائد تقدیر ایله ناقهٔ فیض بارلری اول
محلده بسط نافهٔ استقرار ایتمکین فرمان معمار کارخانهٔ آفرینش
ایله مسجد قبا بناسنه مباشرت بیوروب نص کریم لمسجد اسس
علی التقوی ایله اساس مغفرت ساسی تمهید اولنمشدر هنکام بناده
بالجمله اصحاب کرام رضی الله عنهم ادای خدمت مزدوری ایتدکلرندن
ماعدا سلطان ممالك ماء وطین علیه الصلوة والسلام حضرتلری
دخی مالك مفاتیح مخازن رحمت اولان دست کرم پیوستلری ایله
بالذات احضار لوازم کل وسنکه مباشرت بیورمشلردر (نظم)
کعبه بصد جای زشوق قبا * ساخته پیرامن عفت قبا * محراب
سعادت نصابی روزنهٔ قصر اجابت اولدیغندن غیری محراب رکن
شرقبسنده باصرهٔ عرش پیمای نبوی یه بیت سیه قبای خدا پرده
برانداز خفا اولمغله جلوکاه قبول دعا درناقهٔ رفرف وقارلری
دوزانوی پاکیزه تکاپوسنه عقدهٔ استقرار ویردیکی زمین مبارك
وسط مسجدده برمحراب ایله سجده کاه شیخ وشابدر (نظم)
هست دران صحن مقام دیکر * خوابکه ناقهٔ خیر البشر * سایهٔ
دیوار قباده مسجد علی المرتضی رضی الله عنه ومسجد فاطمهٔ
زهرا رضی الله عنهاده خمدادهٔ قامت تحیت اولدقدنصکره بئر
قبا نام چاه زمزم سیما آیینهٔ صورت استدعای شفا قلندی (برکون
سرور کائنات علیه الصلوة والسلام حضرتلرینك کلبرك جسم
نازنینلری تأثیر کرمای هوادن آزرده اولمغله چهار یار کزین ایله
ساق عرش مساقلرین اول چاه عالیجاه دلونه القا بیورد قلرنده
انکشت مه شکافلرندن انکشترین یوسف جبینلری بن چاهه افتاده
اولمغین اول آبدن تجرع ایدنلرك پیرامن قلمرو طبیعتلرندن لشکر
امراض وعلل کذرایتمك ایچون دارالشفای الهیدن اعطای برات

تکاپوی یلوب یورمق
نعمة الله

مهجور اولنمشدر ینه اول باغبان ریاض شفاعت علیه الصلوة
والسلام حضرتلری نخلستان قبادن کذر اثناسنده بر نخل سعادت
ثمر رهکذر نبوی یه اطالهٔ کردن ضراعت ایدوب یا رسول الله
بو زخم خوردهٔ تیشهٔ انکسارك بر نیچه خرماسین رسیدهٔ لب شفاعت
نثار اتمکله تن بیجانمی بین الامثال سرافراز بیورك دیو بسط کلمات
شکر سماط ایتمکله الی هذا الآن روی ضراعت بر زمین نخل متکلم
نامیله رهکذار قباده مکین اولمشدر انك دخی زیارتی ایله ذائقهٔ مرام
شیرین کام قلنوب ینه مدینهٔ منوره یه عودت اولندی اما درون
و بیرون مدینهٔ منوره ده بر کوشه یوقدر که انواع آیات بینات لمعان
ایتمیه و بر محل بولنمزکه آثار معجزات فائضة البرکات الی الآن
محسوس اولمیه (بیت) قنده یوز سورسم او ماهك جلوه کاه پایدر *
قنده باقسم پرتو رخسار جنت سایدر * درهرکجا که مینکرم جلوه
کاه اوست * درهرکجا که روی نهم خاکراه اوست * بنا برین
یکان یکان تفاصیل کیفیت احوالی کنجیدهٔ معمورهٔ بیان اولمق
محاط حوزهٔ امتناع ایدیکی حصن حصین اعتذار در (نظم)
اوصاف محبت دهن خامه یه صغمز * تعبیر مزایای نهان نامه یه
صغمز ❊ وصف روز وداع عالمسوز ❊ عاقبت سر انکشت صبح
وداع روزنامهٔ ایام اقامتدن ورق کردان اولمغین شمشیر سرتیز فراق
دللری ابواب حرم کبی چاك چاك و ناوك دلدوز هجران سینه لری
نمونهٔ شباك اتمکه آغاز ایلدی آه انین نیشخوردهٔ هجران اول
کوارهٔ انکبین شفاعت پیرامنده نالهٔ زنبوردن افزونتر اولدی
(نظم) روز جدایی که نبیند کسی * تیره تراست از شب هجران بسی *
روز وداعست واجل در کمین * خاصه وداع کهر اینچنین * الحق
نه کار دشوار در بو که امیدکاه کافهٔ موجودات اولان داور انس
وجانك مواجههٔ علیه سنده نائل فرصت نیاز اولمشیکن کندی

کواره بالفتح والضم سبد واری قوانی و نیز خانهٔ زنبور که آنرا زنبور خانه وشانه ولانه نیز کویند شرفنامه

اختیارکله لب ناطقه بی مورد کلمهٔ الوداع ایلیه سن و نه امر مشکلدر
بو که دستکیر عامهٔ موجودات اولان محبوب خدانك پیشکاه سعادتنده
کره بند ساعد ادب اولمش ایکن پای ارادتکله صحرای هجرانه روان
اوله سن (نظم) اغله ای دیده که کریان اوله جقسك آخر * اکله
ای دل که پریشان اوله جقسك آخر * دستکه کیرمش ایکن کوشهٔ
دامان مراد * الدیروب واله و حیران اوله جقسك آخر * ای سر بی
سامان بعد ازین کوفتهٔ سنك ندامت اولکه عتبهٔ علیهٔ آستان
حرم کبی بالش استراحتدن برخاسته اولورسن * وای جبهه جلوکاه
داغ غم اولکه مالشکاه رخسارهٔ قدسیان اولان روضهٔ مطهره ده
سجده کذار اولمق دولتندن جدا اولورسن * ای دیدهٔ غم دیده فوارهٔ
خون درون اولکه نظرکاه خالق ذی الجلال اولان مرقد مقدس
مشاهده سندن سد دریچهٔ نکاه ایدرسن * ای مشام بدکام منبع
زکام آلام اولکه نکهت کل ریاض قربدن ینه تخلیهٔ دامان ایدرسن
ای دهن پرمحن کاسهٔ انکشت خورده کبی لبریز فریاد اولکه مواجههٔ
پادشاه دو سرادهٔ سرشار زمزمهٔ صلوة و سلام اولمق دولتندن
مهجور اولورسن * ای سینهٔ بی سکینه موجه زار شرحهٔ اندوه اولکه
ینه قامت موزون خرام ستون حرم در اغوشندن بی نصیب قالورسن
ای دست افسردهٔ سرمای ندامت وکزیدهٔ دندان حیرت اولکه
ینه دامن شباك شریفه توسلندن تهی قالورسن * ای پای هرزه
کرای پرکار صفحهٔ ندامت اولکه نائل کلکشت چمنزار نعیم ایکن
ینه آوارهٔ بیابان فراق اولورسن * ای دل شمع انجمن درد اولکه
پیشکاه محبوب الهیده یانوب یاقلورکن ینه بازیچهٔ تندباد هجران
اولورسن * ای طائر روح بی حمیت اشیانهٔ شاخسار علییندن خاکدان
اسفل السافلینه کرفتار اولالدنبری پروازکاه اصل هواسیله بال زن
اضطراب اولورکن حالا دار الامان حرم رسالتده فرصتیاب فرجهٔ

کرایدن بکسر الکاف میل ایلمك حلمی

رها اوله سكده افسوس كه ينه شكست قفص چارچوبهٔ جسمه
قادر اولميه سن (بيت) خاك بادا بسر غيرت اشفتكيم * كه ترا ديدم
وجان بردم وقربان نشدم * اى عقل بيهوده كرد علهٔ غائيهٔ
مقدمات ايجاد اولان وجودى بولمشيكن افسوسكه واروب تنكناى
امور ناشايستهٔ دنياده ينه سركردان اولورسن (نظم) آفاق پردريغ
وجهان پرندامتست * اين روز هجر نيست كه روز قيامتست * اواين
روز وصالده شوق مشاهدهٔ روضهٔ مطهره ايله تيز پرواز اولان
عندليب جان * هنكام وداعده شكسته بال وناتوان اولوب پيشكاه
قفص مقدسده ناله سنج الوداع اولمغيچون جنبش باله مجال
بوله مدى (نظم) چنانكه كشته ام از رنج انتظار ضعيف * نكاهرا
برخش طاقت رسيدن نيست * عاقبت خواه وناخواه خلاف دلخواه
افتان وخيزان مواجههٔ عليهٔ طاقت كدازلرنده دست شرم وحجاب
نقاب چهرهٔ اعتذار قلندى اما برحال ايله كه سرتاسر شراين بدن
مجارىٔ سيماب وقوت ناطقه اسير تب لرزهٔ حجاب اولوب (نظم)
دى روز همه وصال جان افروزى * امروز همه فراق عالمسوزى *
فرياد كه در دفتر عمرم ايام * آنرا روزى شمارد اين را روزى * مآلى
هر بن مويدن ترشح كنان اشك غلطان ودل طپان ايله مقال درد
آميز وداعه آغاز اولندى (نظم) الوداع اى خاك راهك كحل ايمان
الوداع * سنك كويك كوهر تاج سليمان الوداع * پنجهٔ خورشيد تابك
شانهٔ زلف وجود * صفوت نور رخك مرأت قرأن الوداع *
كوهر بيضاى يكتاى وجودك تا ازل * رونق خلوتسراى قرب
يزدان الوداع * خدمت اسقايه مأمور اولديغندن دورايدر *
كشتزار شرعكه طولاب دوران الوداع * كحل كرد آستانكدن اولوركن
وايه كير * قندەصرف ايتسون نكاهن چشم حيران الوداع * قامت
نخل حريم آستانكدن جدا * نيجه كلسون بريره آغوش مژكان الوداع *

پيشكاهنده اولوركن نغمه سنج السلام * قنده اولسون
بلبل دل زار ونالان الوداع * حسرت روضكله اى ورد بهشت
آراى قرب * ايغسونمى ديده دامانن كلستان الوداع * شرمسارم
يارسول الله وداعكدن سنك * بويله اولمش نيليم تقدير يزدان الوداع
كشتىٔ جسم نزارم موج طوفان قدر * ايتمك استر ساحل هجرانده
ويران الوداع * دور دوشدم آستان دولتكدن صورتا * ليك معنيده
مجاوردر دل وجان الوداع * يارسول الله نكاه شفقتك هرحالده *
ايله نابىٔ حزين اوزره نكهبان الوداع * لحظه لحظه جانب مضجع
مقدسه اعادهٔ نظرهٔ حيرت ايدرك داغ غم وقامت خم ايله خارج
دريچهٔ حرمه وضع قدم اولندى (نظم) فغانكه روز وداعست
وكريه هادارم * اكرچه ميروم اما سر وفادارم * چه كونه پاى كه سنك
ملامتم نايد * كه تند ميروم وروى درقفا دارم * اول حين درد
آكين ده خيمهٔ خشك اجزاى اعضايه اصابت ايدن سوزش فراقك
بيانى خارج قدرت قلم تر زباندر (بيت) نكه كلچين حسرت دامنم
پرخار محنتدر * كل اى بلبل بنچون ناله ايتكم روز فرقتدر * بوحالت
پرملالت ايله غبار كوچهٔ مدينهٔ منوره يى سيراب سيلاب اشك خونپاش
ايدرك دامن صحرا كرفتهٔ پنجهٔ سودا قلندى (نظم) ميرفتم وخون
دل براهم ميريخت * دوزخ دوزخ شرار زآهم ميريخت * ميرفتم
وازحسرت آن كلشن كوى * صحرا صحرا كل ازنكاهم ميريخت *
كاه خيام خيال حرمين آرايش صحراى جنان * وكاه مذاكرهٔ
اوصاف مقامين رائض كلكون زبان * اوله رق راه شامه تحريك
عنان مراجعت اولندى (بيت) دم وصال بكر نشئهٔ شراب كبى
* قالور كوزمده اودملر خيال خواب كبى * ادارهٔ سبحهٔ ايام وليال ايله
بركون ينه خطهٔ شام منزلكه مرام اوليجق اول محلده رشتهٔ
نظام حجاج رهين افتراق اولمق اعتيادنه بناء هركس دستمايهٔ حصول

يقال رضت المهر اروضه
رياضا ورياضة وانقولى
رياض طايه باش
اوكردوب رام ايتمكه
ديرلر وانقولى
(ان نلت ياريح الصبا
يوما الى ارض الحرم)
(بلغ سلامى روضة
فيها النبى المحترم)

الغرام بمعنى الحرص

مرام ایله وطن مألوفنه توجیه روی غرام ایتمکین حضرت سلطان
بارگاه احدیت جل شانه بو عبد ناتوانی دخی رهین بدرقهٔ توفیق ایدوب
قافلهٔ امن واسایش ایله ینه برکون آستانهٔ علیه ده بسط وسادهٔ
استراحت میسر ایلدی (نظم) جناب حقه هزاران هزار حمد وثنا *
که ایتدی لطفله بو عبد کمترین احیا * نه استد مسه نصیب ایتدی راه
یتنده * نه حاجتم وار ایسه ایلدی کرمله روا * علی الخصوص که
بو شاهد نو آمده نك * که حسن لفظی ویرر جانه نشوهٔ صهبا *
ادای دلکشی تعبیر شیوه آمیزی * اولور محیر طبع اهالیٔ انشا *
عجبمی جامهٔ قد قبول اولورسه بودر * متاع تازه ظهور قلمرو معنا * بو فیض
خامهٔ نابی یه راه حقدندر * که اولدی بویله عروس لطیفه چهره کشا *

دیدم تمامنه نابی بو نسخه نك تاریخ

* بو تحفهٔ حرمینم قبول ایده مولی *

اقلیم نظم ونثره داور * میدان بلاغت وفصاحته سخن آور *
صدر سخن سنجانك پیر داناسی * کوکبهٔ شکر کویانك محفل
آراسی * زمان ودهرینك نادر وکیابی * استاد ماهر یوسف نابی *
فاضلك اشبو تحفة الحرمین نام عجیب الانسجاملرینك طبع
وتمثیلی * راغب اقصی الرغائب الغائی اشوق الوری محمد رجائینك
معرفت ونظارتیله * دار الطباعة العامره ده * بیك ایکیوز

التمش بش سنه سی شعبان شریفی

اواسطنده ختام پذیر

اولدی